

کتاب مزامیر

کتاب اول: مزامیر ۱-۴۱

برکت می گیرند خدا ترسان

۱ برکت می گیرد کسی که به مشورت شریران نرود و به راه گناهکاران نایستد، و در مجلس تمسخرکنندگان ننشیند؛
۲ بلکه رغبت او در شریعت خداوند است و روز و شب در شریعت او تفکر می کند.
۳ پس مثل درختی نشانده نزد نهرهای آب خواهد بود، که میوه خود را در موسمش می دهد، و برگش پژمرده نمی گردد و هر آنچه می کند نیک انجام خواهد بود.
۴ شریران چنین نیستند، بلکه مثل کاهند که باد آن را پراکنده می کند.
۵ بنابراین شریران در داوری نخواهند ایستاد و نه گناهکاران در جماعت عادلان.
۶ زیرا خداوند طریق عادلان را می داند، ولی طریق گناهکاران هلاک خواهد شد.

اراده خدا و فکر باطل انسانی

۲ چرا اَمّت ها شورش نموده اند و طوائف در باطل تفکر می کنند؟
۲ پادشاهان زمین برمی خیزند و سروران با هم مشورت نموده اند، به ضد خداوند و به ضد مسیح او؛

۳ که بندهای ایشان را بگسلیم و زنجیرهای ایشان را از خود بیندازیم.

۴ او که بر آسمانها نشسته است می خندد.

خداوند ایشان را تمسخر می کند.

۵ آنگاه در خشم خود بدیشان تکلم خواهد

کرد و به غضب خویش ایشان را آشفته خواهد ساخت.

۶ «و من پادشاه خود را نصب کرده ام، بر کوه

مقدس خود صهیون.»

۷ فرمان را اعلام می کنم: خداوند به من گفته

است: «تو پسر من هستی امروز تو را تولید کردم.

۸ از من درخواست کن و اَمّت ها را به میراث تو خواهم داد و اقصای زمین را ملک تو خواهم

گردانید.

۹ ایشان را به عصای آهنین خواهی شکست؛

مثل کوزه کوزه گر آنها را خرد خواهی نمود.»

۱۰ و الآن ای پادشاهان تعقل نمایید! ای

داوران جهان متنبّه گردید!

۱۱ خداوند را با ترس عبادت کنید و با لرز

شادی نمایید!

۱۲ پسر را ببوسید مبادا غضبناک شود و از

طریق هلاک شوید، زیرا غضب او به اندکی

افروخته می شود. برکت می گیرند همه آنانی که

بر او توکل دارند.

یاری از سوی خداوند

مزمور داود وقتی که از پسر خود ایشالوم فرار کرد
 ۳ ای خداوند دشمنانم چه بسیار شده‌اند.
 بسیاری به ضد من برمی‌خیزند.
 ۲ بسیاری برای جان من می‌گویند: «برای او
 در خدا خلاصی نیست.» سلاه.
 ۳ اما تو ای خداوند گرداگرد من سپر هستی،
 جلال من و فرازندهٔ سر من.
 ۴ به آواز خود نزد خداوند می‌خوانم و مرا از
 کوه مقدس خود اجابت می‌نماید. سلاه.
 ۵ و اما من خسبیده، به خواب رفتم و بیدار
 شدم زیرا خداوند مرا تقویت می‌دهد.
 ۶ از کروهای مخلوق نخواهم ترسید که
 گرداگرد من صف بسته‌اند.
 ۷ ای خداوند، برخیز! ای خدای من، مرا
 برهان! زیرا بر رخسار همهٔ دشمنانم زدی؛
 دندانهای شریران را شکستی.
 ۸ نجات از آن خداوند است و برکت تو بر
 قوم تو می‌باشد. سلاه.

طلب کمک در تنگی

برای سالار مغتبان برزوات اوتار. مزمور داود
 ۴ ای خدای عدالت من، چون بخوانم مرا
 مستجاب فرما. در تنگی مرا وسعت
 دادی. بر من کرم فرموده، دعای مرا بشنو.
 ۲ ای فرزندان انسان تا به کی جلال من عار
 خواهد بود، و بطالت را دوست داشته، دروغ را
 خواهید طلبید؟ سلاه.
 ۳ اما بدانید که خداوند مرد صالح را برای
 خود انتخاب کرده است، و چون او را بخوانم

خداوند خواهد شنید.

۴ خشم گیرید و گناه مورزید. در دلها بر
 بسترهای خود تفکر کنید و خاموش باشید.
 سلاه.
 ۵ قربانی‌های عدالت را بگذرانید و بر خداوند
 توکل نمایید.
 ۶ بسیاری می‌گویند: «کیست که به ما احسان
 نماید؟» ای خداوند نور چهرهٔ خویش را بر ما
 برافراز.
 ۷ شادمانی در دل من پدید آورده‌ای، بیشتر از
 وقتی که غله و شیرۀ ایشان افزون گردید.
 ۸ در صلح می‌خسبم و به خواب هم می‌روم
 زیرا که تو فقط ای خداوند مرا در اطمینان
 ساکن می‌سازی.

درخواست هدایت به راه راست

برای سالار مغتبان برزوات نفخه. مزمور داود
 ۵ ای خداوند، به سخنان من گوش بده! در
 تفکر من تأمل فرما!
 ۲ ای پادشاه و خدای من، به آواز فریادم توجه
 کن زیرا که نزد تو دعا می‌کنم.
 ۳ ای خداوند صبحگاهان آواز مرا خواهی
 شنید؛ بامدادان [دعای خود را] نزد تو آراسته
 می‌کنم و انتظار می‌کشم.
 ۴ زیرا تو خدایی نیستی که به شرارت راغب
 باشی، و گناهکار نزد تو ساکن نخواهد شد.
 ۵ متکبران در نظر تو نخواهند ایستاد. از همهٔ
 بطالت‌کنندگان نفرت می‌کنی.
 ۶ دروغ‌گویان را هلاک خواهی ساخت.
 خداوند شخص خونی و حيله‌گر را مکروه

خداوند، تا به کی؟

می‌دارد.

۴ ای خداوند، رجوع کن و جانم را خلاصی

۷ و اما من از کثرت رحمت تو به خانه‌ات

ده! به رحمت خویش مرا نجات بخش!

داخل خواهم شد، و از ترس تو بسوی هیکل

۵ زیرا که در مرگ ذکر تو نمی‌باشد! در هوایه

قدس تو عبادت خواهم نمود.

کیست که تو را حمد گوید؟

۸ ای خداوند، به سبب دشمنانم مرا به عدالت

۶ از ناله خود وامانده‌ام! تمامی شب

خود هدایت نما و راه خود را پیش روی من

تختخواب خود را غرق می‌کنم، و بستر خویش

راست گردان.

را به اشکها تر می‌سازم!

۹ زیرا در زبان ایشان راستی نیست؛ باطن

۷ چشم من از غصه کاهیده شد و به سبب

ایشان محض شرارت است؛ گلوی ایشان قیر

همه دشمنانم تار گردید.

گشاده است و زبانهای خود را جلا می‌دهند.

۸ ای همه بدکاران از من دور شوید، زیرا

۱۰ ای خدا، ایشان را ملزم ساز تا به سبب

خداوند آواز گریه مرا شنیده است!

مشورت‌های خود بیفتند، و به کثرت خطایای

۹ خداوند استغاثه مرا شنیده است. خداوند

ایشان، ایشان را دور انداز زیرا که بر تو فتنه

دعای مرا اجابت خواهد نمود.

کرده‌اند،

۱۰ همه دشمنانم به شدت خجل و پریشان

۱۱ و همه متوکلان شادی خواهند کرد و تا

خواهند شد. روبرگردانیده، ناگهان خجل

به ابد ترتم خواهند نمود. زیرا که ملجاء ایشان

خواهند گردید.

تو هستی و آنانی که اسم تو را دوست می‌دارند،

در تو وجد خواهند نمود.

دعا برای اجرای عدالت

۱۲ زیرا تو ای خداوند مرد عادل را برکت

سرود داود که آن را برای خداوند سرایید به سبب سخنان

خواهی داد، او را به رضامندی مثل سپهر احاطه

گوش بنیامینی

خواهی نمود.

۷ ای یهوه خدای من، در تو پناه می‌برم.

از همه تعاقب کنندگانم مرا نجات ده

و برهان.

دعا به هنگام پریشانی

برای سالار معتیان برذوات اوتار برثمانی. مزمور داود

۶ ای خداوند، مرا در غضب خود تو بیخ

منما و مرا در خشم خویش تأدیب مکن!

۲ مبادا او مثل شیر جان مرا بدرد، و خرد

سازد و نجات‌دهنده‌ای نباشد.

۳ ای یهوه خدای من اگر این را کردم و اگر در

۲ ای خداوند، بر من کرم فرما زیرا که

دست من ظلمی پیدا شد،

پژمرده‌ام! ای خداوند، مرا شفا ده زیرا که

۴ اگر به خیراندیش خود بدی کردم و بی سبب

استخوانهایم مضطرب است،

دشمن خود را تاراج نمودم،

۳ و جان من بشدت پریشان است. پس تو ای

گفت و اسم خداوند تعالی را تسبیح خواهم
خواند.

چه مجید است نام تو

برای سالار مغنیان بر جنتیت. مزمور داود

ای یهوه خداوند ما، چه مجید است
نام تو در تمامی زمین، که جلال خود را
فوق آسمانها گذارده‌ای!

از زبان کودکان و شیرخوارگان به سبب
دشمنانت قوت را بنا نهادی تا دشمن و انتقام
گیرنده را ساکت گردانی.

چون به آسمان تو نگاه کنم که صنعت
انگشتهای توست، و به ماه و ستارگانی که تو
آفریده‌ای،

پس انسان چیست که او را به یاد آوری، و
بنی آدم که از او تفقد نمایی؟

او را از فرشتگان اندکی کمتر ساختی و تاج
جلال و اکرام را بر سر او گذاردی.

او را بر کارهای دست خودت مسلط
نمودی، و همه چیز را زیر پای وی نهادی،
گوسفندان و گاووان جمعاً، و چهار پایان
صحرا را نیز؛

مرغان هوا و ماهیان دریا را، و هر چه بر
راههای آنها سیر می کند.

ای یهوه خداوند ما، چه مجید است نام تو
در تمامی زمین!

داوری عادل خدا

برای سالار مغنیان بر مرگ لبین. مزمور داود

خداوند را به تمامی دل حمد خواهم
گفت؛ جمیع عجایب تو را بیان خواهم

پس دشمن جانم را تعاقب کند، و آن را
گرفتار سازد، و حیات مرا به زمین پایمال کند،
و جلالم را در خاک ساکن سازد. سلاه.

ای خداوند در غضب خود برخیز، به سبب
قهر دشمنانم بلند شو و برای من بیدار شو! ای
که داوری را امر فرموده‌ای!

و مجمع امت‌ها گرداگرد تو بیایند. و بر
فوق ایشان به مقام اعلی رجوع فرما.

خداوند امت‌ها را داوری خواهد نمود. ای
خداوند، موافق عدالتهم و کمالی که در من است
مرا داد بده!

بدی شیران نابود شود و عادل را پایدار
کن زیرا امتحان کننده دلها و قلوب، خدای
عادل است.

سپر من بر خدا می باشد که راست دلان را
نجات دهنده است.

خدا داور عادل است و هر روزه خدا
خشمناک می شود.

اگر بازگشت نکند شمشیر خود را تیز
خواهد کرد؛ کمان خود را کشیده و آماده کرده
است.

و برای او آلات مرگ را مهیا ساخته و
تیرهای خویش را شعله‌ور گردانیده است.

اینک به بطالت آبتن شده، و به ظلم
حامله گردیده، دروغ را زاییده است.

حفره‌ای کند و آن را گود نمود، و در چاهی
که ساخت خود بیفتاد.

ظلم او بر سرش خواهد برگشت و ستم او
بر فرقش فرود خواهد آمد.

خداوند را بر حسب عدالتش حمد خواهم

کرد.

۲ در تو شادی و وجد خواهم نمود؛ نام تو را ای متعال خواهم سراپید.

۳ چون دشمنانم به عقب بازگردند، آنگاه لغزیده، از حضور تو هلاک خواهند شد.

۴ زیرا انصاف و داوری من کردی. داور عادل بر مسند نشسته‌ای.

۵ اَمّت‌ها را توییخ نموده‌ای و شیران را هلاک ساخته، نام ایشان را محو کرده‌ای تا ابدالآباد.

۶ و اَمّا دشمنان نیست شده خرابه‌های ابدی گردیده‌اند؛ و شهرها را ویران ساخته‌ای، حتی ذکر آنها نابود گردید.

۷ اَمّا خداوند نشسته است تا ابدالآباد، و تخت خویش را برای داوری برپا داشته است؛ و اوریع مسکون را به عدالت داوری خواهد کرد، و اَمّت‌ها را به راستی داد خواهد داد.

۹ و خداوند قلعه بلند برای کوفته‌شدگان خواهد بود، قلعه بلند در زمانهای تنگی.

۱۰ و آنانی که نام تو را می‌شناسند، بر تو توکل خواهند داشت، زیرا ای خداوند تو طالبان خود را هرگز ترک نکرده‌ای.

۱۱ خداوند را که بر صهیون نشسته است بسراپید؛ کارهای او را در میان قومها اعلان نمایید،

۱۲ زیرا او که انتقام گیرنده خون است، ایشان را به یاد آورده، و فریاد مساکین را فراموش نکرده است.

۱۳ ای خداوند بر من کرم فرموده، به ظلمی

که از دشمنان خود می‌کشم نظر افکن! ای که برافرازنده من از درهای مرگ هستی!
۱۴ تا همه تسبیحات تو را بیان کنم در دروازه‌های دختر صهیون. در نجات تو شادی خواهم نمود.

۱۵ اَمّت‌ها به چاهی که کنده بودند خود افتادند؛ در دامی که نهفته بودند پای ایشان گرفتار شد.

۱۶ خداوند خود را شناسانیده است و داوری کرده، و شیران از کار دست خود به دام گرفتار گردیده است. هجایون سلاه.

۱۷ شیران به هاویه خواهند برگشت و جمیع اَمّت‌هایی که خدا را فراموش می‌کنند،

۱۸ زیرا مسکین همیشه فراموش نخواهد شد؛ امید بردباران تا به ابد ضایع نخواهد بود.

۱۹ برخیز ای خداوند تا انسان غالب نیاید. بر اَمّت‌ها به حضور تو داوری خواهد شد.

۲۰ ای خداوند ترس را بر ایشان مستولی گردان، تا اَمّت‌ها بدانند که انسانند. سلاه.

دعا برای اجرای عدالت

ای خداوند چرا دور ایستاده‌ای و خود را در وقت‌های تنگی پنهان می‌کنی؟

۲ از تکبر شیران، فقیر سوخته می‌شود؛ در مشورت‌هایی که اندیشیده‌اند، گرفتار می‌شوند.

۳ زیرا که شیریه به شهوات نفس خود فخر می‌کند، و آنکه می‌رباید شکر می‌گوید و خداوند را اهانت می‌کند.

۴ شیر در غرور خود می‌گوید: «بازخواست نخواهد کرد.» همه فکرهای او این است که

۱۶ خداوند پادشاه است تا ابدالآباد. اَمّت‌ها
از زمین او هلاک خواهند شد.
۱۷ ای خداوند مسکینان را اجابت
کرده‌ای، دل ایشان را استوار نموده‌ای و گوش
خود را فرا گرفته‌ای،
۱۸ تا یتیمان و کوفته‌شدگان را دادرسی کنی.
انسانی که از زمین است، دیگر نترساند.

توکل به عدالت خداوند

برای سالار مغنیان. مزمور داود

بر خداوند توکل می‌دارم. چرا به جانم
می‌گویید: «مثل مرغ به کوه خود
بگریزید؟»

۲ زیرا اینک، شیران کمان را می‌کشند و تیر
را به زه نهاده‌اند، تا بر راست‌دلان در تاریکی
بیندازند.

۳ زیرا که ارکان منهدم می‌شوند و مرد عادل
چه کند؟

۴ خداوند در هیکل قدس خود است و کرسی
خداوند در آسمان. چشمان او می‌نگرد، پلکهای
وی بنی‌آدم را می‌آزماید.

۵ خداوند مرد عادل را امتحان می‌کند؛ و اما
از شریر و ظلم‌دوست، جان او نفرت می‌دارد.
۶ بر شریر دامها و آتش و کبریت خواهد
بارانید، و باد سموم سهم پیاله ایشان خواهد
بود.

۷ زیرا خداوند عادل است و عدالت را
دوست می‌دارد، و راستان روی او را خواهند
دید.

خدایی نیست.

۵ راه‌های او همیشه استوار است. احکام تو
از او بلند و بعید است. همه دشمنان خود را به
هیچ می‌شمارد.

۶ در دل خود گفته است: «هرگز جنبش
نخواهم خورد، و دُور به دُور بدی را نخواهم
دید.»

۷ دهان او از لعنت و مکر و ظلم پر است؛ زیر
زبانش مشقّت و گناه است؛

۸ در کمینهای دهات می‌نشیند؛ در جایهای
مخفی بی‌گناه را می‌کشد؛ چشمانش برای
مسکینان مراقب است؛

۹ در جای مخفی مثل شیر در بیشه خود کمین
می‌کند؛ برای گرفتن مسکین کمین می‌کند؛ فقیر
را به دام خود کشیده، گرفتار می‌سازد.

۱۰ پس کوفته و خار می‌شود؛ و مساکین در
زیر جباران او می‌افتند.

۱۱ در دل خود گفت: «خدا فراموش کرده
است؛ روی خود را پوشانیده و هرگز نخواهد
دید.»

۱۲ ای خداوند برخیز! ای خدا دست خود را
برافراز و مسکینان را فراموش مکن!

۱۳ چرا شریر خدا را اهانت کرده، در دل خود
می‌گوید: «تو بازخواست نخواهی کرد؟»

۱۴ البته دیده‌ای زیرا که تو بر مشقّت و غم
می‌نگری، تا به دست خود مکافات برسانی.
مسکین امر خویش را به تو تسلیم کرده است.
مددکار یتیمان تو هستی.

۱۵ بازوی گناهکار را بشکن. و اما شریر را از
شرارت او بازخواست کن تا آن را نیابی.

دعا برای نجات و حفاظت

برای سالار مغنیان بر شمانی. مزموور داود

۱۲

ای خداوند نجات بده زیرا که مرد
مقدس نابود شده است و امان از
میان بنی آدم نایاب گردیده‌اند!

۲ همه به یکدیگر دروغ می‌گویند؛ به لبهای
چاپلوس و دل منافق سخن می‌رانند.

۳ خداوند همه لبهای چاپلوس را منقطع
خواهد ساخت، و هر زبانی را که سخنان
تکبرآمیز بگوید،

۴ که می‌گویند: «به زبان خویش غالب می‌آیم.
لبهای ما با ما است. کیست که بر ما خداوند
باشد؟»

۵ خداوند می‌گوید: «به سبب غارت مسکینان
و ناله فقیران، الآن برمی‌خیزم و او را در نجاتی
که برای آن آه می‌کشد، برپا خواهم داشت.»
۶ کلام خداوند کلام طاهر است، نقره
مصفا‌ی در قال زمین که هفت مرتبه پاک شده
است.

۷ تو ای خداوند ایشان را محافظت خواهی
نمود؛ از این طبقه و تا ابدالآباد محافظت
خواهی فرمود.

۸ شیران به هر جانب می‌خرامند، وقتی که
خیابثت در بنی آدم بلند می‌شود.

دعا برای مدد الهی

برای سالار مغنیان. مزموور داود

۱۳

ای خداوند تا به کی همیشه مرا
فراموش می‌کنی؟ تا به کی روی خود
را از من خواهی پوشید؟

۲ تا به کی در نفس خود مشورت بکنم و در
دل هر روزه غم خواهد بود؟ تا به کی دشمنم بر
من سرافراشته شود؟

۳ ای یهوه خدای من نظر کرده، مرا مستجاب
فرما! چشمانم را روشن کن مبادا به خواب مرگ
بخسبم.

۴ مبادا دشمنم گوید بر او غالب آمدم و
مخالفانم از پریشانی‌ام شادی نمایند.

۵ و اما من به رحمت تو توکل می‌دارم؛ دل
من در نجات تو شادی خواهد کرد.

۶ برای خداوند سرود خواهم خواند زیرا که به
من احسان نموده است.

تفکر افراد فاسد

برای سالار مغنیان. مزموور داود

۱۴ احمق در دل خود می‌گوید که
خدایی نیست. کارهای خود را فاسد
و مکروه ساخته‌اند و نیکوکاری نیست.

۲ خداوند از آسمان بر بنی آدم نظر انداخت تا
ببیند که آیا فهیم و طالب خدایی هست.

۳ همه روگردانیده، با هم فاسد شده‌اند.
نیکوکاری نیست یکی هم نی.

۴ آیا همه گناهکاران بی‌معرفت هستند که قوم
مرا می‌خورند، چنانکه نان می‌خورند، و خداوند
را نمی‌خوانند؟

۵ آنگاه ترس بر ایشان مستولی شد، زیرا خدا
در طبقه عادلان است.

۶ مشورت مسکین را خجل می‌سازید چونکه
خداوند ملجای اوست.

۷ کاش که نجات اسرائیل از صهیون ظاهر

۴ دردهای آنانی که عقب [خدای] دیگر می‌شتابند، بسیار خواهد شد. هدایای خونی ایشان را نخواهم ریخت، بلکه نام ایشان را به زبانم نخواهم آورد.

۵ خداوند نصیب قسمت و کاسه من است. تو قرعه مرا نگاه می‌داری.

۶ سرزمین من به جایهای خوش افتاد. میراث نیکو به من رسیده است.

۷ خداوند را که مرا نصیحت نمود، متبارک می‌خوانم. شبانگاه نیز قلبم مرا تنبیه می‌کند.

۸ خداوند را همیشه پیش روی خود می‌دارم. چونکه به دست راست من است، جنبش نخواهم خورد.

۹ از این رو دلم شادی می‌کند و جلالم به وجد می‌آید؛ جسدم نیز در اطمینان ساکن خواهد شد.

۱۰ زیرا جانم را در عالم اموات ترک نخواهی کرد، و قدوس خود را نخواهی گذاشت که فساد را بیند.

۱۱ طریق حیات را به من خواهی آموخت. به حضور تو کمال خوشی است و به دست راست تو لذت‌ها تا ابدآباد!

دعای مرد عادل

صلوات داود

۱۷ ای خداوند، عدالت را بشنو و به فریاد من توجه فرما! و دعای مرا که از لب بی‌ریا می‌آید، گوش بگیر!
۲ داد من از حضور تو صادر شود؛ چشمان تو راستی را ببیند.

می‌شد! چون خداوند اسیری قوم خویش را برگرداند، یعقوب وجد خواهد نمود و اسرائیل شادمان خواهد گردید.

فرود آمدن در خیمه خداوند

مزمور داود

۱۵ ای خداوند کیست که در خیمه تو فرود آید؟ و کیست که در کوه مقدس تو ساکن گردد؟

۲ آنکه بی‌عیب سالک باشد و عدالت را به جا آورد، و در دل خویش راستگو باشد؛

۳ که به زبان خود غیبت ننماید؛ و به همسایه خود بدی نکند و درباره نزدیکان خویش بدگویی را قبول ننماید؛

۴ که در نظر خود حقیر و خوار است و آنانی را که از خداوند می‌ترسند مکرم می‌دارد؛ و قسم به ضرر خود می‌خورد و تغییر نمی‌دهد.

۵ نقره خود را به سود نمی‌دهد و رشوه بر بی‌گناه نمی‌گیرد.

آنکه این را به جا آورد، تا ابدآباد جنبش نخواهد خورد.

اطمینان در خداوند

مکتوم داود

۱۶ ای خدا مرا محافظت فرما، زیرا بر تو توکل می‌دارم.

۲ خداوند را گفتم: «تو خداوند من هستی. نیکویی من نیست غیر از تو.»

۳ و اما مقدسانی که در زمین‌اند و فاضلان، تمامی خوشی من در ایشان است.

که شکم ایشان را به ذخایر خود پرسیخته‌ای
و از اولاد سیر شده، زیادی مال خود را برای
اطفال خویش ترک می‌کنند.
۱۵ و اما من روی تو را در عدالت خواهم
دید، و چون بیدار شوم، از صورت تو سیر
خواهم شد.

خداوند قلعه بلند

برای سالار مغنیان، مزمور داود بنده خداوند که کلام این
سرود را به خداوند گفت، در روزی که خداوند او را از
دست همه دشمنانش و از دست شائول رهایی داد. پس
گفت:

ای خداوند! ای قوّت من! تو را
محبت می‌نمایم.

۱۸

۲ خداوند صخره من است و ملجأ و
نجات‌دهنده من. خدایم صخره من است که
در او پناه می‌برم. سیر من و شاخ نجاتم و قلعه
بلند من.
۳ خداوند را که سزاوار کل حمد است،
خواهم خواند. پس، از دشمنانم رهایی خواهم
یافت.
۴ طنابهای مرگ مرا احاطه کرده، و سیلابهای
شرارت مرا ترسانیده بود.
۵ طنابهای گور دور مرا گرفته بود و دامهای
مرگ پیش روی من درآمده.
۶ در تنگی خود خداوند را خواندم و نزد
خدای خویش استغاثه نمودم. او آواز مرا از
هیكل خود شنید و استغاثه من به حضورش به
گوش وی رسید.
۷ زمین متزلزل و مرتعش شده، اساس کوه‌ها

۳ دل مرا آزموده‌ای، شبانگاه از آن تفقد
کرده‌ای. مرا قال گذاشته‌ای و هیچ نیافته‌ای،
زیرا عزیمت کردم که زبانم تجاوز نکند.
۴ و اما کارهای آدمیان به کلام لبهای تو؛ خود
را از راه‌های ظالم نگاه داشتم
۵ قدمهایم به آثار تو قائم است، پس پایهایم
نخواهد لغزید.
۶ ای خدا تو را خوانده‌ام زیرا که مرا اجابت
خواهی نمود. گوش خود را به من فراگیر و
سخن مرا بشنو.
۷ رحمتهای خود را امتیاز ده، ای که متوکلان
خویش را به دست راست خود از مخالفان
ایشان می‌رهانی.
۸ مرا مثل مردمک چشم نگاه دار؛ مرا زیر
سایه بال خود پنهان کن،
۹ از روی شیرینی که مرا خراب می‌سازند، از
دشمنان جانم که مرا احاطه می‌کنند.
۱۰ دل پروار خود را بسته‌اند. به زبان خویش
سخنان تکبرآمیز می‌گویند.
۱۱ الآن قدمهای ما را احاطه کرده‌اند، و
چشمان خود را دوخته‌اند تا ما را به زمین
بیندازند.
۱۲ مثل او مثل شیری است که در دریدن
حریص باشد، و مثل شیر ژیان که در بیشه خود
در کمین است.
۱۳ ای خداوند برخیز و پیش روی وی
درآمده، او را بینداز و جانم را از شریر به
شمشیر خود برهان،
۱۴ از آدمیان، ای خداوند، به دست خویش،
از اهل جهان که نصیب ایشان در زندگانی است

۲۰ خداوند موافق عدالتم مرا جزا داد و به حسب طهارت دستم مرا مکافات رسانید.

۲۱ زیرا که راه‌های خداوند را نگاه داشته، و به خدای خویش عصیان نورزیده‌ام،

۲۲ و جمیع احکام او پیش روی من بوده است و فرائض او را از خود دور نکرده‌ام،

۲۳ و نزد او بی‌عیب بوده‌ام و خویشتن را از گناه خود نگاه داشته‌ام.

۲۴ پس خداوند مرا موافق عدالتم پاداش داده است و به حسب طهارت دستم در نظر وی.

۲۵ خویشتن را با رحیم، رحیم می‌نمایی، و با مرد کامل، خود را کامل می‌نمایی.

۲۶ خویشتن را با طاهر، طاهر می‌نمایی و با مکار، به مکر رفتار می‌کنی.

۲۷ زیرا قوم مظلوم را خواهی رهانید و چشمان متکبران را به زیر خواهی انداخت.

۲۸ زیرا که تو چراغ مرا خواهی فروخت؛ یهوه خدایم تاریکی مرا روشن خواهد گردانید.

۲۹ زیرا به مدد تو بر فوجها حمله می‌برم و به خدای خود از حصارها برمی‌جهم.

۳۰ و اما خدا، طریق او کامل است و کلام خداوند موصفی. او برای همه متوکلان خود سپر است؛

۳۱ زیرا کیست خدا غیر از یهوه؟ و کیست

صخره ای غیر از خدای ما؟

۳۲ خدایی که کمر مرا به قوت بسته و راه‌های مرا کامل گردانیده است.

۳۳ پایهای مرا مثل آهو ساخته و مرا به

جاییهای بلندم برپا داشته است.

۳۴ دستهای مرا برای جنگ تعلیم داده است،

بلرزید و متزلزل گردید چونکه خشم او فروخته شد.

۸ دود از بینی او برآمد و آتش از دهانش ملتهب گشت و آتشها از آن فروخته گردید.

۹ آسمان را خم کرده، نزول فرمود و زیر پای وی تاریکی غلیظ می‌بود.

۱۰ برکروبی سوار شده، پرواز نمود و بر بالهای باد طیران کرد.

۱۱ تاریکی را پرده خود و خیمه‌ای گرداگرد خویش بساخت، تاریکی آبها و ابرهای متراکم را.

۱۲ از تابش پیش روی وی ابرهایش

می‌شتافتند، تگرگ و آتشهای فروخته.

۱۳ و خداوند از آسمان رعد کرده، حضرت اعلیٰ آواز خود را بداد، تگرگ و آتشهای فروخته را.

۱۴ پس تیرهای خود را فرستاده، ایشان را پراکنده ساخت، و برقهها بینداخت و ایشان را پریشان نمود.

۱۵ آنگاه عمق‌های آب ظاهر شد و اساس ربع مسکون مکشوف گردید، از تنبیه تو ای خداوند، از نَفْحَةُ باد بینی تو!

۱۶ پس، از اعلیٰ فرستاده، مرا برگرفت و از آبهای بسیار بیرون کشید.

۱۷ و مرا از دشمنان زورآورم رهایی داد و از دشمنانم، زیرا که از من تواناتر بودند.

۱۸ در روز بلای من پیش رویم درآمدند، اما خداوند تکیه گاه من بود.

۱۹ و مرا به جای وسیع بیرون آورد؛ مرا نجات داد زیرا که در من رغبت می‌داشت.

۴۸ مرا از دشمنانم رهانیده، بردشمنانم بلند کرده‌ای و از مرد ظالم مرا خلاصی داده‌ای!
 ۴۹ بنابراین ای خداوند تو را در میان امت‌ها حمد خواهم گفت و به نام تو سرود خواهم خواند،
 ۵۰ که نجات عظیمی به پادشاه خود داده و به مسیح خویش رحمت نموده است. یعنی به داود و دَزَبْت او تا ابدآباد.

خلقت و عظمت خدا

برای سالار مغنیان. مزمور داود

۱۹ آسمان جلال خدا را بیان می‌کند و فلک از عمل دستهایش خبر می‌دهد.
 ۲ روز سخن می‌راند تا روز و شب معرفت را اعلان می‌کند تا شب.
 ۳ سخن نیست و کلامی نی و آواز آنها شنیده نمی‌شود.
 ۴ قانون آنها در تمام جهان بیرون رفت و بیان آنها تا اقصای ربع مسکون.
 ۵ خیمه‌ای برای آفتاب در آنها قرار داد؛ و او مثل داماد از حجله خود بیرون می‌آید و مثل پهلوان از دویدن در میدان شادی می‌کند.
 ۶ خروجش از کرانه آسمان است و مدارش تا به کرانه دیگر؛ و هیچ چیز از حرارتش مستور نیست.
 ۷ شریعت خداوند کامل است و جان را برمی‌گرداند؛ شهادت خداوند امین است و جاهل را حکیم می‌گرداند.
 ۸ فرایض خداوند راست است و دل را شاد می‌سازد. امر خداوند پاک است و چشم را

که کمان برنجین به بازوی من خم شد.
 ۳۵ سپر نجات خود را به من داده‌ای. دست راست عمود من شده و مهربانی تو مرا بزرگ ساخته است.
 ۳۶ قدمهایم را زیرم وسعت دادی که پایهای من نلغزید.
 ۳۷ دشمنان خود را تعاقب نموده، بدیشان خواهم رسید و تا تلف نشوند بر نخواهم گشت.
 ۳۸ ایشان را فرو خواهم کوفت که نتوانند برخاست و زیر پاهای من خواهند افتاد.
 ۳۹ زیرا کمر مرا برای جنگ به قوت بسته‌ای و مخالفانم را زیر پایم انداخته‌ای.
 ۴۰ گردنهای دشمنانم را به من تسلیم کرده‌ای تا دشمنان خود را نابود بسازم.
 ۴۱ فریاد برآوردند اما رهاننده‌ای نبود؛ نزد خداوند، ولی ایشان را اجابت نکرد.
 ۴۲ ایشان را چون غبار پیش باد ساییده‌ام؛ مثل گل کوجها ایشان را دور ریخته‌ام.
 ۴۳ مرا از منازعه قوم رهانیده، سر امت‌ها ساخته‌ای. قومی را که نشناخته بودم، مرا خدمت می‌نمایند.
 ۴۴ به مجرد شنیدن، مرا اطاعت خواهند کرد؛ فرزندان غربا نزد من تذلل خواهند نمود.
 ۴۵ فرزندان غریبان پژمرده می‌شوند و در قلعه‌های خود خواهند لرزید.
 ۴۶ خداوند زنده است و صخره من متبارک باد، و خدای نجات من متعال!
 ۴۷ خدایی که برای من انتقام می‌گیرد و قومها را زیر من مغلوب می‌سازد.

روشن می‌کند.

۹ ترس خداوند طاهر است و ثابت تا ابدالآباد. احکام خداوند حق و تماماً عدل است.

۱۰ از طلا مرغوب‌تر و از زر خالص بسیار. از شهد شیرین‌تر و از قطرات شانهٔ عسل.

۱۱ بندهٔ تو نیز از آنها متنبه می‌شود، و در حفظ آنها ثواب عظیمی است.

۱۲ کیست که سهوهای خود را بداند؟ مرا از خطایای مخفی‌ام طاهر ساز.

۱۳ بنده‌ات را نیز از اعمال متکبرانه باز دار تا بر من مسلط نشود؛ آنگاه بی‌عیب و از گناه عظیم میرا خواهم بود.

۱۴ سخنان زبانه و تفکر دلم منظور نظر تو باشد، ای خداوند که صخرهٔ من و نجات‌دهندهٔ من هستی!

تمامی مسألت تو را به انجام خواهد رسانید. ۶ الآن دانسته‌ام که خداوند مسیح خود را می‌رہاند. از فلک قدس خود او را اجابت خواهد نمود، به قوت نجات‌بخش دست راست خویش.

۷ اینان ارابه‌ها را و آنان اسبها را، اما ما نام یهوهٔ خدای خود را ذکر خواهیم نمود.

۸ ایشان خم شده، افتاده‌اند و اما ما برخاسته، ایستاده‌ایم.

۹ ای خداوند نجات‌بده! پادشاه در روزی که بخوانیم، ما را مستجاب فرماید.

شادی در نجات خدا

برای سالار مغنیان. مزمور داود.

۲۱ ای خداوند در قوت تو پادشاه شادی می‌کند و در نجات تو چه بسیار به وجد خواهد آمد.

۲ مراد دل او را به وی بخشیدی و مسألت زیانش را از او دریغ نداشتی. سلاه.

۳ زیرا به برکات نیکو بر مراد او سبقت جستی. تاجی از زر خالص بر سر وی نهادی.

۴ حیات را از تو خواست و آن را به وی دادی، و طول ایام را تا ابدالآباد.

۵ جلال او به سبب نجات تو عظیم شده.

اکرام و حشمت را بر او نهادی.

۶ زیرا او را مبارک ساخته‌ای تا ابدالآباد.

به حضور خود او را بی‌نهایت شادمان

گردانیده‌ای.

۷ زیرا که پادشاه بر خداوند توکل می‌دارد، و به رحمت حضرت اعلیٰ جنبش نخواهد خورد.

نصرت از خدا

برای سالار مغنیان. مزمور داود

۲۰ خداوند تو را در روز تنگی مستجاب فرماید. نام خدای یعقوب تو را سرافراز نماید.

۲ نصرت برای تو از قدس خود بفرستد و تو را از صهیون تأیید نماید.

۳ جمیع هدایای تو را به یاد آورد و قربانی‌های سوختنی تو را قبول فرماید. سلاه.

۴ موافق دل تو به تو عطا فرماید و همهٔ مشورت‌های تو را به انجام رساند.

۵ به نجات تو خواهیم سرایید و به نام خدای خود، علم خود را خواهیم افراشت. خداوند

توکل داشتند، پس خجل نشدند.
 ۶ و اما من کرم هستم و انسان نی؛ عار آدمیان هستم و حقیر شمرده شده قوم.
 ۷ هرکه مرا ببیند مرا تمسخر می کند. لبهای خود را باز می کنند و سرهای خود را می جنبانند [و می گویند]:
 ۸ «بر خداوند توکل کن پس او را خلاصی بدهد. او را برهاند چونکه به وی رغبت می دارد.»
 ۹ زیرا که تو مرا از شکم بیرون آوردی؛ وقتی که بر آغوش مادر خود بودم مرا مطمئن ساختی.
 ۱۰ از رحم بر تو انداخته شدم؛ از شکم مادرم خدای من تو هستی.
 ۱۱ از من دور مباش زیرا تنگی نزدیک است و کسی نیست که مدد کند.
 ۱۲ گاوان نر بسیار دور مرا گرفته اند؛ زورمندان باشان مرا احاطه کرده اند.
 ۱۳ دهان خود را بر من باز کردند، مثل شیر درنده غران.
 ۱۴ مثل آب ریخته شده ام و همه استخوانهایم از هم گسیخته؛ دلم مثل موم گردیده، در میان احشایم گذاخته شده است.
 ۱۵ قوت من مثل سفال خشک شده و زبانم به کامم چسبیده؛ و مرا به خاک مرگ نهاده ای.
 ۱۶ زیرا سگان دور مرا گرفته اند؛ جماعت اشرار مرا احاطه کرده، دستها و پایهای مرا سفته اند.
 ۱۷ همه استخوانهای خود را می شمارم. ایشان به من چشم دوخته، می نگرند.

۸ دست تو همه دشمنان را خواهد دریافت. دست راست تو آنانی را که از تو نفرت دارند خواهد دریافت.
 ۹ در وقت غضب خود، ایشان را چون تور آتش خواهی ساخت. خداوند ایشان را در خشم خود خواهد بلعید و آتش ایشان را خواهد خورد.
 ۱۰ ثمره ایشان را از زمین هلاک خواهی ساخت و نسل ایشان را از میان بنی آدم.
 ۱۱ زیرا قصد بدی برای تو کردند و حیللهایی را اندیشیدند که آن را نتوانستند به جا آورند.
 ۱۲ زیرا که ایشان را روگردان خواهی ساخت. بر زه های خود تیرها را به روی ایشان نشان خواهی گرفت.
 ۱۳ ای خداوند در قوت خود متعال شو. جبروت تو را ترنم و تسبیح خواهیم خواند.

سرود غم و پیروزی

برای سالار مغتبان بر غزاله صبح. مزمور داود

۲۲ ای خدای من، ای خدای من، چرا مرا ترک کرده ای و از نجات من و سخنان فریادم دور هستی؟
 ۲ ای خدای من، در روز می خوانم و مرا اجابت نمی کنی، در شب نیز؛ و مرا خاموشی نیست.
 ۳ و اما تو قدوس هستی، ای که بر تسبیحات اسرائیل نشسته ای.
 ۴ پدران ما بر تو توکل داشتند؛ بر تو توکل داشتند و ایشان را خلاصی دادی؛ نزد تو فریاد برآوردند و رهایی یافتند؛ بر تو

خود را زنده نخواهد ساخت.
 ۳۰ نسلی او را عبادت خواهند کرد و درباره
 خداوند طبقه بعد را اخبار خواهند نمود.
 ۳۱ ایشان خواهند آمد و از عدالت او خبر
 خواهند داد قومی را که متولد خواهند شد، که او
 این کار کرده است.

خداوند شبان من است

مزمور داود

۲۳ خداوند شبان من است؛ محتاج به
 هیچ چیز نخواهم بود.
 ۲ در مرتعهای سبز مرا می خواباند. نزد آبهای
 راحت مرا رهبری می کند.
 ۳ جان مرا برمی گرداند و به خاطر نام خود به
 راههای عدالت هدایت می نماید.
 ۴ چون در وادی سایه مرگ نیز راه روم از بدی
 نخواهم ترسید زیرا تو با من هستی؛ عصا و
 چوبدستی تو مرا تسلی خواهد داد.
 ۵ سفره‌ای برای من به حضور دشمنانم
 می گسترانی. سر مرا به روغن تدهین کرده‌ای و
 کاسه‌ام لبریز شده است.
 ۶ به راستی نیکویی و رحمت تمام ایام عمرم
 در پی من خواهد بود و در خانه خداوند ساکن
 خواهم بود تا ابدآباد.

دروازه‌های ابدی

مزمور داود

۲۴ زمین و پُری آن از آن خداوند است،
 ربع مسکون و ساکنان آن.
 ۲ زیرا که او اساس آن را بر دریاها نهاد و آن را

۱۸ رخت مرا در میان خود تقسیم کردند و بر
 لباس من قرعه انداختند.
 ۱۹ اما تو ای خداوند، دور مباش! ای قوت
 من، برای نصرت من شتاب کن.
 ۲۰ جان مرا از شمشیر خلاص کن و یگانه مرا
 از دست سگان.

۲۱ مرا از دهان شیر خلاصی ده، ای که از
 میان شاخهای گاو وحشی مرا اجابت کرده‌ای.
 ۲۲ نام تو را به برادران خود اعلام خواهم کرد؛
 در میان جماعت تو را تسبیح خواهم خواند.
 ۲۳ ای ترسندگان خداوند او را حمد گویند؛
 تمام نسل یعقوب او را تمجید نمایند و جمیع
 نسل اسرائیل از وی بترسید.
 ۲۴ زیرا مسکنت مسکین را حقیر و خوار
 نهمرده، و روی خود را از او نپوشانیده است؛ و
 چون نزد وی فریاد برآورد، او را اجابت فرمود.
 ۲۵ تسبیح من در جماعت بزرگ از تو است.
 نذرهای خود را به حضور ترسندگان ادا
 خواهم نمود.

۲۶ بردباران غذا خورده، سیر خواهند شد؛ و
 طالبان خداوند او را تسبیح خواهند خواند؛ و
 دل‌های شما زیست خواهد کرد تا ابدآباد.
 ۲۷ جمیع کرانه‌های زمین متذکر شده، بسوی
 خداوند بازگشت خواهند نمود؛ و همه قبایل
 امت‌ها به حضور تو سجده خواهند کرد.
 ۲۸ زیرا سلطنت از آن خداوند است و او بر
 امت‌ها مسلط است.

۲۹ همه متمولان زمین غذا خورده، سجده
 خواهند کرد؛ و به حضور وی هر که به خاک
 فرو می‌رود رکوع خواهد نمود؛ و کسی جان

- ۴ ای خداوند، طریق‌های خود را به من بیاموز و راه‌های خویش را به من تعلیم ده.
- ۵ مرا به راستی خود سالک گردان و مرا تعلیم ده زیرا تو خدای نجات من هستی. تمامی روز منتظر تو بوده‌ام.
- ۶ ای خداوند، احسانات و رحمت‌های خود را به یاد آور چونکه آنها از ازل بوده است.
- ۷ خطایای جوانی و عصیانم را به یاد میاور. ای خداوند به رحمت خود و به خاطر نیکویی خویش مرا یاد کن.
- ۸ خداوند نیکو و عادل است، پس به گناهکاران طریق را خواهد آموخت.
- ۹ مسکینان را به انصاف رهبری خواهد کرد و به مسکینان طریق خود را تعلیم خواهد داد.
- ۱۰ همه راه‌های خداوند رحمت و حق است برای آنانی که عهد و شهادت او را نگاه می‌دارند.
- ۱۱ ای خداوند به خاطر اسم خود، گناه مرا بیامرز زیرا که بزرگ است.
- ۱۲ کیست آن آدمی که از خداوند می‌ترسد؟ او را به طریقی که اختیار کرده است خواهد آموخت.
- ۱۳ جان او در نیکویی شب را به سر خواهد برد و نسل او وارث زمین خواهند شد.
- ۱۴ سرّ خداوند با ترسندگان او است و عهد او تا ایشان را تعلیم دهد.
- ۱۵ چشمان من دائماً بسوی خداوند است زیرا که او پایهای مرا از دام بیرون می‌آورد.
- ۱۶ بر من ملتفت شده، رحمت بفرما زیرا که منفرد و مسکین هستم.

- بر نهرها ثابت گردانید.
- ۳ کیست که به کوه خداوند برآید؟ و کیست که به مکان قدس او ساکن شود؟
- ۴ او که پاک دست و صاف دل باشد، که جان خود را به بطالت ندهد و قسم دروغ نخورد.
- ۵ او برکت را از خداوند خواهد یافت، و عدالت را از خدای نجات خود.
- ۶ این است طبقه طالبان او، طالبان روی تو ای [خدای] یعقوب. سِلاه.
- ۷ ای دروازه‌ها سرهای خود را برافرازید! ای درهای ابدی برافراشته شوید تا پادشاه جلال داخل شود!
- ۸ این پادشاه جلال کیست؟ خداوند قدیر و جبار، خداوند که در جنگ جبار است!
- ۹ ای دروازه‌ها، سرهای خود را برافرازید! ای درهای ابدی برافرازید تا پادشاه جلال داخل شود!
- ۱۰ این پادشاه جلال کیست؟ یَهْوَه صَبَابُوت پادشاه جلال اوست! سِلاه.

درخواست تعلیم الهی

مزمور داود

- ۲۵ ای خداوند، بسوی تو جان خود را برمی‌افرازم. ای خدای من، بر تو توکل می‌دارم؛
- ۲ پس مگذار که خجل بشوم و دشمنانم بر من فخر نمایند.
- ۳ بلی، هر که انتظار تو می‌کشد خجل نخواهد شد. آنانی که بی‌سبب خیانت می‌کنند خجل خواهند گردید.

۸ ای خداوند محل خانه تو را دوست می دارم
و مقام سکونت جلال تو را.
۹ جانم را با گناهکاران جمع مکن و نه حیات
مرا با مردمان خونریز،
۱۰ که در دستهای ایشان آزار است و دست
راست ایشان پر از رشوه است.
۱۱ و اما من در کمال خود سالک می باشم.
مرا خلاصی ده و بر من رحم فرما.
۱۲ پایم در جای هموار ایستاده است. خداوند
را در جماعتها مبارک خواهم خواند.

اطمینان در خداوند

مزمور داود

۲۷ خداوند نور من و نجات من است؛
از که بترسم؟ خداوند ملجای جان
من است؛ از که هراسان شوم؟
۲ چون شیران بر من نزدیک آمدند تا گوشت
مرا بخوردند، یعنی دشمنان و دشمنانم، ایشان
لغزیدند و افتادند.
۳ اگر لشکری بر من فرود آید، دلم نخواهد
ترسید. اگر جنگ بر من برپا شود، در این نیز
اطمینان خواهم داشت.
۴ یک چیز از خداوند خواستم و آن را خواهم
طلبید: که تمام ایام عمرم در خانه خداوند
ساکن باشم تا جمال خداوند را مشاهده کنم و
در هیکل او تفکر نمایم.
۵ زیرا که در روز بلا مرا در سایبان خود
نهفته، در پرده خیمه خود، مرا مخفی خواهد
داشت و مرا بر صخره بلند خواهد ساخت.
۶ و الآن سرم بر دشمنانم گرداگردم برافراشته

۱۷ تنگیهای دل من زیاد شده است. مرا از
مشقتهای من بیرون آور.
۱۸ بر مسکنت و رنج من نظر افکن و جمیع
خطایایم را ببامرز.
۱۹ بر دشمنانم نظر کن زیرا که بسیارند و به
کینه تلخ به من کینه می ورزند.
۲۰ جانم را حفظ کن و مرا راهی ده تا خجل
نشوم زیرا بر تو توکل دارم.
۲۱ کمال و راستی حافظ من باشند زیرا که
منتظر تو هستم.
۲۲ ای خدا، اسرائیل را خلاصی ده، از جمیع
مشقتهای وی.

دعای مرد عادل

مزمور داود

۲۶ ای خداوند، مرا داد بده زیرا که من
در کمال خود رفتار نموده ام و بر
خداوند توکل داشته ام، پس نخواهم لغزید.
۲ ای خداوند مرا امتحان کن و مرا بیازما.
باطن و قلب مرا مصفی گردان.
۳ زیرا که رحمت تو در مد نظر من است و در
راستی تو رفتار نموده ام؛
۴ با مردان باطل ننشسته ام و با منافقین داخل
نخواهم شد.
۵ از جماعت بدکاران نفرت می دارم و با
فاسدین نخواهم نشست.
۶ دستهای خود را در صفا می شویم. مذبح تو
را ای خداوند طواف خواهم نمود،
۷ تا آواز حمد تو را بشنوانم و عجایب تو را
اخبار نمایم.

۲ آواز تضرع مرا بشنو چون نزد تو استغاثه می‌کنم و دست خود را به محراب قدس تو برمی‌افرازم.

۳ مرا با شیریران و بدکاران مکش که با همسایگان خود سخن صلح‌آمیز می‌گویند و آزار در دل ایشان است.

۴ آنها را به حسب کردار ایشان و موافق اعمال زشت ایشان بده آنها را مطابق عمل دست ایشان بده و رفتار ایشان را به خود ایشان رد نما.

۵ چونکه در اعمال خداوند و صنعت دست وی تفکر نمی‌کنند. ایشان را منهدم خواهی ساخت و بنا نخواهی نمود.

۶ خداوند متبارک باد زیرا که آواز تضرع مرا شنیده است.

۷ خداوند قوّت من و سپر من است. دلم بر او توکل داشت و مدد یافته‌ام. پس دل من به وجد آمده است و به سرود خود او را حمد خواهم گفت.

۸ خداوند قوّت ایشان است و برای مسیح خود قلعهٔ نجات.

۹ قوم خود را نجات ده و میراث خود را مبارک فرما. ایشان را رعایت کن و برافراز تا ابدالآباد.

خواهد شد. قربانی‌های شادکامی را در خیمهٔ او خواهم گذرانید و برای خداوند سرود و تسبیح خواهم خواند.

۷ ای خداوند چون به آواز خود می‌خوانم، مرا بشنو و رحمت فرموده، مرا مستجاب فرما.

۸ دل من به تو می‌گوید [که گفته‌ای]: «روی مرا بطلبید.» بلی روی تو را ای خداوند خواهم طلبید.

۹ روی خود را از من مپوشان و بندهٔ خود را در خشم برمگردان. تو مددکار من بوده‌ای. ای خدای نجاتم، مرا رد مکن و ترک منما.

۱۰ چون پدر و مادرم مرا ترک کنند، آنگاه خداوند مرا برمی‌دارد.

۱۱ ای خداوند طریق خود را به من بیاموز و به سبب دشمنانم مرا به راه راست هدایت فرما.

۱۲ مرا به خواهش دشمنانم مسپار، زیرا که شهود دروغین و دمندگان ظلم بر من برخواستند.

۱۳ اگر باور نمی‌کردم که احسان خداوند را در زمین زندگان ببینم.

۱۴ برای خداوند منتظر باش و قوی شو و دلت را تقویت خواهد داد. بلی منتظر خداوند باش.

درخواست کمک

مزمور داود

ای خداوند، نزد تو فریاد برمی‌آورم. ای صخرهٔ من، از من خاموش مباش، مبدا اگر از من خاموش شوی، مثل آنانی باشم که به حفره فرو می‌روند.

تمجید خداوند

مزمور داود

ای فرزندان خدا، خداوند را توصیف کنید. جلال و قوّت را برای خداوند توصیف نمایید.

۲۹

- ۲ خداوند را به جلال اسم او تمجید نمایید.
 خداوند را در زینت قدوسیّت سجده کنید.
 ۳ آواز خداوند فوق آبها است. خدای جلال
 رد می‌دهد. خداوند بالای آبهای بسیار است.
 ۴ آواز خداوند با قوّت است. آواز خداوند با
 جلال است.
 ۵ آواز خداوند سروهای آزاد را می‌شکند.
 خداوند سروهای آزاد لبنان را می‌شکند.
 ۶ آنها را مثل گوساله می‌جهاند. لبنان و
 سریون را مثل بچه‌گاو وحشی.
 ۷ آواز خداوند زبانه‌های آتش را می‌شکافد.
 ۸ آواز خداوند صحرا را متزلزل می‌سازد.
 خداوند صحرای قادیس را متزلزل می‌سازد.
 ۹ آواز خداوند غزالها را به درد زه می‌اندازد،
 و جنگل را بی‌برگ می‌گرداند. و در هیکل او
 جمیعاً جلال را ذکر می‌کنند.
 ۱۰ خداوند بر طوفان جلوس نموده. خداوند
 نشسته است پادشاه تا ابدالآباد.
 ۱۱ خداوند قوم خود را قوّت خواهد بخشید.
 خداوند قوم خود را در صلح مبارک خواهد
 نمود.

تسبیح خداوند

سرود برای متبرک ساختن خانه. مزمور داود

۳۰ ای خداوند تو را تسبیح می‌خوانم
 زیرا که مرا بالا کشیدی و دشمنانم
 را بر من مفتخر نساختی.

۲ ای یهوه خدای من، نزد تو استغاثه نمودم و
 مرا شفا دادی.

۳ ای خداوند جانم را از حفره برآوردی. مرا

- زنده ساختی تا به هاویه فرو نروم.
 ۴ ای مقدّسان خداوند او را بسرایید و به ذکر
 قدوسیّت او حمد گوید!
 ۵ زیرا که غضب او لحظه‌ای است و در
 رضامندی او زندگانی. شامگاه گریه نزیل
 می‌شود. صبحگاهان شادی رخ می‌نماید.
 ۶ و اما من در کامیابی خود گفتم: «جنبش
 نخواهم خورد تا ابدالآباد.»
 ۷ ای خداوند به رضامندی خود کوه مرا در
 قوّت ثابت گردانیدی و چون روی خود را
 پوشانیدی پریشان شدم.
 ۸ ای خداوند نزد تو فریاد برمی‌آورم و نزد
 خداوند تضرع می‌نمایم.
 ۹ در خون من چه فایده است چون به حفره
 فرو روم؟ آیا خاک تو را حمد می‌گوید و راستی
 تو را اخبار می‌نماید؟
 ۱۰ ای خداوند بشنو و به من کرم فرما. ای
 خداوند مددکار من باش.
 ۱۱ ماتم مرا برای من به رقص مبدل
 ساخته‌ای. پلاس را از من بیرون کرده و کمر مرا
 به شادی بسته‌ای.

۱۲ تا جلالم تو را سرود خواند و خاموش
 نشود. ای یهوه خدای من، تو را حمد خواهم
 گفت تا ابدالآباد.

توکل بر خدا

برای سالار مغنیان. مزمور داود

۳۱ ای خداوند بر تو توکل دارم؛ پس
 خجل نشوم تا به ابد. در عدالت
 خویش مرا نجات بده.

گرداگرد من می‌باشد، زیرا بر من با هم مشورت می‌کنند و در قصد جانم تفکر می‌نمایند.
 ۱۴ و اما من بر تو ای خداوند توکل می‌دارم و گفته‌ام خدای من تو هستی.
 ۱۵ وقت‌های من در دست تو می‌باشد. مرا از دست دشمنانم و جفاکنندگانم خلاصی ده.
 ۱۶ روی خود را بر بندهات تابان ساز و مرا به رحمت خود نجات بخش.
 ۱۷ ای خداوند خجل نشوم چونکه تو را خوانده‌ام. شریران خجل شوند و در حفره خاموش باشند.
 ۱۸ لبهای دروغگو گنگ شود که به درشتی و تکبر و استهانت بر عادلان سخن می‌گوید.
 ۱۹ زهی عظمت احسان تو که برای ترسندگان ذخیره کرده‌ای و برای متوکلان پیش بنی‌آدم ظاهر ساخته‌ای.
 ۲۰ ایشان را در پرده روی خود از حیل‌های مردم خواهی پوشانید. ایشان را در خیمه‌ای از دشمنی زبانه‌های مخفی خواهی داشت.
 ۲۱ متبارک باد خداوند که رحمت عجیب خود را در شهر حصین به من ظاهر کرده است.
 ۲۲ و اما من در حیرت خود گفتم که از نظر تو منقطع شده‌ام. اما چون نزد تو فریاد کردم آواز تضرع مرا شنیدی.
 ۲۳ ای جمیع مقدسان خداوند او را دوست دارید. خداوند امانا را محفوظ می‌دارد و متکبران را مجازات کثیر می‌دهد.
 ۲۴ قوی باشید و دل شما را تقویت خواهد داد، ای همگانی که برای خداوند انتظار می‌کشید!

۲ گوش خود را به من فراگیر و مرا به زودی برهان. برایم صخره‌ای قوی و خانه‌ای حصین باش تا مرا خلاصی دهی.
 ۳ زیرا صخره و قلعه من تو هستی. به خاطر نام خود مرا هدایت و رهبری فرما.
 ۴ مرا از دامی که برایم پنهان کرده‌اند بیرون آور.
 ۵ زیرا قلعه من تو هستی. روح خود را به دست تو می‌سپارم. ای یهوه، خدای حق، تو مرا فدیه دادی.
 ۶ از آنانی که اباطیل دروغ را پیروی می‌کنند نفرت می‌کنم. و اما من بر خداوند توکل می‌دارم.
 ۷ به رحمت تو وجد و شادی می‌کنم زیرا مشقت مرا دیده و جانم را در تنگها شناخته‌ای؛
 ۸ مرا به دست دشمن اسیر نساخته‌ای؛ پایهای مرا به جای وسیع قائم گردانیده‌ای.
 ۹ ای خداوند بر من رحمت فرما زیرا در تنگی هستم. چشم من از غصه کاهیده شد، بلکه جانم و جسمم نیز.
 ۱۰ زیرا که حیاتم از غم و سالهایم از ناله فانی گردیده است. قوتم از گناهم ضعیف و استخوانهایم پوسیده شد.
 ۱۱ نزد همه دشمنانم عار گردیده‌ام. خصوصاً نزد همسایگان خویش؛ و باعث ترس آشنایان شده‌ام. هرکه مرا بیرون بیند از من می‌گریزد.
 ۱۲ مثل مرده از خاطر فراموش شده‌ام و مانند ظرف تلف شده گردیده‌ام.
 ۱۳ زیرا که بهتان را از بسیاری شنیدم و ترس

خداوند توکل دارد رحمت او را احاطه خواهد کرد.

۱۱ ای صالحان در خداوند شادی و وجد کنید و ای همه راست دلان ترمّ نمایند.

سرود تسبیح

۳۳ ای صالحان در خداوند شادی نمایید، زیرا که تسبیح خواندن راستان را می‌شاید.

۲ خداوند را با بربط حمد بگویید؛ با عود ده تار او را سرود بخوانید.

۳ سرودی تازه برای او بسرایید؛ نیکو بنوازید با آهنگ بلند.

۴ زیرا کلام خداوند مستقیم است و جمیع کارهای او با امانت است.

۵ عدالت و انصاف را دوست می‌دارد. جهان از رحمت خداوند پر است.

۶ به کلام خداوند آسمانها ساخته شد و کل لشکریهای آنها به دم دهان او.

۷ آبهای دریا را مثل توده جمع می‌کند و لجه‌ها را در خزانه‌ها ذخیره می‌نماید.

۸ تمامی اهل زمین از خداوند بترسند؛ جمیع سکنه ربع مسکون از او بترسند.

۹ زیرا که او گفت و شد؛ او امر فرمود و قایم گردید.

۱۰ خداوند مشورت آمت‌ها را باطل می‌کند؛ تدبیرهای قبائل را نیست می‌گرداند.

۱۱ مشورت خداوند قائم است تا ابدالآباد؛ تدابیر قلب او تا دهرالدّهور.

۱۲ برکت می‌گیرد آمتی که یهوه خدای ایشان

اعتراف به گناه

تقصیه داود

۳۲ برکت می‌گیرد کسی که عصیان او آمرزیده شد و گنااهش مستور گردید.

۲ برکت می‌گیرد کسی که خداوند به وی جرمی در حساب نیاورد و در روح او حیل‌های نمی‌باشد.

۳ هنگامی که خاموش می‌بودم، استخوانهایم پوسیده می‌شد از نعره‌ای که تمامی روز می‌زدم.

۴ چونکه دست تو روز و شب بر من سنگین می‌بود. رطوبتم به خشکی تابستان مبدل گردید، سلاه.

۵ به گناه خود نزد تو اعتراف کردم و جرم خود را مخفی نداشتم. گفتم: عصیان خود را نزد خداوند اقرار می‌کنم. پس تو آلایش گناهم را عفو کردی، سلاه.

۶ از این رو هر مقدسی در وقت اجابت نزد تو دعا خواهد کرد. وقتی که آبهای بسیار به سیلان آید، هرگز بدو نخواهد رسید.

۷ تو ملجای من هستی مرا از تنگی حفظ خواهی کرد. مرا به سرودهای نجات احاطه خواهی نمود، سلاه.

۸ تو را حکمت خواهیم آموخت و به راهی که باید رفت ارشاد خواهیم نمود و تو را به چشم خود که بر تو است نصیحت خواهیم فرمود.

۹ مثل اسب و قاطر بی فهم مباشید که آنها را برای بستن به دهنه و لگام زینت می‌دهند، والّا نزدیک تو نخواهند آمد.

۱۰ غمهای شریر بسیار می‌باشد، اما هر که بر

است و قومی که ایشان را برای میراث خود
برگزیده است.

۱۳ از آسمان خداوند نظر افکند و جمیع

بنی آدم را نگریست.

۱۴ از مکان سکونت خویش نظر می افکند، بر

جمیع ساکنان جهان.

۱۵ او که دل‌های ایشان را جمیعاً سرشته است

و اعمال ایشان را درک نموده است.

۱۶ پادشاه به فراوانی لشکر خلاص نخواهد

شد و جبار به بسیاری قوت رهایی نخواهد

یافت.

۱۷ اسب به جهت رهایی باطل است و به

شدت قوت خود کسی را رهایی نخواهد داد.

۱۸ اینک چشم خداوند بر آنانی است که از

او می ترسند، بر آنانی که انتظار رحمت او را

می کشند.

۱۹ تا جان ایشان را از مرگ رهایی بخشد و

ایشان را در قحط زنده نگاه دارد.

۲۰ جان ما منتظر خداوند می باشد. او کمک

و سپر ما است.

۲۱ زیرا که دل ما در او شادی می کند و در نام

قدوس او توکل می داریم.

۲۲ ای خداوند رحمت تو بر ما باد، چنانکه

امیدوار تو بوده ایم.

خدا نزدیک شکسته دلان است

مزمور داود وقتی که منش خود را به حضور آیمتک تغییر

داد و از حضور او بیرون رانده شده، برفت

خداوند را در هر وقت متبارک

خواهم گفت. تسبیح او دائماً بر

۳۴

زبان من خواهد بود.

۲ جان من در خداوند فخر خواهد کرد.

مسکینان شنیده، شادی خواهند نمود.

۳ خداوند را با من تکبیر نمایم. نام او را با

یکدیگر برافرازیم.

۴ چون خداوند را طلبیدم، مرا مستجاب

فرمود و مرا از جمیع ترسهایم خلاصی بخشید.

۵ بسوی او نظر کردند و منور گردیدند و

روپهای ایشان خجل نشد.

۶ این مسکین فریاد کرد و خداوند او را شنید

و او را از تمامی تنگنهایش رهایی بخشید.

۷ فرشته خداوند گرداگرد ترسندگان او است؛

اردو زده، ایشان را می رهاند.

۸ بپشید و ببینید که خداوند نیکو است.

برکت می گیرد شخصی که بدو توکل می دارد.

۹ ای مقدسان خداوند از او بترسید زیرا که

ترسندگان او را هیچ کمی نیست.

۱۰ شیربچگان بی نوا شده، گرسنگی می کشند

و اما طالبان خداوند را به هیچ چیز نیکو کمی

نخواهد شد.

۱۱ ای اطفال بیابید مرا بشنوید و ترس

خداوند را به شما خواهم آموخت.

۱۲ کیست آن شخصی که آرزومند حیات

است و طول ایام را دوست می دارد تا نیکویی

را ببیند؟

۱۳ زبانت را از بدی نگاه دار و لبهایت را از

سخنان حيله آمیز؛

۱۴ از بدی اجتناب نما و نیکویی بکن؛ صلح

را طلب نما و در پی آن بکوش.

۱۵ چشمان خداوند بسوی صالحان است و

- گوشه‌های وی بسوی فریاد ایشان.
- ۱۶ روی خداوند بسوی بدکاران است تا ذکر ایشان را از زمین منقطع سازد.
- ۱۷ چون [صالحان] فریاد برآوردند، خداوند ایشان را شنید و ایشان را از همه تنگیهای ایشان رهایی بخشید.
- ۱۸ خداوند نزدیک شکسته‌دلان است و روح کوفتگان را نجات خواهد داد.
- ۱۹ زحمات مرد صالح بسیار است، اما خداوند او را از همه آنها خواهد رها کند.
- ۲۰ همه استخوانهای ایشان را نگاه می‌دارد، که یکی از آنها شکسته نخواهد شد.
- ۲۱ شیر را شرارت هلاک خواهد کرد و از دشمنان مرد صالح موآخذه خواهد شد.
- ۲۲ خداوند جان بندگان خود را فدیة خواهد داد و از آنانی که بر وی توکل دارند موآخذه نخواهد شد.

برای داد من بیدار شو

مزمور داود

- ۱۱ شاهدان کینه‌ور برخاسته‌اند. چیزهایی را که نمی‌دانستم از من می‌پرسند.
- ۱۲ به عوض نیکویی بدی به من می‌کنند. جان مرا بی کس گردانیده‌اند.
- ۱۳ و اما من چون ایشان بیمار می‌بودم، پلاس می‌پوشیدم؛ جان خود را به روزه می‌رنجانیدم و دعایم به سینه‌ام برمی‌گشت.
- ۱۴ مثل آنکه او دوست و برادرم می‌بود، سرگردان می‌رفتم. چون کسی که برای مادرش ماتم گیرد، از حزن خم می‌شدم.
- ۱۵ ولی چون افتادم شادی کنان جمع شدند. آن فرومایگان بر من جمع شدند، و کسانی که نشناخته بودم مرا دریدند و ساکت نشدند.
- ۱۶ مثل کافرانی که برای نان مسخرگی می‌کنند، دندانهای خود را بر من می‌افشردند.
- ۳۵ ای خداوند با دشمنان من مخاصمه نما و جنگ کن با آنانی که با من جنگ می‌کنند.
- ۲ سپر و میچن را بگیر و به کمک من برخیز،
۳ و نیزه را راست کن و راه را پیش روی جفاکنندگانم ببند و به جان من بگو من نجات تو هستم.
- ۴ خجل و رسوا شوند آنانی که قصد جان من دارند؛ و آنانی که بد اندیش‌مند، برگردانیده و خجل شوند.
- ۵ مثل کاه پیش روی باد باشند و فرشته

تسبیح تو را تمامی روز.

راه بدکاران

برای سالار مغنیان، مزمور داود بنده خداوند

۳۶
معصیت شریر در اندرون دل من
می گوید که ترس خدا در مد نظر
او نیست.

۲ زیرا خویشتن را در نظر خود تملق می گوید
تا گنااهش ظاهر نشود و مکروه نگردد.

۳ سخنان زبانش شرارت و حيله است. از
دانشمندی و نیکوکاری دست برداشته است.

۴ شرارت را بر بستر خود تفکر می کند. خود
را به راه ناپسند قائم کرده، از بدی نفرت ندارد.

۵ ای خداوند رحمت تو در آسمانها است و
امانت تو تا افلاک.

۶ عدالت تو مثل کوههای خداست و احکام
تو لجه عظیم. ای خداوند انسان و چهار پایان
را نجات می دهی.

۷ ای خدا رحمت تو چه ارجمند است.

بنی آدم زیر سایه بالهای تو پناه می برند.

۸ از چربی خانه تو شاداب می شوند. از نهر

خوشی های خود ایشان را می نوشانی.

۹ زیرا که نزد تو چشمه حیات است و در نور
تو نور را خواهیم دید.

۱۰ رحمت خود را برای عارفان خود مستدام
فرما و عدالت خود را برای راست دلان.

۱۱ پای تکبر بر من نیاید و دست شیریان مرا
گریزان نسازد.

۱۲ در آنجا بدکرداران افتاده اند. ایشان انداخته
شده اند و نمی توانند برخاست.

۱۷ ای خداوند تا به کی نظر خواهی کرد؟
جانم را از خرابیهای ایشان برهان و یگانه مرا از
شیرچگان.

۱۸ و تو را در جماعت بزرگ حمد خواهم
گفت. تو را در میان قوم عظیم تسبیح خواهم
خواند.

۱۹ تا آنانی که بی سبب دشمن منند، بر من
فخر نکنند، و آنانی که بر من بی سبب بغض
می نمایند، چشمک نزنند.

۲۰ زیرا برای صلح سخن نمی گویند و بر آنانی
که در زمین آرامند، سخنان حيله آمیز را تفکر
می کنند.

۲۱ و دهان خود را بر من باز کرده، می گویند
هه هه چشم ما دیده است.

۲۲ ای خداوند تو آن را دیده ای، پس سکوت
مفرما. ای خداوند از من دور مباش.

۲۳ خویشتن را برانگیز و برای داد من بیدار
شو، ای خدای من و خداوند من، برای دعوی
من.

۲۴ ای یهوه خدایم مرا موافق عدل خود داد
بده، مبادا بر من شادی نمایند.

۲۵ تا در دل خود نگویند، «اینک مراد ما»؛ تا
نگویند «او را بلعیده ایم!»

۲۶ و آنانی که در بدی من شادند، با هم خجل
و شرمنده شوند؛ و آنانی که بر من تکبر می کنند،
به شرم و رسوایی ملبس شوند.

۲۷ آنانی که خواهان حق منند ترنم و شادی
نمایند و دائماً گویند خداوند بزرگ است که به

صلح بنده خود رغبت دارد.

۲۸ و زبانه عدالت تو را بیان خواهد کرد و

سرنوشت شریران

مزمور داود

۳۷

به سبب شریران خویشتن را
مشوش مساز و بر فتنه انگیزان
حسد میر.

۲ زیرا که مثل علف به زودی بریده می شوند و
مثل علف سبز پژمرده خواهند شد.

۳ بر خداوند توکل نما و نیکویی بکن. در
زمین ساکن باش و از امانت پرورده شو.

۴ و در خداوند تمتع ببر، پس مسألت دل تو
را به تو خواهد داد.

۵ طریق خود را به خداوند بسپار و بر وی
توکل کن که آن را انجام خواهد داد،

۶ و عدالت تو را مثل نور بیرون خواهد آورد
و انصاف تو را مانند طُهر.

۷ نزد خداوند ساکت شو و منتظر او باش و
از شخص فرخنده طریق و مرد حيله گر خود را
مشوش مساز.

۸ از غضب برکنار شو و خشم را ترک کن.
خود را مشوش مساز که البته باعث گناه خواهد
شد.

۹ زیرا که شریران منقطع خواهند شد. و اما
منتظران خداوند وارث زمین خواهند بود.

۱۰ هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود.
در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود.

۱۱ و اما بردباران وارث زمین خواهند شد و
از فراوانی صلح متلذذ خواهند گردید.

۱۲ شریر بر مرد عادل شورا می کند و
دندانهای خود را بر او می افشرد.

۱۳ خداوند بر او خواهد خندید، زیرا می بیند

که روز او می آید.

۱۴ شریران شمشیر را برهنه کرده و کمان را
کشیده اند تا مسکین و فقیر را ببندازند و راست
روان را مقتول سازند.

۱۵ شمشیر ایشان به دل خود ایشان فرو
خواهد رفت و کمانهای ایشان شکسته خواهد
شد.

۱۶ نعمت اندک یک مرد صالح بهتر است، از
اندوخته های شریران کثیر.

۱۷ زیرا که بازوهای شریران، شکسته خواهد
شد. و اما صالحان را خداوند تأیید می کند.

۱۸ خداوند روزهای کاملان را می داند و
میراث ایشان خواهد بود تا ابدالآباد.

۱۹ در زمان بلا خجل نخواهند شد، و در ایام
قحط سیر خواهند بود.

۲۰ زیرا شریران هلاک می شوند و دشمنان
خداوند مثل خرّمی مرتعها فانی خواهند شد.
بلی مثل دود فانی خواهند گردید.

۲۱ شریر قرض می گیرد و وفا نمی کند و اما
صالح رحیم و بخشنده است.

۲۲ زیرا آنانی که از وی برکت یابند وارث
زمین گردند. و اما آنانی که ملعون وی اند،
منقطع خواهند شد.

۲۳ خداوند قدمهای انسان را مستحکم
می سازد، و در طریق هایش سرور می دارد.

۲۴ اگر چه بیفتد افکنده نخواهد شد زیرا
خداوند دستش را می گیرد.

۲۵ من جوان بودم و الآن پیر هستم و مرد
صالح را هرگز متروک ندیده ام و نه نسلش را که
گدای نان بشوند.

وقت تنگی او قلعهٔ ایشان خواهد بود.
 ۴۰ و خداوند ایشان را کمک کرده، نجات خواهد داد. ایشان را از شیریان خلاص کرده، خواهد رهانید زیرا بر او توکل دارند.

دعای مصیبت دیده

مزمور داود برای تلکر

ای خداوند مرا در غضب خود
 ۳۸ توبیخ منما و در خشم خویش
 تأدیبم مفرما.
 ۲ زیرا که تیره‌های تو در من فرو رفته و دست
 تو بر من فرود آمده است.
 ۳ در جسد من به سبب غضب تو صحتی
 نیست و در استخوانهایم به سبب خطای خودم
 صلح نی.
 ۴ زیرا گناهانم از سرم گذشته است. مثل بار
 گران از طاقتم سنگین تر شده.
 ۵ جراحات من متعفن و چرکین شده است،
 به سبب حماقت من.
 ۶ به خود می‌پیچم و بی‌نهایت منحنی شده‌ام.
 تمامی روز ماتم کنان تردد می‌کنم.
 ۷ زیرا کمر من از سوزش پر شده است و در
 جسد من صحتی نیست.
 ۸ من بی‌حس و بی‌نهایت کوفته شده‌ام و از
 فغان دل خود نعره می‌زنم.
 ۹ ای خداوند تمامی آرزوی من در مد نظر تو
 است و ناله‌های من از تو مخفی نمی‌باشد.
 ۱۰ دل من می‌طپد و قوتم از من رفته است و
 نور چشمانم نیز با من نیست.
 ۱۱ دوستان و رفیقانم از بالای من برکنار

۲۶ تمامی روز رثوف است و قرض دهنده، و
 نسل او مبارک خواهند بود.
 ۲۷ از بدی برکنار شو و نیکویی بکن. پس
 ساکن خواهی بود تا ابدآباد.
 ۲۸ زیرا خداوند انصاف را دوست می‌دارد
 و مقدّسان خود را ترک نخواهد فرمود. ایشان
 محفوظ خواهند بود تا ابدآباد. و اما نسل
 شریر منقطع خواهد شد.
 ۲۹ صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن
 تا به ابد سکونت خواهند نمود.
 ۳۰ دهان صالح حکمت را بیان می‌کند و زبان
 او انصاف را ذکر می‌نماید.
 ۳۱ شریعت خدای وی در دل اوست. پس
 قدمهایش نخواهد لغزید.
 ۳۲ شریر برای صالح کمین می‌کند و قصد
 قتل وی می‌دارد.
 ۳۳ خداوند او را در دستش ترک نخواهد کرد
 و چون به داوری آید بر وی فتوا نخواهد داد.
 ۳۴ منتظر خداوند باش و طریقی او را نگاه دار
 تا تو را به وراثت زمین برافرازد. چون شیریان
 منقطع شوند آن را خواهی دید.
 ۳۵ شریر را دیدم که ظلم پیشه بود و مثل
 درخت بومی سبز خود را به هر سو می‌کشید.
 ۳۶ اما گذشت و اینک نیست گردید و او را
 جستجو کردم و یافت نشد.
 ۳۷ مرد کامل را ملاحظه کن و مرد راست را
 ببین زیرا که عاقبت آن مرد صلح است.
 ۳۸ اما خطاکاران جمیعاً هلاک خواهند
 گردید و عاقبت شیریان منقطع خواهد شد
 ۳۹ و نجات صالحان از خداوند است و در

خود را به دهان‌بند نگاه خواهم داشت، مادامی که شریر پیش من است.

۲ من گنگ بودم و خاموش و از نیکویی نیز سکوت کردم و درد من به حرکت آمد.

۳ دلم در اندرونم گرم شد. چون تفکر می‌کردم آتش افروخته گردید. پس به زبان خود سخن گفتم.

۴ ای خداوند اجل مرا بر من معلوم ساز و مقدر ایامم را که چیست تا بفهمم چه قدر فانی هستم.

۵ اینک روزهایم را مثل یک وجب ساخته‌ای و زندگانی‌ام در نظر تو هیچ است. یقیناً هر آدمی محض بطالت قرار داده شد، سیلاه.

۶ اینک، انسان در خیال رفتار می‌کند و محض بطالت مضطرب می‌گردد. ذخیره می‌کند و نمی‌داند کیست که از آن تمتع خواهد برد.

۷ و الآن ای خداوند برای چه منتظر باشم؟ امید من بر تو می‌باشد.

۸ مرا از همه گناهانم برهان و مرا نزد جاهلان عار مگردان.

۹ من گنگ بودم و زبان خود را باز نکردم زیرا که تو این را کرده‌ای.

۱۰ بلای خود را از من بردار زیرا که از ضرب دست تو من تلف می‌شوم.

۱۱ چون انسان را به سبب گناهِش با توبیخ تأدیب می‌کنی، نفایس او را مثل بید می‌گذاری.

یقیناً هر انسان محض بطالت است، سیلاه.

۱۲ ای خداوند دعای مرا بشنو و به فریادم گوش بده و از اشکهایم ساکت مباش، زیرا که

می‌ایستند و خویشان من دور ایستاده‌اند. ۱۲ آنانی که قصد جانم دارند دام می‌گسترند و بداندیشانم سخنان فتنه انگیز می‌گویند و تمام روز حيله را تفکر می‌کنند.

۱۳ و اما من مثل کر نمی‌شوم؛ و مانند گنگم که دهان خود را باز نکنند.

۱۴ و مثل کسی گردیده‌ام که نمی‌شنود و کسی که در زبانش حجتی نباشد.

۱۵ زیرا که ای خداوند انتظار تو را می‌کشم. تو ای یهوه خدایم جواب خواهی داد.

۱۶ چونکه گفته‌ام مبادا بر من شادی نمایند و چون پایم بلغزد بر من تکبر کنند.

۱۷ زیرا که برای افتادن نصب شده‌ام و درد من همیشه پیش روی من است.

۱۸ زیرا گناه خود را اخبار می‌نمایم و از خطای خود غمگین هستم.

۱۹ اما دشمنانم زنده و زور آورند و آنانی که بی‌سبب بر من بغض می‌نمایند بسیارند،

۲۰ و آنانی که به عوض نیکی به من بدی می‌رسانند. بر من دشمنی می‌ورزند زیرا نیکویی را پیروی می‌کنم.

۲۱ ای خداوند مرا ترک منما. ای خدای من از من دور مباش،

۲۲ و برای کمک من تعجیل فرما، ای خداوندی که نجات من هستی.

دعای مرد رنج‌دیده

رای یُدوتون سالار مغنیان. مزمور داود

گفتم راه‌های خود را حفظ خواهم کرد تا به زبانم خطا نورزم. دهان

رغبت می‌دارم و شریعت تو در اندرون دل من است.

۹ در جماعت بزرگ به عدالت بشارت داده‌ام. اینک، لبهای خود را باز نخواهم داشت و تو ای خداوند می‌دانی.

۱۰ عدالت تو را در دل خود مخفی نداشته‌ام. امانت و نجات تو را بیان کرده‌ام. رحمت و راستی تو را از جماعت بزرگ پنهان نکرده‌ام. ۱۱ پس تو ای خداوند لطف خود را از من باز مدار. رحمت و راستی تو دائماً مرا محافظت کند.

۱۲ زیرا که بلا یای بی‌شمار مرا احاطه می‌کند. گناهام دور مرا گرفته است به حدی که نمی‌توانم دید. از مویهای سر من زیاده است و دل من مرا ترک کرده است.

۱۳ ای خداوند مرحمت فرموده، مرا نجات بده. ای خداوند به کمک من تعجیل فرما. ۱۴ آنانی که قصد هلاکت جان من دارند، جمیعاً خجّل و شرم‌منده شوند، و آنانی که در بدی من رغبت دارند، به عقب برگردانیده و رسوا گردند.

۱۵ آنانی که بر من هه‌هه می‌گویند، به سبب خجالت خویش حیران شوند.

۱۶ و اما جمیع طالبان تو در تو وجد و شادی نمایند و آنانی که نجات تو را دوست دارند، دائماً گویند که خداوند بزرگ است.

۱۷ و اما من مسکین و فقیر هستم و خداوند درباره من تفکر می‌کند. تو معاون و نجات‌دهنده من هستی. ای خدای من، تأخیر مفرما.

من غریب هستم در نزد تو و ساکن هستم مثل جمیع پدران خود.

۱۳ روی [خشم] خود را از من بگردان تا فرحناک شوم قبل از آنکه رحلت کنم و نایاب گردم.

سرودی تازه

برای سالار مغنیان. منمورداد

۴۰ انتظار بسیار برای خداوند کشیده‌ام، و به من مایل شده، فریاد مرا شنید. ۲ و مرا از چاه هلاکت برآورد و از گِلِ لجن و پایهایم را بر صخره گذاشته، قدمهایم را مستحکم گردانید.

۳ و سرودی تازه در دهانم گذارد، یعنی حمد خدای ما را. بسیاری چون این را بینند ترسان شده، بر خداوند توکل خواهند کرد. ۴ برکت می‌گیرد کسی که بر خداوند توکل دارد و به متکبران ظالم و مرتدان دروغ مایل نشود.

۵ ای یهوه خدای ما چه بسیار است کارهای عجیب که تو کرده‌ای و تدبیرهایی که برای ما نموده‌ای. در نزد تو آنها را تقویم نتوان کرد، اگر آنها را تقریر و بیان بکنم، از حد شمار زیاده است.

۶ در قربانی و هدیه رغبت نداشتی. اما گوشهای مرا باز کردی. قربانی سوختنی و قربانی گناه را نخواستی.

۷ آنگاه گفتم: «اینک، می‌آیم! در طومار کتاب درباره من نوشته شده است.»
۸ در به جا آوردن اراده تو ای خدای من

۱۲ و مرا به سبب کمالم مستحکم نموده‌ای و مرا به حضور خویش دائماً قائم خواهی نمود.
 ۱۳ یهوه خدای اسرائیل متبارک باد. از ازل تا به ابد.
 آمین و آمین.

کتاب دوم: مزامیر ۴۲-۷۲

همچون آهو

رای سالار مغنیان. قصیده بنی قورح

چنانکه آهو برای نهرهای آب شدت اشتیاق دارد، همچنان ای خدا جان من اشتیاق شدید برای تو دارد.
 ۲ جان من تشنه خداست تشنه خدای حی، که کی بیایم و به حضور خدا حاضر شوم.
 ۳ اشکهایم روز و شب نان من می‌بود، چون تمامی روز مرا می‌گفتند: «خدای تو کجاست؟»

۴ چون این را به یاد می‌آورم، جان خود را بر خود می‌ریزم. چگونه با جماعت می‌رفتم و ایشان را به خانه خدا پیشروی می‌کردم، به آواز ترنم و تسبیح در گروه عید کنندگان.
 ۵ ای جانم چرا منحنی شده‌ای و چرا در من پریشان گشته‌ای؟ بر خدا امید دار زیرا که او را برای نجات روی او باز حمد خواهم گفت.
 ۶ ای خدای من، جانم در من منحنی شد. بنابراین تو را از زمین اُردُن یاد خواهم کرد، از کوه‌های حرمون و از کوه مِصْعَر.
 ۷ لجه به لجه ندا می‌دهد از آواز آبشارهای تو؛ جمیع سیلابها و موجهای تو بر من گذشته

دعای مرد بیمار

رای سالار مغنیان. مزمور داود

برکت می‌گیرد کسی که برای فقیر تفکر می‌کند. خداوند او را در روز بلا خلاصی خواهد داد.

۲ خداوند او را محافظت خواهد کرد و زنده خواهد داشت. او در زمین مبارک خواهد بود و او را به آرزوی دشمنانش تسلیم نخواهی کرد.
 ۳ خداوند او را بر بستر بیماری تأیید خواهد نمود. تمامی خوابگاه او را در بیماری‌اش خواهی گسترانید.

۴ من گفتم: «ای خداوند بر من رحم نما. جان مرا شفا بده زیرا به تو گناه ورزیده‌ام.»
 ۵ دشمنانم درباره من به بدی سخن می‌گویند که کی بمیرد و نام او گم شود.
 ۶ و اگر برای دیدن من بیاید، سخن باطل می‌گوید و دلش در خود شرارت را جمع می‌کند. چون بیرون رود آن را شایع می‌کند.
 ۷ و جمیع دشمنانم با یکدیگر بر من سخن چینی می‌کنند و درباره من بد می‌اندیشند،
 ۸ که «حادثه‌ای مهلک بر او ریخته شده است. و حال که خوابیده است دیگر نخواهد برخاست.»
 ۹ و آن دوست خالص من که بر او اعتماد می‌داشتم که نان مرا نیز می‌خورد، پاشنه خود را بر من بلند کرد.
 ۱۰ و اما تو ای خداوند بر من رحم فرموده، مرا برپا بدار تا مجازات بدیشان رسانم.
 ۱۱ از این می‌دانم که در من رغبت داری زیرا که دشمنم بر من فخر نمی‌نماید.

است.

را باز حمد خواهم گفت، که نجات روی من و
خدای من است.

درخواست کمک

برای سالار مغنیان. قصیده بنی قورح

ای خدا به گوشهای خود شنیده‌ایم
و پدران ما، ما را خیر داده‌اند، از
کاری که در روزهای ایشان و در ایام گذشته
کرده‌ای.

۲ تو به دست خود آمت‌ها را بیرون کردی، اما
ایشان را غرس نمودی. قومها را تباه کردی، اما
ایشان را منتشر ساختی.

۳ زیرا که به شمشیر خود زمین را تسخیر
نکردند و بازوی ایشان را نجات نداد،
بلکه دست راست تو و بازو و نور روی تو. زیرا
از ایشان خرسند بودی.

۴ ای خدا تو پادشاه من هستی، پس بر نجات
یعقوب امر فرما.

۵ به مدد تو دشمنان خود را خواهیم افکند
و به نام تو مخالفان خویش را پایمال خواهیم
ساخت.

۶ زیرا بر کمان خود توکل نخواهم داشت و
شمشیرم مرا خلاصی نخواهد داد.

۷ بلکه تو ما را از دشمنان ما خلاصی دادی و
بدخواهان ما را خجل ساختی.

۸ تمامی روز بر خدا فخر خواهیم کرد و نام تو
را تا به ابد تسبیح خواهیم خواند، سلاه.

۹ اما الآن تو ما را دور انداخته و رسوا
ساخته‌ای و با لشکرهای ما بیرون نمی‌آیی.

۱۰ و ما را از پیش دشمن روگردان ساخته‌ای و

۸ در روز خداوند رحمت خود را خواهد
فرمود، و در شب سرود او با من خواهد بود و
دعا نزد خدای حیات من.

۹ به خدا گفته‌ام: «ای صخره من چرا مرا
فراموش کرده‌ای؟ چرا به سبب ظلم دشمن
ماتم کنان تردد بکنم؟»

۱۰ دشمنانم به کویبیدگی در استخوانهایم
مرا ملامت می‌کنند، چونکه همه روزه مرا
می‌گویند: «خدای تو کجاست؟»

۱۱ ای جان من چرا منحنی شده و چرا در من
پریشان گشته‌ای؟ بر خدا امید دار زیرا که او را
باز حمد خواهم گفت، که نجات روی من و
خدای من است.

دعای شخص پریشان

۴۳ ای خدا مرا داوری کن و دعوی مرا
با قوم بی‌رحم فیصل فرما و از مرد
حیله‌گر و ظالم مرا خلاصی ده.

۲ زیرا تو خدای قوت من هستی. چرا مرا دور
انداختی؟ چرا به سبب ستم دشمن ماتم کنان
تردد بکنم؟

۳ نور و راستی خود را بفرست تا مرا هدایت
نمایند و مرا به کوه مقدس تو و مسکن‌های تو
رسانند.

۴ آنگاه به مذبج خدا خواهم رفت، بسوی
خدایی که سرور و خرمی من است. و تو را ای
خدا، خدای من با بریبت تسبیح خواهم خواند.

۵ ای جان من چرا منحنی شده‌ای؟ و چرا در
من پریشان گشته‌ای؟ امید بر خدا دار زیرا که او

ما را فراموش کردی؟
 ۲۵ زیرا که جان ما به خاک خم شده است و شکم ما به زمین چسبیده.
 ۲۶ برای کمک ما برخیز و به خاطر رحمانیت خود ما را فدیة ده.

سرود عروس پادشاه

برای سالار مغنیان بر سوسنهای، قصیده بنی قورح.

سرود حبیبیات

دل من به کلام نیکو می جوشد.
 انشاء خود را درباره پادشاه
 ۴۵ می گویم. زبان من قلم کاتب ماهر است.
 ۲ تو جمیل تر هستی از بنی آدم و نعمت بر لبهای تو ریخته شده است. بنابراین، خدا تو را مبارک ساخته است تا ابدالآباد.
 ۳ ای جبار شمشیر خود را بران خود ببند، یعنی جلال و کبریایی خویش را.
 ۴ و به کبریایی خود سوار شده، غالب شو برای راستی و بردباری و عدالت؛ و دست راست چیزهای ترسناک را به تو خواهد آموخت.
 ۵ به تیرهای تیز تو اَمّت‌ها زیر تو می افتند و به دل دشمنان پادشاه فرو می رود.
 ۶ ای خدا، تخت تو تا ابدالآباد است؛ عصای راستی عصای سلطنت تو است.
 ۷ عدالت را دوست و شرارت را دشمن داشتی. بنابراین، خدا، خدای تو تو را به روغن شادمانی بیشتر از رفقاییت مسح کرده است.
 ۸ همه رختهای تو مُر و عود و سلیخه است، از قصرهای عاج که به تارها تو را خوش

دشمنان ما برای خویشتن تاراج می کنند.
 ۱۱ ما را مثل گوسفندان برای خوراک تسلیم کرده‌ای و ما را در میان اَمّت‌ها پراکنده ساخته‌ای.
 ۱۲ قوم خود را بی بهای فروختی و از قیمت ایشان نفع نبردی.
 ۱۳ ما را نزد همسایگان ما عار گردانیدی. اهانت و ریشخند نزد آنانی که گرداگرد ما می‌اند.
 ۱۴ ما را در میان اَمّت‌ها ضرب‌المثل ساخته‌ای، جنبانیدن سر در میان قوم‌ها؛
 ۱۵ و رسوایی من همه روزه در نظر من است و خجالت رویم مرا پوشانیده است،
 ۱۶ از آواز ملامت گو و فحاش، از روی دشمن و انتقام گیرنده.
 ۱۷ این همه بر ما واقع شد. اما تو را فراموش نکردیم و در عهد تو خیانت نورزیدیم.
 ۱۸ دل ما به عقب برنگردید و پایهای ما از طریق تو انحراف نورزید.
 ۱۹ هرچند ما را در مکان اژدرها کوبیدی و ما را به سایه مرگ پوشانیدی.
 ۲۰ نام خدای خود را هرگز فراموش نکردیم و دست خود را به خدای غیر برنیفراشتیم.
 ۲۱ آیا خدا این را کشف نخواهد کرد؟ زیرا او خفایای قلب را می داند.
 ۲۲ به راستی به خاطر تو تمامی روزگشته می شویم و مثل گوسفندان ذبح شمرده می شویم.
 ۲۳ ای خداوند بیدار شو! چرا خوابیده‌ای؟ برخیز و ما را تا به ابد دور مینداز.
 ۲۴ چرا روی خود را پوشانیدی و ذلت و تنگی

ساختند.

۹ دختران پادشاهان از زنان نجیب تو هستند. ملکه به دست راست در طلای او فیر ایستاده است.

۱۰ ای دختر بشنو و ببین و گوش خود را فرادار، و قوم خود و خانه پدرت را فراموش کن،

۱۱ تا پادشاه مشتاق جمال تو بشود، زیرا او خداوند تو است پس او را عبادت نما.

۱۲ و دختر صور با ارمغانی، و دولت‌مندان قوم رضامندی تو را خواهند طلبید.

۱۳ دختر پادشاه تماماً در اندرون مجید است و رختهای او با طلا مَرَّصَع است.

۱۴ به لباس طرازدار نزد پادشاه حاضر

می‌شود. باکره‌های همراهان او در عقب وی نزد تو آورده خواهند شد.

۱۵ به شادمانی و خوشی آورده می‌شوند و به قصر پادشاه داخل خواهند شد.

۱۶ به عوض پدرانانت پسرانت خواهند بود و ایشان را بر تمامی جهان سروران خواهی ساخت.

۱۷ نام تو را در همه دهرها ذکر خواهم کرد. پس قومها تو را حمد خواهند گفت تا ابدالآباد.

کمک خدا در تنگیها

برای سالار مغنیان. سرود بنی قورح بر علاموت

۴۶ خدا ملجأ و قوت ماست، و مددکاری که در تنگیها فوراً یافت می‌شود.

۲ پس نخواهیم ترسید، اگر چه جهان مبدل

گردد و کوهها در قعر دریا به لرزش آید.

۳ اگر چه آبهایش آشوب کنند و به جوش آیند و کوهها از سرکشی آن متزلزل گردند، سیلاه.

۴ نهری است که شعبه‌هایش شهر خدا را فرحناک می‌سازد و مسکن قدوس حضرت اعلیٰ را.

۵ خدا در وسط اوست پس جنبش نخواهد خورد. خدا او را کمک خواهد کرد در طلوع صبح.

۶ اَمّت‌ها نعره زدند و مملکتها متحرک گردیدند. او آواز خود را داد. پس جهان گداخته گردید.

۷ یَهْوَه صبايوت با ماست، و خدای یعقوب قلعه بلند ما، سیلاه.

۸ بیايید کارهای خداوند را نظاره کنید، که چه خرابی‌ها در جهان پیدا نمود.

۹ او جنگها را تا اقصای جهان تسکین می‌دهد؛ کمان را می‌شکند و نیزه را قطع می‌کند و ارابه‌ها را به آتش می‌سوزاند.

۱۰ بازایستید و بدانید که من خدا هستم؛ در میان اَمّت‌ها، متعال و در جهان، متعال خواهم شد.

۱۱ یَهْوَه صبايوت با ماست و خدای یعقوب قلعه بلند ما، سیلاه.

تسبیح خدایی که پادشاه است

برای سالار مغنیان. مزمور بنی قورح

۴۷ ای جمیع اَمّت‌ها دستک زنید. نزد خدا به آواز شادی بانگ برآورید.

۲ زیرا خداوند متعال و مهیب است و بر

حیرت افتاده، فرار کردند.
 ۶ لرزه بر ایشان در آنجا مستولی گردید و درد
 شدید مثل زنی که می‌زاید.
 ۷ تو کشتیهای ترشیش را به باد شرقی
 شکستی.

۸ چنانکه شنیده بودیم، همچنان دیده‌ایم، در
 شهر یهو صبا یوت، در شهر خدای ما؛ خدا آن
 را تا ابدآباد مستحکم خواهد ساخت، سیلاه.
 ۹ ای خدا در رحمت تو تفکر کرده‌ایم، در
 اندرون هیکل تو.

۱۰ ای خدا چنانکه نام تو است، همچنان
 تسبیح تو نیز تا اقصای زمین. دست راست تو
 از عدالت پُر است.

۱۱ کوه صهیون شادی می‌کند و دختران یهودا
 به وجد می‌آیند، به سبب داوریهای تو.
 ۱۲ صهیون را طواف کنید و گرداگرد او
 بخرامید و برجهای وی را بشمارید.

۱۳ دل خود را به حصارهایش بنهید و در
 قصرهایش تأمل کنید تا طبقه آینده را اطلاع
 دهید.

۱۴ زیرا این خدا، خدای ماست تا ابدآباد و
 ما را تا به مرگ هدایت خواهد نمود.

حماقت اعتماد بر ثروت

برای سالار مغنیان

ای تمامی قومه این را بشنوید!
 ای جمیع سکنه ربع مسکون این
 را گوش گیرید!
 ۲ ای عوام و خواص! ای دولتمندان و فقیران
 جمیعاً!

۴۹

تمامی جهان خدای بزرگ.
 ۳ قومه را در زیر ما مغلوب خواهد ساخت و
 طایفه‌ها را در زیر پایهای ما.
 ۴ میراث ما را برای ما خواهد برگزید، یعنی
 جلالت یعقوب را که دوست می‌دارد، سیلاه.
 ۵ خدا به آواز بلند صعود نموده است؛
 خداوند به آواز شیپور.
 ۶ تسبیح بخوانید، خدا را تسبیح بخوانید.
 تسبیح بخوانید، پادشاه ما را تسبیح بخوانید.
 ۷ زیرا خدا پادشاه تمامی جهان است. به
 خردمندی تسبیح بخوانید.
 ۸ خدا بر ائمت‌ها سلطنت می‌کند. خدا بر
 تخت قدس خود نشسته است.
 ۹ سروران قومه با قوم خدای ابراهیم جمع
 شده‌اند زیرا که سپرهای جهان از آن خداست.
 او بسیار متعال می‌باشد.

خدا در کوه صهیون

سرود و مزمور بنی قورح

خداوند بزرگ است و بی‌نهایت
 ۴۸ مجید، در شهر خدای ما و در کوه
 مقدس خویش.
 ۲ جمیل در بلندی‌اش و شادی تمامی جهان
 است کوه صهیون، در جوانب شمال، قریه
 پادشاه عظیم.
 ۳ خدا در قصرهای آن به ملجای بلند معروف
 است.
 ۴ زیرا اینک، پادشاهان جمع شدند، و با هم
 درگذشتند.
 ۵ ایشان چون دیدند متعجب گردیدند. و در

۱۵ اما خدا جان مرا از دست هاویه نجات خواهد داد زیرا که مرا خواهد گرفت، سلاه.
 ۱۶ پس ترسان مباش، چون کسی دولتمند گردد و جلال خانه او افزوده شود!
 ۱۷ زیرا چون بمیرد، چیزی از آن نخواهد برد و جلالش در عقب او فرو نخواهد رفت.
 ۱۸ زیرا در حیات خود، خویشان را مبارک می خواند؛ و چون بر خود احسان می کنی، مردم تو را می ستایند.
 ۱۹ اما به طبقه پدران خود خواهد پیوست که نور را تا به ابد نخواهند دید.
 ۲۰ انسانی که در حرمت است و فهم ندارد، مثل چهار پایان است که هلاک می شوند.

قربانی موردپسند خدا

مزمور آساف

خدا، **۵** خدای یَهُوَه تَكَلَّمَ می کند و زمین را از مَطَّلَع آفتاب تا به مغربش می خواند.
 ۲ از صهیون که کمال زیبایی است، خدا تجلی نموده است.
 ۳ خدای ما می آید و سکوت نخواهد نمود. آتش پیش روی او می بلعد و طوفان شدید گرداگرد وی خواهد بود.
 ۴ آسمان را از بالا می خواند و زمین را، تا قوم خود را داوری کند:
 ۵ «مقدّسانِ مرا نزد من جمع کنید، که عهد را با من به قربانی بسته اند.»
 ۶ و آسمانها از انصاف او خیر خواهند داد، زیرا خدا خود داور است، سلاه.

۳ زبانم به حکمت سخن می راند و تفکر دل من فهم است.
 ۴ گوش خود را به مثلی فرا می گیرم. معمای خویش را بر بریط می گشایم.
 ۵ چرا در روزهای بلا ترسان باشم، چون گناه پاشنه هایم مرا احاطه می کند؟
 ۶ آنانی که بر دولت خود اعتماد دارند و بر کثرت توانگری خویش فخر می نمایند.
 ۷ هیچ کس هرگز برای برادر خود فدیة نخواهد داد و کفّاره او را به خدا نخواهد بخشید.
 ۸ زیرا فدیة جان ایشان گران بهاست و ابداً بدان نمی توان رسید.
 ۹ تا زنده بماند تا ابدلاً باد و فساد را نبیند.
 ۱۰ زیرا می بیند که حکمیان می میرند و جاهلان و ابلهان با هم هلاک می گردند و دولت خود را برای دیگران ترک می کنند.
 ۱۱ فکر دل ایشان این است که خانه های ایشان دائمی باشد و مسکن های ایشان دُوربه دُور؛ و نامهای خود بر زمینهای خود می نهند.
 ۱۲ اما انسان در حرمت باقی نمی ماند، بلکه مثل چهار پایان است که هلاک می شود.
 ۱۳ این طریقه ایشان، جهالت ایشان است و اعقاب ایشان سخن ایشان را می پسندند، سلاه.
 ۱۴ مثل گوسفندان در هاویه رانده می شوند و مرگ ایشان را شبانی می کند و صبحگاهان راستان بر ایشان را حکومت خواهند کرد و جمال ایشان در هاویه پوسیده خواهد شد تا مسکنی برای آن نباشد.

و دربارهٔ پسر مادر خویش غیبت گویی.
 ۲۱ این را کردی و من سکوت نمودم. پس
 گمان بردی که من مثل تو هستم. اما تو را
 توبیخ خواهم کرد. و این را پیش نظر تو به
 ترتیب خواهم نهاد.
 ۲۲ ای فراموش کنندگان خدا، در این تفکر
 کنید! مبدا شما را بدرم و رهاننده‌ای نباشد.
 ۲۳ هر که قربانی تشکر را گذراند مرا تمجید
 می‌کند، و آنکه طریق خود را راست سازد،
 نجات خدا را به وی نشان خواهم داد.»

طلب بخشش

برای سالار مغنیان. مزمور داود وقتی که ناتان نبی بعد از در

آمدنش به تَبَسَّع نزد او آمد

ای خدا به حسب رحمت خود بر من
 ۵۱ رحم فرما؛ به حسب کثرت رأفت
 خویش گناهانم را محو ساز.
 ۲ مرا از عصیانم به کلی شست و شوده و از
 گناهم مرا طاهر کن.
 ۳ زیرا که من به معصیت خود اعتراف می‌کنم
 و گناهم همیشه در نظر من است.
 ۴ به تو و به تو تنها گناه ورزیده، و در نظر تو
 این بدی را کرده‌ام، تا در کلام خود مُصَدِّق
 گردی و در داوری خویش مُرکِّب شوی.
 ۵ اینک، در معصیت سرشته شدم و مادرم در
 گناه به من آبیستن گردید.
 ۶ اینک، به راستی در قلب راغب هستی. پس
 حکمت را در باطن من به من بیاموز.
 ۷ مرا با زوفا پاک کن تا طاهر شوم. مرا

۷ «ای قوم من بشنونا سخن گویم، و ای
 اسرائیل تا برایت شهادت دهم که خدا، خدای
 تو من هستم.
 ۸ دربارهٔ قربانی‌های تو را توبیخ نمی‌کنم و
 قربانی‌های سوختنی تو دائماً در نظر من است.
 ۹ گوساله‌ای از خانهٔ تو نمی‌گیرم و نه بزى از
 آغل تو.
 ۱۰ زیرا که جمیع حیوانات جنگل از آن مند و
 چهار پایانی که بر هزاران کوه می‌باشند.
 ۱۱ همهٔ پرندگان کوه‌ها را می‌شناسم و وحوش
 صحرا نزد من حاضرند.
 ۱۲ اگر گرسنه می‌بودم تو را خبر نمی‌دادم،
 زیرا ربع مسکون و پُری آن از آن من است.
 ۱۳ آیا گوشت گاوان را بخورم و خون بزها را
 بنوشم؟
 ۱۴ برای خدا قربانی تشکر را بگذران، و
 نذرهای خویش را به حضرت اعلیٰ وفا نما.
 ۱۵ پس در روز تنگی مرا بخوان تا تو را
 خلاصی دهم و مرا تمجید بنمایی.»
 ۱۶ و اما به شیر خدا می‌گویی: «تو را چه کار
 است که فریاض مرا بیان کنی و عهد مرا به زبان
 خود بیاوری؟
 ۱۷ چونکه تو از تأدیب نفرت داشته‌ای و کلام
 مرا پشت سر خود انداخته‌ای.
 ۱۸ چون دزد را دیدی او را پسند کردی و
 نصیب تو با زناکاران است.
 ۱۹ دهان خود را به شرارت گشوده‌ای و زیانت
 حيله را اختراع می‌کند.
 ۲۰ نشسته‌ای تا به ضد برادر خود سخن رانی

هلاکت شریب

برای سالار مغنیان، قصیده داود وقتی که دواغ ادومی آمد و شاتول را خبر داده، گفت که، داود به خانه اخیملک رفت

ای جبار چرا از بدی فخر می کنی؟

۵۲

رحمت خدا همیشه باقی است.

۲ زبان تو شرارت را اختراع می کند، مثل

اُسْتَرَه تیز، ای حيله ساز!

۳ بدی را از نیکویی بیشتر دوست می داری و

دروغ را زیادتر از راست گویی، سلاه.

۴ همه سخنان مهلک را دوست می داری، ای

زبان حيله باز!

۵ خدا نیز تو را تا به ابد هلاک خواهد کرد و

تو را ربوده، از مسکن تو خواهد کند و ریشه تو

را از زمین زندگان، سلاه.

۶ عادلان این را دیده، خواهند ترسید و بر او

خواهند خندید:

۷ «هان این کسی است که خدا را قلعه خویش

نمود، بلکه به کثرت دولت خود توکل کرد و از

بدی خویش خود را زورآور ساخت.»

۸ و اما من مثل زیتون سبز در خانه خدا

هستم. به رحمت خدا توکل می دارم تا ابدالآباد.

۹ تو را همیشه حمد خواهم گفت، زیرا تو این

را کرده ای. و انتظار نام تو را خواهم کشید زیرا

نزد مقدّسان تو نیکوست.

همه مرتد شده اند

برای سالار مغنیان بر ذوات اوتار. قصیده داود

احمق در دل خود می گوید که

خدایی نیست. فاسد شده، شرارت

۵۳

شست و شو کن تا از برف سفیدتر گردم.

۸ شادی و خرمی را به من بشنوان تا

استخوانهایی که کوبیده ای به وجد آید.

۹ روی خود را از گناهانم بپوشان و همه

خطایای مرا محو کن.

۱۰ ای خدا دل ظاهر در من بیافین و روح

مستقیم در باطنم تازه بساز.

۱۱ مرا از حضور خود مینداز، و روح قدوس

خود را از من بگیر.

۱۲ شادی نجات خود را به من باز ده و به

روح آزاد مرا تأیید فرما.

۱۳ آنگاه طریق تو را به خطاکاران تعلیم

خواهم داد، و گناه کاران بسوی تو بازگشت

خواهند نمود.

۱۴ مرا از خونها نجات ده! ای خدایی که

خدای نجات من هستی! تا زبانم به عدالت تو

ترتم نماید.

۱۵ خداوندا لبهایم را بگشا تا زبانم تسبیح تو

را اخبار نماید.

۱۶ زیرا قربانی را دوست نداشتی والا می دادم.

قربانی سوختنی را پسند نکردی.

۱۷ قربانی های خدا روح شکسته است. خدایا

دل شکسته و کوبیده را خوار نخواهی شمرد.

۱۸ به رضامندی خود بر صهیون احسان فرما

و حصارهای اورشلیم را بنا نما.

۱۹ آنگاه از قربانی های عدالت و قربانی های

سوختنی تمام راضی خواهی شد و گوساله ها بر

مذبح تو خواهند گذرانید.

۵ بدی را بر دشمنان من خواهد برگردانید. به راستی خود ریشهٔ ایشان را بکن.
 ۶ قربانی‌های تَبْرُعی نزد تو خواهیم گذرانید و نام تو را ای خداوند حمد خواهیم گفت زیرا نیکوست،
 ۷ چونکه از جمیع تنگیها مرا خلاصی داده‌ای، و چشم من بر دشمنانم نگریسته است.

نالۀ از ظلم دوست

برای سالار مغنیان. قصیدهٔ داود بر ذوات اوتار

ای خدا به دعای من گوش بگیر و خود را از تضرع من پنهان مکن!
 ۲ به من گوش فراگیر و مرا مستجاب فرما!
 زیرا که در تفکر خود متحیرم و ناله می‌کنم
 ۳ از آواز دشمن و به سبب ظلم شیریر، زیرا که ظلم بر من می‌اندازند و با خشم بر من جفا می‌کنند.

۴ دل من در اندرونم بیچ و تاب می‌کند، و ترس‌های مرگ بر من افتاده است.
 ۵ ترس و لرز به من در آمده است. وحشتی هولناک مرا در گرفته است.
 ۶ و گفتم کاش که مرا بالها مثل کبوتر می‌بود تا پرواز کرده، استراحت می‌یافتم.
 ۷ به راستی به جای دور می‌پریدم، و در صحرا مأوا می‌گزیدم، سِلاه.
 ۸ می‌شتافتم بسوی پناه‌گاهی از باد تند و از طوفان شدید.
 ۹ ای خداوند آنها را هلاک کن و زبان‌هایشان را تفریق نما زیرا که در شهر ظلم و جنگ دیده‌ام.

مکروه کرده‌اند و نیکوکاری نیست.
 ۲ خدا از آسمان بر بنی‌آدم نظر انداخت تا ببیند که فهم و طالب‌خدایی هست.
 ۳ همهٔ ایشان مرتد شده، با هم فاسد گردیده‌اند. نیکوکاری نیست یکی هم نی.
 ۴ آیا گناهکاران بی‌معرفت هستند که قوم مرا می‌خورند چنانکه نان می‌خورند و خدا را نمی‌خوانند؟

۵ آنگاه سخت ترسان شدند، جایی که هیچ ترس نبود. زیرا خدا استخوان‌های محاصره‌کنندهٔ تو را از هم پاشید. آنها را خجل ساخته‌ای زیرا خدا ایشان را رد نموده است.
 ۶ کاش که نجات اسرائیل از صهیون ظاهر می‌شد. وقتی که خدا اسیرِ قوم خویش را برگرداند، یعقوب وجد خواهد نمود و اسرائیل شادی خواهد کرد.

دعا برای محافظت

رای سالار مغنیان. قصیدهٔ داود بر ذوات اوتار وقتی که زبغیان نزد شائول آمده، گفتند آیا داود نزد ما خود را پنهان نمی‌کند.

ای خدا به نام خود مرا نجات بده و به قوت خویش بر من داوری نما.
 ۲ ای خدا دعای مرا بشنو و سخنان زبانم را گوش بگیر.
 ۳ زیرا بیگانگان به ضد من برخاسته‌اند و ظالمان قصد جان من دارند؛ و خدا را در مد نظر خود نگذاشته‌اند، سِلاه.
 ۴ اینک، خدا مددکار من است. خداوند از تأیید کنندگان جان من است.

شمشیرهای برهنه است.

۲۲ نصیب خود را به خداوند بسپار و تو را رزق خواهد داد. او تا به ابد نخواهد گذاشت که

مرد عادل جنبش خورد.

۲۳ و تو ای خدا ایشان را به چاه هلاکت فرو خواهی آورد. مردمان خون‌ریز و حيله‌ساز، روزهای خود را نیمه نخواهند کرد. اما من بر تو توکل خواهم داشت.

توکل بر خدا

برای سالار مغنیان بر فاخته ساکت در شهرهای بعیده.

مکتوم داود وقتی که فلسطینیان او را در حجت گرفتند

ای خدا بر من رحم فرما، زیرا که انسان مرا به شدت تعاقب می‌کند.

۵۶

تمامی روز جنگ کرده، مرا اذیت می‌نماید.

۲ دشمنانم تمامی روز مرا به شدت تعاقب

می‌کنند. زیرا که بسیاری با تکبر با من

می‌جنگند.

۳ هنگامی که ترسان شوم، من بر تو توکل

خواهم داشت.

۴ در خدا کلام او را خواهم ستود. بر خدا

توکل کرده، نخواهم ترسید. انسان به من چه

می‌تواند کرد؟

۵ هر روزه سخنان مرا منحرف می‌سازند.

همه فکرای ایشان درباره من بر شرارت است.

۶ ایشان جمع شده، کمین می‌سازند. بر

قدمهای من چشم دارند زیرا قصد جان من

دارند.

۷ آیا ایشان به سبب شرارت خود نجات

خواهند یافت؟ ای خدا اَمّت‌ها را در غضب

۱۰ روز و شب بر حصارهایش گردش می‌کنند

و شرارت و مشقت در میانش می‌باشد.

۱۱ فسادها در میان وی است و جور و حيله از

کوچه‌هایش دور نمی‌شود.

۱۲ زیرا دشمن نبود که مرا ملامت می‌کرد

والّا تحمل می‌کردم؛ و دشمن من نبود که بر

من سربلندی می‌نمود؛ والّا خود را از وی پنهان

می‌ساختم،

۱۳ بلکه تو بودی ای مرد نظیر من! ای یار

خالص و دوست صدیق من!

۱۴ که با یکدیگر مشورت شیرین می‌کردیم و

به خانه خدا در انبوه می‌خرامیدیم.

۱۵ مرگ بر ایشان ناگهان آید و زنده بگور فرو

روند. زیرا شرارت در مسکنهای ایشان و در

میان ایشان است.

۱۶ و اما من نزد خدا فریاد می‌کنم و خداوند

مرا نجات خواهد داد.

۱۷ شامگاهان و صبح و ظهر شکایت و ناله

می‌کنم و او آواز مرا خواهد شنید.

۱۸ جانم را از جنگی که بر من شده بود،

به صلح فدیّه داده است. زیرا بسیاری با من

مقاومت می‌کردند.

۱۹ خدا خواهد شنید و ایشان را جواب

خواهد داد، او که از ازل نشسته است، سیلاه.

زیرا که در ایشان تبدیل‌ها نیست و از خدا

نمی‌ترسند.

۲۰ دست خود را بر صلح اندیشان خویش

دراز کرده، و عهد خویش را شکسته است.

۲۱ سخنان چرب‌زبانش نرم، اما دلش

جنگ است. سخنانش چرب‌تر از روغن اما

خویش بینداز.

^۸ تو آوارگی‌های مرا تفریر کرده‌ای. اشکهایم را در مشک خود بگذار. آیا این در دفتر تو نیست؟

^۹ آنگاه در روزی که تو را بخوانم دشمنانم روخواهند گردانید. این را می‌دانم زیرا خدا با من است.

^{۱۰} در خدا کلام او را خواهم ستود. در

خداوند کلام او را خواهم ستود.

^{۱۱} بر خدا توکل دارم پس نخواهم ترسید.

آدمیان به من چه می‌توانند کرد؟

^{۱۲} ای خدا نذرهای تو بر من است.

قربانی‌های حمد را نزد تو خواهم گذرانید.

^{۱۳} زیرا که جانم را از مرگ رها کرده‌ای. آیا

پایه‌ایم را نیز از لغزیدن نگاه نخواهی داشت تا در نور زندگان به حضور خدا سالک باشم؟

پناه زیر سایه بالهای تو

برای سالار معتیان برلاتهک. مکتوم داود وقتی که از

حضور شائول به غار فرار کرد

ای خدا بر من رحم فرما، بر من

رحم فرما! زیرا جانم در تو پناه

می‌برد، و در سایه بالهای تو پناه می‌برم تا این

بلایا بگذرد.

^۲ نزد خدای تعالی آواز خواهم داد، نزد

خدایی که همه چیز را برایم تمام می‌کند.

^۳ از آسمان فرستاده، مرا خواهد رهانید. زیرا

تعاقب‌کننده سخت من ملامت می‌کند، سلاه.

خدا رحمت و راستی خود را خواهد فرستاد.

^۴ جان من در میان شیران است. در میان

آتش افروزان می‌خوابم، یعنی آدمیانی که دندانهایشان نیزه‌ها و تیرهاست و زبان ایشان شمشیر بُرنده است.

^۵ ای خدا بر آسمانها متعال شو و جلال تو بر تمامی جهان.

^۶ دامی برای پایه‌ایم مهیا ساختند و جانم خم گردید. چاهی پیش رویم کردند، و خود در میانش افتادند، سلاه.

^۷ دل من مستحکم است؛ خدایا دل من

مستحکم است. سرود خواهم خواند و ترنم خواهم نمود.

^۸ ای جلال من بیدار شو! ای بریط و عود

بیدار شو! صبحگاهان من بیدار خواهم شد.

^۹ ای خداوند تو را در میان امت‌ها حمد

خواهم گفت. تو را در میان قومها تسبیح خواهم خواند.

^{۱۰} زیرا رحمت تو تا آسمانها عظیم است و

راستی تو تا افلاک.

^{۱۱} خدایا بر آسمانها متعال شو، و جلال تو بر

تمامی جهان.

مجازات شیران

برای سالار معتیان برلاتهک. مکتوم داود

آیا فی الحقیقت به عدالتی که

گنگ است سخن می‌گویید؟ و ای

بنی آدم، آیا به راستی داوری می‌نمایید؟

^۲ بلکه در دل خود شرارته‌ها به عمل می‌آورید

و ظلم دستهای خود را در زمین از میزان

درمی‌کنید.

^۳ شیران از رحم منحرف هستند، از شکم

۵۷

۵۸

و زورآوران به ضد من جمع شده‌اند، بدون
تقصیر من ای خداوند و بدون گناه من.
۴ بدون تقصیر من می‌شتابند و خود را آماده
می‌کنند. پس برای ملاقات من بیدار شو و ببین.
۵ اَمَا تَوَىٰ يَهُوَهٗ، خدای صباوت، خدای
اسرائیل، بیدار شده، همهٔ امت‌ها را مکافات
برسان و بر خائنانِ بدکار شفقت مفرما، سیلاه.
۶ شامگاهان برمی‌گردند و مثل سگ بانگ
می‌کنند و در شهر دور می‌زنند.
۷ از دهان خود بدی را فرو می‌ریزند. در
لبهای ایشان شمشیرهاست. زیرا می‌گویند:
«کیست که بشنود؟»
۸ و اَمَا تَوَىٰ خدایان، بر ایشان خواهی
خندید و تمامی امت‌ها را تمسخر خواهی نمود.
۹ ای قَوْت من، بسوی تو انتظار خواهم کشید
زیرا خدا قلعهٔ بلند من است.
۱۰ خدای رحمت من پیش روی من خواهد
رفت. خدا مرا بردشمنانم نگران خواهد
ساخت.
۱۱ ایشان را به قتل مرسان. مبدا قوم من
فراموش کنند. ایشان را به قوت خود پراکنده
ساخته، به زیر انداز، ای خداوند که سپر ما
هستی!

۱۲ به سبب گناه زبان و سخنان لبهای خود،
در تکبر خویش گرفتار شوند؛ و به عوض لعنت
و دروغی که می‌گویند،
۱۳ ایشان را فانی کن، در غضب فانی کن تا
نیست گردند و بدانند که خدا در یعقوب تا
اقصای زمین سلطنت می‌کند. سیلاه.
۱۴ و شامگاهان برگردیده، مثل سگ بانگ

مادر دروغ گفته، گمراه می‌شوند.
۴ ایشان را زهری است مثل زهر مار؛ مثل
افعی کر که گوش خود را می‌بندد
۵ که آواز افسونگران را نمی‌شنود، هر چند به
مهارت افسون می‌کند.
۶ ای خدا دندانهایشان را در دهانشان بشکن.
ای خداوند دندانهای شیران را خرد بشکن.
۷ گداخته شده، مثل آب بگذرند. چون او
تیره‌های خود را می‌اندازد، در ساعت منقطع
خواهند شد.
۸ مثل حلزون که گداخته شده، می‌گذرد. مثل
سِقَطُ زن، آفتاب را نخواهند دید.
۹ قبل از آنکه دیدگهای شما آتشِ خارها را
احساس کند، آنها را چه تر و چه خشک خواهد
رُفت.
۱۰ مردِ عادل چون انتقام را دید سادی خواهد
نمود. پایهای خود را به خون شریر خواهد
شست.
۱۱ و مردم خواهند گفت: «به راستی ثمره‌ای
برای عادلان هست. به راستی خدایی هست که
در جهان داوری می‌کند.»

دعا برای رهایی

برای سالار مغنیان بر لانتهاک. مکتوم داود وقتی که شاتول

فرستاد که خانه را کشیک بکشند تا او را بکشند

ای خدایم مرا از دشمنانم برهان! مرا

از مقاومت کنندگانم برافراز!

۲ مرا از گناهکاران خلاصی ده! و از مردمان

خونریز رهایی بخش!

۳ زیرا اینک، برای جانم کمین می‌سازند

افرایم خود سر من است و یهو دا عصای
سلطنت من.

۸ موآب ظرف طهارت من است و بر آدوم
کفش خود را خواهم انداخت. ای فلسطین
برای من بانگ برآور!

۹ کیست که مرا به شهر حصین درآورد؟ و
کیست که مرا به اودم رهبری کند؟
۱۰ مگر نه تو ای خدا که ما را دور انداخته‌ای و
با لشکرهای ما ای خدا بیرون نمی‌آیی؟
۱۱ مرا از دشمن کمک فرما زیرا معاونت
انسان باطل است.

۱۲ با خدا پیروزی خواهیم یافت. زیرا اوست
که دشمنان ما را پایمال خواهد کرد.

فریاد مرا بشنو!

برای سالار مغتیاں بر نزوات اوتار. مزمور داود

ای خدا فریاد مرا بشنو و دعای مرا
اجابت فرما!

۱ از اقصای جهان تو را خواهم خواند،
هنگامی که دلم بیهوش می‌شود. مرا به
صخره‌ای که از من بلندتر است هدایت نما.
۲ زیرا که تو ملجای من بوده‌ای و برج قوی از
روی دشمن.
۳ در خیمهٔ تو ساکن خواهم بود تا ابدالآباد.
زیر سایهٔ بالهای تو پناه خواهم برد، سلاه.
۴ زیرا تو ای خدا نذرهای مرا شنیده‌ای
و میراث ترسندگان نام خود را به من عطا
کرده‌ای.
۵ بر عمر پادشاه روزها خواهی افزود و
سالهای او تا نسلها باقی خواهد ماند.

زنند و در شهر گردش کنند.

۱۵ و برای خوراک پراکنده شوند و سیر
نشده، شب را به سر برند.

۱۶ و اما من قوت تو را خواهم سرباید و
بامدادان از رحمت تو ترنم خواهم نمود. زیرا
قلعه بلند من هستی و در روز تنگی ملجای منی.
۱۷ ای قوت من برای تو سرود می‌خوانم، زیرا
خدا قلعه بلند من است و خدای رحمت من.

درخواست کمک

برای سالار مغتیاں بر سوسن شهادت. مکتوم داود برای
تعلیم وقتی که با آژم نهرین و آژم صوبه از در جنگ بیرون
آمد و یوآب برگشته، دوازده هزار نفر از اودمیان را در وادی
الملح کشت

ای خدا ما را دور انداخته، پراکنده
ساخته‌ای! خشمناک بودی، بسوی
ما رجوع فرما!

۱ زمین را متزلزل ساخته، آن را شکافته‌ای!
شکستگی‌هایش را شفا ده زیرا به جنبش آمده
است.

۲ چیزهای مشکل را به قوم خود نشان
داده‌ای. بادهٔ سرگردانی به ما نوشانیده‌ای.
۳ عَلمی به ترسندگان خود داده‌ای تا آن را
برای راستی برافرازند، سلاه.

۴ تا حبیبان تو نجات یابند. به دست راست
خود نجات ده و مرا مستجاب فرما.

۵ خدا در قدوسیت خود سخن گفته است.
پس وجد خواهم نمود: «شکیم را تقسیم

می‌کنم و وادی سکوت را خواهم پیمود.

۶ جَلعاد از آن من است، مَنسی از آن من.

در ترازو بالا می‌روند زیرا جمیعاً از بطلت
سبکتند.

۱۰ بر ظلم توکل مکنید و بر غارت مغرور
شوید. چون دولت افزوده شود دل در آن
میندید.

۱۱ خدا یک بار گفته است و دو بار این را
شنیده‌ام که قوت از آن خداست.

۱۲ ای خداوند رحمت نیز از آن تو است، زیرا
به هر کس موافق عملش جزا خواهی داد.

جان من تشنهٔ توست

مزمور داود هنگامی که در صحرائی بیهودا بود

۶۳ ای خدا، تو خدای من هستی. در
سحر تو را خواهم طلبید. جان من
تشنهٔ تو است و جسم مشتاق تو در زمین خشک
تشنهٔ بی‌آب.

۲ چنانکه در قدس بر تو نظر کردم تا قوت و
جلال تو را مشاهده کنم.

۳ چونکه رحمت تو از حیات نیکوتر است.
پس لبهای من تو را تسبیح خواهد خواند.

۴ از این رو تا زنده هستم تو را متبارک خواهم
خواند. و دستهای خود را به نام تو خواهم
برافراشت.

۵ جان من سیر خواهد شد چنانکه از مغز و
پیه، و زبان من به لبهای شادمانی تو را حمد
خواهد گفت،

۶ چون تو را بر بستر خود یاد می‌آورم و در
پاسهای شب در تو تفکر می‌کنم.

۷ زیرا تو مددکار من بوده‌ای و زیر سایهٔ
بالهای تو شادی خواهم کرد.

۷ به حضور خدا خواهد نشست تا ابدالآباد.
رحمت و راستی را مهیا کن تا او را محافظت
کنند.

۸ پس نام تو را تا به ابد خواهم سرایید تا هر
روز نذرهای خود را وفا کنم.

نجات از جانب خدا

برای بدوتون سالار مغنیان. مزمور داود

۶۲ جان من فقط برای خدا خاموش
می‌شود زیرا که نجات من از جانب
اوست.

۲ او تنها صخره و نجات من است و قلعهٔ
بلند من. پس بسیار جنبش نخواهم خورد.
۳ تا به کی بر مردی هجوم می‌آورید تا همگی
شما او را هلاک کنید مثل دیوار خم شده و
حصار جنبش خورده؟
۴ در این فقط مشورت می‌کنند که او را از
مرتبه‌اش بیندازند. و دروغ را دوست می‌دارند.
به زبان خود برکت می‌دهند و در دل خود لعنت
می‌کنند، سلاه.

۵ ای جان من، فقط برای خدا خاموش شو
زیرا که امید من از وی است.
۶ او تنها صخره و نجات من است و قلعهٔ
بلند من تا جنبش نخورم.
۷ برخداست نجات و جلال من. صخرهٔ قوت
من و پناه من در خداست.

۸ ای قوم همه وقت بر او توکل کنید و دل‌های
خود را به حضور وی بریزید. زیرا خدا ملجای
ماست، سلاه.

۹ البته بنی آدم بطلت‌اند و بنی بشر دروغ.

ناگهان جراحت‌های ایشان خواهد شد،
 ۸ و زبانهای خود را بر خود فرود خواهند آورد
 و هر که ایشان را ببندد فرار خواهد کرد.
 ۹ و جمیع آدمیان خواهند ترسید و کار خدا
 را اعلام خواهند کرد و عمل او را درک خواهند
 نمود.

۱۰ و مرد صالح در خداوند شادی می‌کند و
 بر او توکل می‌دارد و جمیع راست‌دلان، فخر
 خواهند نمود.

سرود تسبیح

برای سالار مغنیان. منمور و سرود داود

ای خدا، تسبیح در صهیون منتظر
 توست، و نذرهای تو وفا خواهد
 شد.

۶۵

۲ ای که دعا می‌شنوی، نزد تو تمامی بشر
 خواهند آمد!

۳ گناهان بر من غالب آمده است. تو
 تقصیرهای مرا کفاره خواهی کرد.

۴ برکت می‌گیرد کسی که او را برگزیده و
 مُقَرَّب خود ساخته‌ای تا به درگاه‌های تو ساکن
 شود. از نیکویی خانه‌تو سیر خواهیم شد و از
 قدوسیت هیكل تو.

۵ به چیزهای ترسناک در عدل، ما را جواب
 خواهی داد، ای خدایی که نجات ما هستی، ای
 که پناه تمامی اقصای جهان و ساکنان بعیده
 دریا هستی،

۶ و کوه‌ها را به قوت خود مستحکم
 ساخته‌ای، و کمر خود را به قدرت بسته‌ای،
 ۷ و تلاطم دریا را ساکن می‌گردانی، تلاطم
 امواج آن و شورش امت‌ها را.

۸ جان من به تو چسبیده است و دست راست
 تو مرا تأیید کرده است.

۹ و اما آنانی که قصد جان من دارند هلاک
 خواهند شد و در اسفل زمین فرو خواهند
 رفت.

۱۰ ایشان به دم شمشیر سپرده می‌شوند و
 نصیب شغالها خواهند شد.

۱۱ اما پادشاه در خدا شادی خواهد کرد و
 هر که بدو قسم خورد، فخر خواهد نمود، زیرا
 دهان دروغ‌گویان بسته خواهد گردید.

حیاتم را از ترس دشمن نگاهدار

برای سالار مغنیان. منمور داود

ای خدا وقتی که تضرع می‌نمایم،
 آواز مرا بشنو و حیاتم را از ترس
 دشمن نگاهدار!

۶۴

۲ مرا از مشاورت شریران پنهان کن و از
 آشوب گناهکاران.

۳ که زبان خود را مثل شمشیر تیز کرده‌اند
 و تیرهای خود، یعنی سخنان تلخ را بر زه
 آراسته‌اند.

۴ تا در کمینهای خود بر مرد کامل بیندازند.
 ناگهان بر او می‌اندازند و نمی‌ترسند.

۵ خویشتن را برای کار زشت تقویت
 می‌دهند. درباره پنهان کردن دامها گفتگو
 می‌کنند. می‌گویند: «کیست که ما را ببیند؟»

۶ کارهای بد را تدبیر می‌کنند و می‌گویند:
 «تدبیر نیکو کرده‌ایم.» و اندرون و قلب هر یک
 از ایشان عمیق است.

۷ اما خدا تیرها بر ایشان خواهد انداخت و

در کارهای خود به بنی آدم مهیب است.
 ۶ دریا را به خشکی مبدل ساخت و مردم
 از نهر با پا عبور کردند. در آنجا بدو شادی
 نمودیم.
 ۷ در توانایی خود تا به ابد سلطنت می کند
 و چشمانش مراقب امت‌ها است. فتنه‌انگیزان
 خویشتن را برنیزرانند، سیلاه.
 ۸ ای قومه‌ها، خدای ما را متبارک خوانید و
 آواز تسبیح او را بشنوید.
 ۹ که جانهای ما را در حیات قرار می دهد و
 نمی گذارد که پایهای ما لغزش خورد.
 ۱۰ زیرا ای خدا تو ما را امتحان کرده‌ای
 و ما را غال گذاشته‌ای چنانکه نقره را غال
 می گذارند.
 ۱۱ ما را به دام درآوردی و باری گران بر
 پشتهای ما نهادی.
 ۱۲ مردمان را بر سر ما سوار گرداندیدی و به
 آتش و آب درآمدیم. پس ما را به جای خرم
 بیرون آوردی.
 ۱۳ قربانی‌های سوختنی به خانه تو خواهم
 آورد. نذرهای خود را به تو وفا خواهم نمود،
 ۱۴ که لبهای خود را بر آنها گشودم و در زمان
 تنگی خود آنها را به زبان خود آوردم.
 ۱۵ قربانی‌های سوختنی پرواری را نزد تو
 خواهم گذرانید. گوساله‌ها و بزها را با بخور
 قوچها ذبح خواهم کرد، سیلاه.
 ۱۶ ای همه خداترسان بیایید و بشنوید تا از
 آنچه او برای جان من کرده است خبر دهم.
 ۱۷ به دهانم نزد او آواز خود را بلند کردم و
 تسبیح بلند بر زبان من بود.

۸ ساکنان اقصای جهان از آیات تو ترسانند.
 مَطَّلَع‌های صبح و شام را شادمان می سازی.
 ۹ از زمین تغفد نموده، آن را سیراب می کنی و
 آن را بسیار توانگر می گردانی. نهر خدا از آب پر
 است. غله ایشان را آماده می کنی زیرا که بدین
 طور تهیه کرده‌ای.
 ۱۰ پشته‌هایش را سیراب می کنی و مرزهایش
 را پست می سازی. به بارشها آن را شاداب
 می نمایی. گیاهانش را برکت می دهی.
 ۱۱ به احسان خویش سال را تاجدار می سازی
 و راه‌های تو چربی را می چکاند.
 ۱۲ مرتعهای صحرا نیز می چکاند و کمر تلها
 به شادمانی بسته شده است.
 ۱۳ چمنها به گوسفندان آراسته شده است و
 درّه‌ها به غله پیراسته؛ از شادی بانگ می زنند و
 نیز می سرایند.

بانگ شادمانی برای خدا

برای سالار مغنیان، سرود و مزمور

۶۶
 ای تمامی زمین، برای خدا بانگ
 شادمانی بزنید!
 ۲ جلال نام او را بسرایید، و در تسبیح او
 جلال او را توصیف نمایید!
 ۳ خدا را گوید: «چه مهیب است کارهای
 تو! از شدت قوت تو دشمنانت نزد تو تذلل
 خواهند کرد!»
 ۴ تمامی زمین تو را پرستش خواهند کرد و
 تو را خواهند سرایید و به نام تو ترنم خواهند
 نمود. «سیلاه»
 ۵ بیایید کارهای خدا را مشاهده کنید. او

۱۸ اگر بدی را در دل خود منظور می‌داشتیم،

خداوند مرا نمی‌شنید.

۱۹ اما خدا مرا شنیده است و به آواز دعای

من توجه فرموده.

۲۰ متبارک باد خدا که دعای مرا از خود، و

رحمت خویش را از من برنگردانیده است.

سرود حمد و شادی

برای سالار مغنیان. مزمور و سرود بزودات اوتار

خدا بر ما رحم کند و ما را مبارک

سازد و نور روی خود را بر ما

متجلی فرماید! سیلاه.

۲ تا راه تو در جهان معروف گردد و نجات تو

به جمیع امت‌ها.

۳ ای خدا قومه‌ها تو را حمد گویند. جمیع

قومه‌ها تو را حمد گویند.

۴ امت‌ها شادی و ترنم خواهند نمود زیرا

قومه‌ها را به انصاف حکم خواهی نمود و

امت‌های جهان را هدایت خواهی کرد، سیلاه.

۵ ای خدا قومه‌ها تو را حمد گویند. جمیع

قومه‌ها تو را حمد گویند.

۶ آنگاه زمین محصول خود را خواهد داد و

خدا خدای ما، ما را مبارک خواهد فرمود.

۷ خدا ما را مبارک خواهد فرمود. و تمامی

اقصای جهان از او خواهند ترسید.

سرود پیروزی

رای سالار مغنیان. مزمور و سرود داود

خدا برخیزد و دشمنانش پراکنده

شوند! و آنانی که از او نفرت دارند

از حضورش بگریزند!

۲ چنانکه دود پراکنده می‌شود، ایشان را

پراکنده ساز، و چنانکه موم پیش آتش گداخته

می‌شود، همچنان شیریان به حضور خدا هلاک

گردند.

۳ اما صالحان شادی کنند و در حضور خدا به

وجد آیند و به شادمانی خرسند شوند.

۴ برای خدا سرود بخوانید و به نام او ترنم

نمایید و راهی درست کنید برای او که در

صحراها سوار است. نام او یَهُوَه است! به

حضورش به وجد آید!

۵ پدر یتیمان و داور بیوه زنان، خداست در

مسکن قدس خود!

۶ خدا بی‌کسان را ساکن خانه می‌گرداند

و اسیران را به رستگاری بیرون می‌آورد، اما

فتنه‌انگیزان در زمین خشک ساکن خواهند شد.

۷ ای خدا هنگامی که پیش روی قوم خود

بیرون رفتی، هنگامی که در صحرا خرامیدی،

سیلاه.

۸ زمین متزلزل شد و آسمان به حضور خدا

بارید، این سینا نیز از حضور خدا، خدای

اسرائیل.

۹ ای خدا باران نعمتها بارانیدی و میراث را

چون خسته بود، مستحکم گردانیدی.

۱۰ جماعت تو در آن ساکن شدند. ای

خدا، به نیکویی خویش برای مساکین تدارک

دیده‌ای.

۱۱ خداوند سخن را می‌دهد. مبشرات انبوه

عظیمی می‌شوند.

۱۲ ملوک لشکرها فرار کرده، مغلوب

۶۷

۶۸

۲۳ تا پای خود را در خون فروبری و زبان
سگان تو از دشمنانت بهره خود را بیابد.»

۲۴ ای خدا طریق‌های تو را دیده‌اند، یعنی
طریق‌های خدا و پادشاه مرا در قدس.

۲۵ در پیش رو، مغتیبان می‌خرامند و در عقب،
سازندگان و در وسط دوشیزگان دف زن.

۲۶ خدا را در جماعت‌ها متبارک خوانید و
خداوند را از چشمه اسرائیل.

۲۷ آنجاست بنیامین کوچک، حاکم ایشان و
رؤسای یهودا محفل ایشان. رؤسای زبولون و
رؤسای نفتالی.

۲۸ خدایت برای تو قوت را امر فرموده است.
ای خدا آنچه را که برای ما کرده‌ای، استوار
گردان.

۲۹ به سبب هیکل تو که در اورشلیم است،
پادشاهان هادیا نزد تو خواهند آورد.

۳۰ و وحش نی‌زار را توییخ فرما و رمه گاوان
را با گوساله‌های قوم که با شمشهای نقره نزد تو
گردن می‌نهند. و قومهایی که جنگ را دوست
می‌دارند پراکنده ساخته است.

۳۱ سروران از مصر خواهند آمد و حبشه
دستهای خود را نزد خدا بزودی دراز خواهد
کرد.

۳۲ ای ممالک جهان برای خدا سرود
بخوانید. برای خداوند سرود بخوانید، سلاه.

۳۳ برای او که بر فلک‌الافلاک قدیمی سوار
است.

۳۴ اینک، آواز خود را می‌دهد، آوازی که
پُر قوت است.

۳۵ خدارا به قوت توصیف نمایید. جلال وی

می‌شوند و زنی که در خانه مانده است، غارت
را تقسیم می‌کند.

۱۳ اگرچه در آغلها خوابیده بودید، اما مثل
بالهای فاخته شده‌اید که به نقره پوشیده است و
پرهایش به طلای سرخ.

۱۴ چون قادر مطلق پادشاهان را در آن
پراکنده ساخت، مثل برف بر صلّمون درخشان
گردید.

۱۵ کوه خدا، کوه باشان است، کوهی با
قله‌های افراشته کوه باشان است.

۱۶ ای کوه‌های با قله‌های افراشته، چرا
می‌نگرید بر این کوهی که خدا برای مسکن
خود برگزیده است؟ به راستی خداوند در آن تا
به ابد ساکن خواهد بود.

۱۷ اربابه‌های خدا کوررها و هزارهاست.
خداوند در میان آنهاست و سینا در قدس است.

۱۸ بر اعلیٰ علیین صعود کرده، و اسیران را به
اسیری برده‌ای. از آدمیان بخشش‌ها گرفته‌ای.
بلکه از فتنه‌انگیزان نیز تا یهوه خدا در ایشان
مسکن گیرد.

۱۹ متبارک باد خداوندی که هر روزه متحمل
بارهای ما می‌شود و خدایی که نجات ماست،
سلاه.

۲۰ خدا برای ما، خدای نجات است و
مفرّهای مرگ از آن خداوند یهوه است.

۲۱ به راستی خدا سر دشمنان خود را خرد
خواهد کوبید و کله مویدار کسی را که در گناه
خود سالک باشد.

۲۲ خداوند گفت: «از باشان باز خواهم آورد.
از ژرفیهای دریا باز خواهم آورد.

بر اسرائیل است و قوّت او در افلاک.

۳۶ ای خدا از قدسهای خود مهیب هستی. خدای اسرائیل قوم خود را قوّت و عظمت می‌دهد. متبارک باد خدا.

فریاد کمک

برای سالار مغتیاں برسوسنہا. مزمور داود

۶۹ خدایا مرا نجات ده! زیرا آبها به جان من درآمده است. در خلاب ژرف فرو رفته‌ام، جایی که نتوان ایستاد. به آبهای عمیق درآمده‌ام و سیل مرا می‌پوشاند. از فریاد خود خسته شده‌ام و گلوی من سوخته و چشمانم از انتظار خدا تار گردیده است.

۴ آنانی که بی سبب از من نفرت دارند، از مویهای سرم زیاده‌اند و دشمنانِ ناحق من که قصد هلاکت من دارند زور آورند. پس آنچه نگرفته بودم، رد کردم.

۵ ای خدا، تو حماقت مرا می‌دانی و گناهانم از تو مخفی نیست.

۶ ای خداوند یهوه صباوت، منتظرین تو به سبب من خجل نشوند. ای خدای اسرائیل، طالبان تو به سبب من رسوا نگردند.

۷ زیرا به خاطر تو متحمل عار گردیده‌ام و رسوایی روی من، مرا پوشیده است.

۸ نزد برادرانم اجنبی شده‌ام و نزد پسران ماد خود غریب.

۹ زیرا غیرت خانه تو مرا خورده است و ملامت‌های ملامت کنندگان تو بر من طاری

گردیده.

۱۰ روزه داشته، جان خود را مثل اشک ریخته‌ام. و این برای من عار گردیده است. ۱۱ پلاس را لباس خود ساخته‌ام و نزد ایشان ضرب المثل گردیده‌ام.

۱۲ دروازه نشینان درباره من حرف می‌زنند و سرود می‌گساران گشته‌ام.

۱۳ و اما من، ای خداوند دعای خود را در وقت اجابت نزد تو می‌کنم. ای خدا در کثرت رحمانیت خود و راستی نجات خود مرا مستجاب فرما.

۱۴ مرا از خلاب خلاصی ده تا غرق نشوم و از نفرت کنندگانم و از ژرفیهای آب رستگار شوم.

۱۵ مگذار که سیلان آب مرا بپوشاند و ژرفی مرا ببلعد و هاویه دهان خود را بر من ببندد. ۱۶ ای خداوند مرا مستجاب فرما زیرا رحمت تو نیکوست. به کثرت رحمانیت بر من توجه نما،

۱۷ و روی خود را از بندهات مپوشان زیرا در تنگی هستم. مرا بزودی مستجاب فرما.

۱۸ به جانم نزدیک شده، آن را رستگار ساز. به سبب دشمنانم مرا فدیہ ده.

۱۹ تو عار و خجالت و رسوایی مرا می‌دانی و جمیع دشمنانم پیش نظر تو اند.

۲۰ عار، دل مرا شکسته است و به شدت بیمار شده‌ام. انتظار مُشْفِقِی کشیدم، ولی نبود برای تسلی دهندگان، اما نیافتم.

۲۱ مرا برای خوراک زردآب دادند و چون تشنه بودم مرا سرکه نوشانیدند.

آنانی که نام او را دوست دارند، در آن ساکن خواهند گردید.

دعای کمک

برای سالار مغنیان. زمزمور داود برای یادگاری

۷۰ خدایا، برای نجات من بشتاب! ای خداوند به کمک من تعجیل فرما!

۲ آنانی که قصد جان من دارند، خجل و شرمند شوند، و آنانی که در بدی من رغبت دارند، رو برگردانیده و رسوا گردند،

۳ و آنانی که هه هه می گویند، به سبب خجالت خویش رو برگردانیده شوند.

۴ و اما جمیع طالبان تو، در تو وجد و شادی کنند، و دوست دارندگان نجات تو دائماً گویند: «خدا متعال باد!»

۵ و اما من مسکین و فقیر هستم. خدایا برای من تعجیل کن. تو مددکار و نجات دهنده من هستی. ای خداوند تأخیر منما.

دعای مرد پیر

۷۱ در تو ای خداوند پناه برده‌ام، پس تا به ابد خجل نخواهم شد.

۲ به عدالت خود مرا خلاصی ده و برهان. گوش خود را به من فراگیر و مرا نجات ده.

۳ برای من صخره سکونت باش تا همه وقت داخل آن شوم. تو به نجات من امر فرموده‌ای، زیرا صخره و قلعه من تو هستی.

۴ خدایا مرا از دست شریر برهان و از کف بدکار و ظالم.

۵ زیرا ای خداوند یهوه، تو امید من هستی و

۲۲ پس مائده ایشان پیش روی ایشان تله باد و چون مطمئن هستند، دامی باشد.

۲۳ چشمان ایشان تار گردد تا نبینند و کمرهای ایشان را دائماً لرزان گردان.

۲۴ خشم خود را بر ایشان بریز و سورت غضب تو ایشان را دریابد.

۲۵ خانه‌های ایشان مخروبه گردد و در خیمه‌های ایشان هیچ کس ساکن نشود.

۲۶ زیرا برکسی که تو زده‌ای جفا می‌کند و دردهای کوفتگان تو را اعلان می‌نمایند.

۲۷ گناه بر گناه ایشان مزید کن و در عدالت تو داخل نشوند.

۲۸ از دفتر حیات محو شوند و با صالحین مرقوم نگردند.

۲۹ و اما من، مسکین و دردمند هستم. پس ای خدا، نجات تو مرا سرافراز سازد.

۳۰ و نام خدا را با سرود تسبیح خواهم خواند و او را با حمد تعظیم خواهم نمود.

۳۱ و این پسندیده خدا خواهد بود، زیاده از گاو و گوساله‌ای که شاخها و سمها دارد.

۳۲ بردباران این را دیده، شادمان شوند، و ای طالبان خدا دل شما زنده گردد،

۳۳ زیرا خداوند فقیران را مستجاب می‌کند و اسیران خود را حقیر نمی‌شمارد.

۳۴ آسمان و زمین او را تسبیح بخوانند. آنها نیز و آنچه در آنها می‌جنبند.

۳۵ زیرا خدا صهیون را نجات خواهد داد و شهرهای یهود را بنا خواهد نمود تا در آنجا سکونت نمایند و آن را متصرف گردند.

۳۶ و نسل بندگانش وارث آن خواهند شد و

مویی نیز ترک مکن، تا این طبقه را از بازوی تو
خبر دهم و جمیع آیندگان را از توانایی تو.

۱۹ خدایا عدالت تو تا اعلیٰ علین است. تو
کارهای عظیم کرده‌ای. خدایا مانند تو کیست؟

۲۰ ای که تنگیهای بسیار و سخت را به
ما نشان داده‌ای، رجوع کرده، باز ما را زنده
خواهی ساخت؛ و برگشته، ما را از عمق‌های
زمین برخواهی آورد.

۲۱ بزرگی مرا مزید خواهی کرد و برگشته، مرا
تسلی خواهی بخشید.

۲۲ پس من نیز تو را با بریط خواهم ستود،
یعنی راستی تو را ای خدای من، و تو را ای
قدوس اسرائیل با عود ترنم خواهم نمود.

۲۳ چون برای تو سرود می‌خوانم لبهایم بسیار
شادی خواهد کرد و جانم نیز که آن را فدیه
داده‌ای.

۲۴ زبانم نیز تمامی روز عدالت تو را ذکر
خواهد کرد. زیرا آنانی که برای ضرر من
می‌کوشیدند، خجل و رسوا گردیدند.

دعا برای پادشاه

مزمور سلیمان

ای خدا، انصاف خود را به پادشاه
ده و عدالت خویش را به پسر
پادشاه!

۲ و او قوم تو را به عدالت داوری خواهد
نمود و مساکین تو را به انصاف.

۳ آنگاه کوه‌ها برای قوم صلح را بار خواهند
آورد و تلها نیز در عدالت.

۴ مساکین قوم را دادرسی خواهد کرد؛ و

از طفولیتیم اعتماد من بوده‌ای.

۶ از شکم بر تو انداخته شده‌ام. از رحم مادرم
ملجای من تو بوده‌ای و تسبیح من دائماً درباره
تو خواهد بود.

۷ بسیاری را آیتی عجیب شده‌ام. اما تو
ملجای زورآور من هستی.

۸ دهانم از تسبیح تو پر است و از کبریایی تو
تمامی روز.

۹ در زمان پیری مرا دور مینداز چون قوتم
زایل شود مرا ترک منما.

۱۰ زیرا دشمنانم بر من حرف می‌زنند و نظاره
کنندگان جانم با یکدیگر مشورت می‌کنند
۱۱ و می‌گویند: «خدا او را ترک کرده است.

پس او را تعقیب کرده، بگیرید، زیرا که
رهاننده‌ای نیست.»

۱۲ ای خدا از من دور مشو. خدایا به کمک
من تعجیل نما.

۱۳ دشمنانم خجل و فانی شوند. و آنانی
که برای ضرر من می‌کوشند، به عار و رسوایی
ملیس گردند.

۱۴ و اما من دائماً امیدوار خواهم بود و بر
همه تسبیح تو خواهم افزود.

۱۵ زبانم عدالت تو را بیان خواهد کرد و
نجاتت را تمامی روز. زیرا که حد شماره آن را
نمی‌دانم.

۱۶ در توانایی خداوند یهوه خواهم آمد و از
عدالت تو و بس خبر خواهم داد.

۱۷ ای خدا از طفولیتیم مرا تعلیم داده‌ای و تا
الآن، عجایب تو را اعلان کرده‌ام.

۱۸ پس ای خدا، مرا تا زمان پیری و سفید

۱۶ و فراوانی غله در زمین بر قله کوه‌ها خواهد بود که ثمره آن مثل لبنان جنبش خواهد کرد. و اهل شهرها مثل علف زمین نشو و نما خواهند کرد.

۱۷ نام او تا ابدالآباد باقی خواهد ماند. اسم او پیش آفتاب دوام خواهد کرد. آدمیان در او برای یکدیگر برکت خواهند خواست و جمیع امت‌های زمین او را خوشحال خواهند خواند. ۱۸ متبارک باد بیهوه خدا که خدای اسرائیل است. که او فقط کارهای عجیب می‌کند. ۱۹ و متبارک باد نام مجید او تا ابدالآباد. و تمامی زمین از جلال او پر بشود. آمین و آمین. ۲۰ دعا‌های داود بن یسی تمام شد.

کتاب سوم: ۷۳-۸۹

عدالت خدا

مزمور آساف

به راستی خدا برای اسرائیل نیکوست، یعنی برای آنانی که پاکدل هستند.

۷۳

۲ و اما من نزدیک بود که پایهایم از راه در رود و نزدیک بود که قدمهایم بلغزد. ۳ زیرا بر متکبران حسد بردم چون صلح شیرین را دیدم. ۴ زیرا که در مرگ ایشان قیده‌ها نیست و قوت ایشان مستحکم است. ۵ مثل مردم در زحمت نیستند و مثل آدمیان مبتلا نمی‌باشند. ۶ بنابراین گردن ایشان به تکبر آراسته است و

فرزندان فقیر را نجات خواهد داد؛ و ظالمان را خار خواهد ساخت.

۵ از تو خواهند ترسید، مادامی که آفتاب باقی است و مادامی که ماه هست تا جمیع طبقات.

۶ او مثل باران بر علفزار چیده شده فرود خواهد آمد، و مثل بارشهایی که زمین را سیراب می‌کند.

۷ در زمان او صالحان خواهند شکفت و و فور صلح خواهد بود، مادامی که ماه نیست نگرود.

۸ او حکمرانی خواهد کرد از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای جهان.

۹ به حضور وی صحرائشینان گردن خواهند نهاد و دشمنان او خاک را خواهند لیسید.

۱۰ پادشاهان ترشیش و جزایر هدایا خواهند آورد. پادشاهان سبأ و سبأ ارمغانها خواهند رسانید.

۱۱ جمیع سلاطین او را تعظیم خواهند کرد و جمیع امت‌ها او را بندگی خواهند نمود. ۱۲ زیرا چون مسکین استغاثه کند، او را رهایی خواهد داد و فقیری را که رهاننده‌ای ندارد.

۱۳ بر مسکین و فقیر کرم خواهد فرمود و جانهای مساکین را نجات خواهد بخشید.

۱۴ جانهای ایشان را از ظلم و ستم فدیة خواهد داد و خون ایشان در نظر وی گرانها خواهد بود.

۱۵ او زنده خواهد ماند و از طلای سبأ بدو خواهد داد. دائماً برای وی دعا خواهد کرد و تمامی روز او را مبارک خواهد خواند.

۲۱ اما دل من تلخ شده بود و در اندرون خود،
دل ریش شده بودم.

۲۲ و من وحشی بودم و معرفت نداشتم و مثل
چهار پایان نزد تو گردیدم.

۲۳ ولی من دائماً با تو هستم. تو دست راست
مرا تأیید کرده‌ای.

۲۴ موافق رأی خود مرا هدایت خواهی نمود
و بعد از این مرا به جلال خواهی رسانید.

۲۵ کیست برای من در آسمان؟ و غیر از تو
هیچ چیز را در زمین نمی‌خواهم.

۲۶ اگرچه جسد و دل من زائل گردد، اما
صخرهٔ دلم و سهم من خداست تا ابدالآباد.

۲۷ زیرا آنانی که از تو دورند هلاک خواهند
شد. و آنانی را که از تو زنا می‌کنند، نابود
خواهی ساخت.

۲۸ و اما مرا نیکوست که به خدا تقرب جویم.
بر خداوند بیهوده توکل کرده‌ام تا همهٔ کارهای تو
را بیان کنم.

دعا برای نجات قوم

قصیدهٔ آساف

چرا ای خدا ما را ترک کرده‌ای تا به
ابد و خشمم تو بر گوسفندان مرتع
خود افروخته شده است؟

۲ جماعت خود را که از قدیم خریده‌ای، به
یاد آور و آن را که فدیهِ داده‌ای تا سبط میراث
تو شود و این کوه صهیون را که در آن ساکن
بوده‌ای.

۳ قدمهای خود را بسوی خرابه‌های ابدی
بردار زیرا دشمن هرچه را که در قدس تو بود،

ظلم مثل لباس ایشان را می‌پوشاند.
۷ چشمان ایشان از فربهی بدر آمده است و از
خیالات دل خود تجاوز می‌کنند.

۸ تمسخر می‌کنند و حرفهای بد می‌زنند و
سخنان ظلم آمیز را از جای بلند می‌گویند.

۹ دهان خود را بر آسمانها گذارده‌اند و زبان
ایشان در جهان گردش می‌کند.

۱۰ پس قوم او بدینجا برمی‌گردند و آبهای
فراوان، بدیشان نوشانیده می‌شود.

۱۱ و ایشان می‌گویند: «خدا چگونه بداند و آیا
حضرت اعلیٰ علم دارد؟»

۱۲ اینک، اینان شریر هستند که همیشه
مطمئن بوده، در دولت‌مندی افزوده می‌شوند.

۱۳ یقیناً من دل خود را عبث طاهر ساخته و
دستهای خود را به پاکی شسته‌ام.

۱۴ و من تمامی روز مبتلا می‌شوم و تأدیب
من هر بامداد حاضر است.

۱۵ اگر می‌گفتم که چنین سخن گویم، به
راستی بر طبقهٔ فرزندان تو خیانت می‌کردم.

۱۶ چون تفکر کردم که این را بفهمم، در نظر
من دشوار آمد.

۱۷ تا به قدسهای خدا داخل شدم. آنگاه در
آخرت ایشان تأمل کردم.

۱۸ به راستی ایشان را در جایهای لغزنده
گذارده‌ای. ایشان را به خرابیها خواهی انداخت.

۱۹ چگونه بی‌خبر به هلاکت رسیده‌اند! تباه
شده، از ترسهای هولناک نیست گردیده‌اند.

۲۰ مثل خواب کسی چون بیدار شد، ای
خداوند همچنین چون برخیزی، صورت ایشان
را ناچیز خواهی شمرد.

- ۱۶ روز از آنِ توست و شب نیز از آنِ تو. نور و آفتاب را تو برقرار نمودهای.
- ۱۷ تمامی حدود جهان را تو پایدار ساخته‌ای. تابستان و زمستان را تو ایجاد کرده‌ای.
- ۱۸ ای خداوند این را به یادآور که دشمن ملامت می‌کند و مردم جاهل نام تو را اهانت می‌نمایند.
- ۱۹ جانِ فاخته خود را به جانور وحشی مسپار. جماعت مسکینان خود را تا به ابد فراموش مکن.
- ۲۰ عهد خود را ملاحظه فرما زیرا که ظلمات جهان از مسکنهای ظلم پراست.
- ۲۱ مظلومان به رسوایی برنگردند. مساکین و فقیران نام تو را حمد گویند.
- ۲۲ ای خدا برخیز و دعوی خود را برپا دار؛ و به یادآور که احمق تمامی روز تو را ملامت می‌کند.
- ۲۳ آواز دشمنان خود را فراموش مکن و غوغای مخالفان خود را که پیوسته بلند می‌شود.

خدا داور جهان

برای سالار مغتبان برلاتهاک. مزمور و سرود آساف

- تو را حمد می‌گوییم! ای خدا تو را حمد می‌گوییم! زیرا نام تو نزدیک است و مردم کارهای عجیب تو را ذکر می‌کنند.
- ۲ هنگامی که به زمان معین برسم، به راستی دآوری خواهم کرد.
- ۳ زمین و جمیع ساکنانش گداخته شده‌اند. من ارکان آن را برقرار نمودم، سیلاه.

۷۵

- خراب کرده است.
- ۴ دشمنان در میان جماعت تو غرّش می‌کنند و عَلم‌های خود را برای علامات برپا می‌نمایند.
- ۵ و ظاهر می‌شوند چون کسانی که تبرها را بر درختان جنگل بلند می‌کنند.
- ۶ و الآن همه نقشهای تراشیده آن را به تبرها و چکشها خرد می‌شکنند.
- ۷ قدس‌های تو را آتش زده‌اند و مسکن نام تو را تا به زمین بی‌حرمت کرده‌اند.
- ۸ و در دل خود می‌گویند: «آنها را تماماً خراب می‌کنیم.» پس جمیع کنیسه‌های خدا را در زمین سوزانیده‌اند.
- ۹ آیات خود را نمی‌بینیم و دیگر هیچ نبی نیست. و در میان ما کسی نیست که بداند تا به کی خواهد بود.
- ۱۰ ای خدا، دشمن تا به کی ملامت خواهد کرد؟ و آیا دشمن، تا به ابد نام تو را اهانت خواهد نمود؟
- ۱۱ چرا دست خود، یعنی دست راست خویش را برگردانیده‌ای؟ آن را از گریبان خود بیرون کشیده، ایشان را فانی کن.
- ۱۲ و خدا از قدیم پادشاه من است. او در میان زمین نجاتها پدید می‌آورد.
- ۱۳ تو به قوّت خود دریا را شکافتی و سرهای نهنگان را در آنها شکستی.
- ۱۴ سرهای لویاتان را کوفته، و او را خوراک صحرانشینان گردانیده‌ای.
- ۱۵ تو چشمه‌ها و سیلها را شکافتی و نهرهای دائمی را خشک گردانیدی.

۶ از توبیخ تو ای خدای یعقوب، بر ارا به‌ها و اسبان خوابی گران مستولی گردید.
 ۷ تو مهیب هستی، تو! و در حین غضبت، کیست که به حضور تو ایستد؟
 ۸ از آسمان داوری را شنوایدی. پس جهان بترسید و ساکت گردید.
 ۹ چون خدا برای داوری قیام فرماید تا همهٔ مساکین جهان را خلاصی بخشد، سیاه،
 ۱۰ آنگاه خشم انسان تو را حمد خواهد گفت، و باقی خشم را بر کمر خود خواهی بست.
 ۱۱ نذر کنید و وفا نمایید برای یهوه خدای خود. همه که گرداگرد او هستند، هدیه بگذرانند نزد او که مهیب است.
 ۱۲ روح رؤسا را منقطع خواهد ساخت و برای پادشاهان جهان مهیب می‌باشد.

راحت در روز تنگی

برای سالار مغتیا بر یابوتون. مزمور آساف

۷۷ آواز من بسوی خداست و فریاد می‌کنم؛ آواز من بسوی خداست. گوش خود را به من فرا خواهد گرفت.
 ۲ در روز تنگی خود خداوند را طلب کردم. در شب، دست من دراز شده، بازکشیده نگشت و جان من تسلی نپذیرفت.
 ۳ خدا را یاد می‌کنم و پریشان می‌شوم. تفکر می‌نمایم و روح من متحیر می‌گردد، سلاه.
 ۴ چشمانم را بیدار می‌داستی. بی‌تاب می‌شدم و سخن نمی‌توانستم گفت.
 ۵ دربارهٔ ایام قدیم تفکر کرده‌ام. دربارهٔ سالهای زمان‌های گذشته.

۴ متکبران را گفتم: «فخر مکنید!» و به شریران که «شاخ خود را میفزاید. و شاخ‌های خود را به بلندی میفزاید. و با گردنکشی سخنان تکبرآمیز مگویید.»
 ۶ زیرا نه از مشرق و نه از مغرب، و نه از جنوب سرافرازی می‌آید.
 ۷ اما خدا، داور است. این را به زیر می‌اندازد و آن را سرافراز می‌نماید.
 ۸ زیرا در دست خداوند کاسه‌ای است و بادهٔ آن پر جوش. از شراب ممزوج پر است که از آن می‌ریزد. و اما دُردهایش را جمیع شریران جهان افشوده، خواهند نوشید.
 ۹ و اما من، تا به ابد ذکر خواهم کرد و برای خدای یعقوب ترنم خواهم نمود.
 ۱۰ جمیع شاخهای شریران را خواهم برید و اما شاخهای صالحین برافراشته خواهد شد.

مجد خدا

برای سالار مغتیا بر زوات اوتار. مزمور و سرود آساف

۷۶ خدا در یهودا معروف است و نام او در اسرائیل عظیم!
 ۲ خیمهٔ او است در شالیم و مسکن او در صهیون.
 ۳ در آنجا، کمانهای آتشین را شکست. سپر و شمشیر و جنگ را، سیلاه.
 ۴ تو جلیل هستی و مجید، زیاده از کوه‌های یغما!
 ۵ قوی دلان تاراج شده‌اند و خواب ایشان را در ربود و همهٔ مردان زورآور دست خود را نیافتند.

۱۹ طریق تو در دریاست و راه‌های تو در
آبهای فراوان و آثار تو را نتوان دانست.
۲۰ قوم خود را مثل گوسفندان راهنمایی
نمودی، به دست موسی و هارون.

قوم خدا

قصیده آساف

۷۸ ای قوم من شریعت مرا بشنوید!
گوشهای خود را به سخنان دهانم
فراگیرید!

۲ دهان خود را به مثل باز خواهم کرد به
چیزهایی که از بنای عالم مخفی بود، صحبت
خواهم نمود،

۳ که آنها را شنیده و دانسته‌ام و پدران ما
برای ما بیان کرده‌اند.

۴ از فرزندان ایشان آنها را پنهان نخواهیم
کرد. تسبیحات خداوند را برای نسل آینده بیان
می‌کنیم و قوت او و اعمال عجیبی را که او
کرده است.

۵ زیرا که شهادتی در یعقوب برپا داشت و
شریعتی در اسرائیل قرار داد و پدران ما را امر
فرمود که آنها را به فرزندان خود تعلیم دهند؛
۶ تا نسل آینده آنها را بدانند و فرزندان
می‌بایست مولود شوند تا ایشان برخیزند و آنها
را به فرزندان خود بیان نمایند؛

۷ و ایشان به خدا توکل نمایند و اعمال خدا را
فراموش نکنند، بلکه احکام او را نگاه دارند.

۸ و مثل پدران خود نسلی گردنکش و
فته‌انگیز نشوند، نسلی که دل خود را راست
نساختند و روح ایشان بسوی خدا امین نبود.

۶ سرود شبانه خود را به خاطر می‌آورم و در
دل خود تفکر می‌کنم و روح من تفتیش نموده
است.

۷ مگر خدا تا به ابد ترک خواهد کرد و دیگر
هرگز راضی نخواهد شد.

۸ آیا رحمت او تا به ابد زایل شده است؟ و
قول او باطل گردیده تا ابدالآباد؟

۹ آیا خدا رأفت را فراموش کرده؟ و رحمت‌های
خود را در غضب مسدود ساخته است؟ سلاه.

۱۰ پس گفتم این ضعف من است. زهی
سالهای دست راست حضرت اعلی!

۱۱ کارهای خداوند را ذکر خواهم نمود
زیرا کار عجیب تو را که از قدیم است، به یاد
خواهم آورد

۱۲ و در جمیع کارهای تو تأمل خواهم کرد و
در صنعت‌های تو تفکر خواهم نمود.

۱۳ ای خدا، طریق تو در قدوسیت است.
کیست خدای بزرگ مثل خدا؟

۱۴ تو خدایی هستی که کارهای عجیب
می‌کنی و قوت خویش را بر قومه‌ها معروف
گردانیده‌ای.

۱۵ قوم خود را به بازوی خویش رهانیده‌ای،
یعنی بنی‌یعقوب و بنی‌یوسف را. سلاه.
۱۶ آنها تو را دید، ای خدا، آنها تو را دیده،
متزلزل شد. لجه‌ها نیز سخت مضطرب گردید.

۱۷ ابرها آب بریخت و افلاک رعد بداد.
تیرهای تو نیز به هر طرف روان گردید.

۱۸ صدای رعد تو در گردباد بود و برق‌ها ربع
مسکون را روشن کرد. پس زمین مرتعش و
متزلزل گردید.

- ۹ بنی‌افرایم که مسلح و کمان‌کش بودند، در روز جنگ رو برتافتند.
- ۱۰ عهد خدا را نگاه نداشتند و از سلوک به شریعت او ابا نمودند،
- ۱۱ و اعمال و عجایب او را فراموش کردند که آنها را بدیشان ظاهر کرده بود،
- ۱۲ و در نظر پدران ایشان اعمال عجیب کرده بود، در زمین مصر و در دیار صوعن.
- ۱۳ دریا را شکافته، ایشان را عبور داد و آنها را مثل توده برپا نمود.
- ۱۴ و ایشان را در روز به ابر راهنمایی کرد و تمامی شب به نور آتش.
- ۱۵ در صحرا صخره‌ها را بشکافت و ایشان را گویا از لجه‌های عظیم نوشانید.
- ۱۶ پس سیلها را از صخره بیرون آورد و آب را مثل نهرها جاری ساخت.
- ۱۷ و بار دیگر بر او گناه ورزیدند و بر حضرت اعلیٰ در صحرا فتنه‌انگیختند،
- ۱۸ و در دل‌های خود خدا را امتحان کردند، چونکه برای شهوات خود غذا خواستند.
- ۱۹ و بر ضد خدا تکلم کرده، گفتند: «آیا خدا می‌تواند در صحرا سفره‌ای حاضر کند؟»
- ۲۰ اینک، صخره را زد و آنها روان شد و وادیها جاری گشت. «آیا می‌تواند نان را نیز بدهد. و گوشت را برای قوم خود حاضر سازد؟»
- ۲۱ پس خدا این را شنیده، غضبناک شد و آتش در یعقوب افروخته گشت و خشم بر اسرائیل مشتعل گردید.
- ۲۲ زیرا به خدا ایمان نیاوردند و به نجات او
- اعتقاد نمودند.
- ۲۳ پس ابرها را از بالا امر فرمود و درهای آسمان را گشود
- ۲۴ و منّ را بر ایشان بارانید تا بخورند و غله آسمان را بدیشان بخشید.
- ۲۵ مردمان، نان زورآوران را خوردند و آذوقه‌ای برای ایشان فرستاد تا سیر شوند.
- ۲۶ باد شرقی را در آسمان وزانید و به قوت خود، باد جنوبی را آورد،
- ۲۷ و گوشت را برای ایشان مثل غبار بارانید و مرغان بالدار را مثل ریگ دریا.
- ۲۸ و آن را در میان اُردوی ایشان فرود آورد، گرداگرد مسکن‌های ایشان.
- ۲۹ پس خوردند و نیکو سیر شدند و موافق شهوات ایشان بدیشان داد.
- ۳۰ ایشان از شهوت خود دست نکشیدند. و غذا هنوز در دهان ایشان بود
- ۳۱ که غضب خدا بر ایشان افروخته شده؛ تنومندان ایشان را بکشت و جوانان اسرائیل را هلاک ساخت.
- ۳۲ با وجود این همه، باز گناه ورزیدند و به اعمال عجیب او ایمان نیاوردند.
- ۳۳ بنابراین، روزهای ایشان را در بطالت تمام کرد و سالهای ایشان را در ترس.
- ۳۴ هنگامی که ایشان را کُشت او را طلبیدند و بازگشت کرده، درباره‌ی خدا تفحص نمودند،
- ۳۵ و به یاد آوردند که خدا صخره‌ایشان، و خدای تعالیٰ ولیّ ایشان است.
- ۳۶ اما به دهان خود او را تملّی نمودند و به زبان خویش به او دروغ گفتند،

۵۰ و راهی برای غضب خود مهیا ساخته، جان ایشان را از مرگ نگاه نداشت، بلکه جان ایشان را به وبا تسلیم نمود.

۵۱ و همهٔ نخست‌زادگان مصر را کشت، اوایل قوت ایشان را در خیمه‌های حام.

۵۲ و قوم خود را مثل گوسفندان کوچانید و ایشان را در صحرا مثل گله راهنمایی نمود.

۵۳ و ایشان را در امنیت رهبری کرد تا نترسند و دریا دشمنان ایشان را پوشانید.

۵۴ و ایشان را به حدود مقدّس خود آورد، بدین کوهی که به دست راست خود تحصیل کرده بود.

۵۵ و آمت‌ها را از حضور ایشان راند و میراث را برای ایشان به ریسمان تقسیم کرد و اسباط اسرائیل را در خیمه‌های ایشان ساکن گردانید.

۵۶ اما خدای تعالی را امتحان کرده، بدو فتنه انگیزتند و شهادت او را نگاه نداشتند.

۵۷ و برگشته، مثل پدران خود خیانت ورزیدند و مثل کمان خطاکننده منحرف شدند.

۵۸ و به مقامهای بلند خود خشم او را به هیجان آوردند و به بت‌های خویش غیرت او را جنبش دادند.

۵۹ چون خدا این را بشنید غضبناک گردید و اسرائیل را به شدت مکروه داشت.

۶۰ پس مسکن شیلو را ترک نمود، آن خیمه‌ای را که در میان آدمیان برپا ساخته بود،

۶۱ و [تابوت] قوت خود را به اسیری داد و جمال خویش را به دست دشمن سپرد،

۶۲ و قوم خود را به شمشیر تسلیم نمود و با میراث خود غضبناک گردید.

۳۷ زیرا که دل ایشان با او راست نبود و به عهد وی وفادار نبودند.

۳۸ اما او به حسب رحمانیتش گناه ایشان را عفو نموده، ایشان را هلاک نساخت بلکه بارها غضب خود را برگردانیده، تمامی خشم خویش را برنیزگیزت.

۳۹ و به یاد آورد که ایشان بشرند، بادی که می‌رود و بر نمی‌گردد.

۴۰ چند مرتبه در صحرا بدو فتنه انگیزتند و او را در بادیه رنجانیدند.

۴۱ و برگشته، خدا را امتحان کردند و قدوس اسرائیل را اهانت نمودند،

۴۲ و قوت او را به خاطر نداشتند، روزی که ایشان را از دشمن رهانیده بود؛

۴۳ که چگونه آیات خود را در مصر ظاهر ساخت و معجزات خود را در دیار صوعن.

۴۴ و نه‌های ایشان را به خون مبدل نمود و رودهای ایشان را تا نتوانستند نوشید.

۴۵ انواع پشه‌ها در میان ایشان فرستاد که ایشان را گزیدند و گوکهایی که ایشان را تباہ نمودند؛

۴۶ و محصول ایشان را به کرم صد پا سپرد و عمل ایشان را به ملخ داد.

۴۷ تا کاستان ایشان را به تگرگ خراب کرد و درختان جُمیز ایشان را به تگرگهای درشت.

۴۸ چهار پایان ایشان را به تگرگ سپرد و مواشی ایشان را به شعله‌های برق.

۴۹ و آتش خشم خود را بر ایشان فرستاد، غضب و غیظ و کاستی را، به فرستادن فرشتگان شریر.

۳ خون ایشان را گرداگرد اورشلیم مثل آب ریختند و کسی نبود که ایشان را دفن کند.
 ۴ نزد همسایگان خود عار گردیده‌ایم و نزد مجاوران خویش تمسخر و ریشخند شده‌ایم.
 ۵ تا کی ای خداوند تا به ابد خشمناک خواهی بود؟ آیا غیرت تو مثل آتش افروخته خواهد شد تا ابدالآباد؟

۶ قهر خود را بر امت‌هایی که تو را نمی‌شناسند بریز و بر ممالکی که نام تو را نمی‌خوانند!
 ۷ زیرا که یعقوب را خورده، و مسکن او را خراب کرده‌اند.

۸ گناهان اجداد ما را بر ما به یاد میاورد. رحمت‌های تو بزودی پیش روی ما آید زیرا که بسیار ذلیل شده‌ایم.

۹ ای خدا، ای نجات‌دهنده ما، به خاطر جلال نام خود ما را یاری فرما و ما را نجات ده و به خاطر نام خود گناهان ما را بیامرز.
 ۱۰ چرا امت‌ها گویند که خدای ایشان کجاست؟ انتقام خون بندگان که ریخته شده است، بر امت‌ها در نظر ما معلوم شود.

۱۱ ناله اسیران به حضور تو برسد. به حسب عظمت بازوی خود آنانی را که به مرگ سپرده شده‌اند، برهان.

۱۲ و جزای هفت چندان به آغوش همسایگان ما رسان، برای اهانتی که به تو کرده‌اند، ای خداوند.

۱۳ پس ما که قوم تو و گوسفندان مرتع تو هستیم، تو را تا به ابد شکر خواهیم گفت و تسبیح تو را نسلاً بعد نسل ذکر خواهیم نمود.

۶۳ جوانان ایشان را آتش سوزانید و برای دوشیزگان ایشان سرود نکاح نشد.
 ۶۴ کاهنان ایشان به دم شمشیر افتادند و بیهوهای ایشان نوحه‌گری ننمودند.
 ۶۵ آنگاه خداوند مثل کسی که خوابیده بود بیدار شد، مثل جباری که از شراب می‌خروشد، و دشمنان خود را به عقب زد و ایشان را عار ابدی گردانید.

۶۷ و خیمه یوسف را رد نموده، سبط افرایم را برگزید.
 ۶۸ اما سبط یهودا را برگزید و این کوه صهیون را که دوست می‌داشت.

۶۹ و قدس خود را مثل کوه‌های بلند بنا کرد، مثل جهان که آن را تا ابدالآباد بنیاد نهاد.
 ۷۰ و بنده خود داود را برگزید و او را از آغلهای گوسفندان گرفت.

۷۱ از عقب میشهای شیرده او را آورد تا قوم او یعقوب و میراث او اسرائیل را رعایت کند.
 ۷۲ پس ایشان را به حسب کمال دل خود رعایت نمود و ایشان را به مهارت دستهای خویش هدایت کرد.

دعا برای نجات قوم

مزمور آساف

۷۹ ای خدا، امت‌ها به میراث تو داخل شده، هیکل قدس تو را بی‌عصمت ساختند. اورشلیم را خرابه‌ها نمودند.
 ۲ لاشهای بندگان را به مرغان هوا برای خوراک دادند و گوشت مقدّسات را به وحوش صحرا.

دعا برای تفقد از قوم

برای سالار مغنیان. شهادتی بر سوسنهای. مزموآساف

- ۸۰ ای شبان اسرائیل بشنو! ای که یوسف را مثل گله رعایت می کنی! ای که بر کرویین جلوس نموده ای، تجلی فرما! ۲ به حضور افرایم و بنیامین و منسی، توانایی خود را برانگیز و برای نجات ما بیا! ۳ ای خدا ما را باز آور و روی خود را روشن کن تا نجات یابیم! ۴ ای یهوه، خدای صباوت، تا به کی به دعای قوم خویش غضبناک خواهی بود، ۵ نان ماتم را بدیشان می خورانی و اشکهای بی اندازه بدیشان می نوشانی؟ ۶ ما را محل منازعه همسایگان ما ساخته ای و دشمنان ما در میان خویش تمسخر می نمایند. ۷ ای خدای لشکرها ما را باز آور و روی خود را روشن کن تا نجات یابیم! ۸ موی را از مصر بیرون آوردی. امت ها را بیرون کرده، آن را غرس نمودی. ۹ پیش روی آن را وسعت دادی. پس ریشه خود را نیکو زده، زمین را پر ساخت. ۱۰ کوه ها به سایه اش پوشانیده شد و سروهای آزاد خدا به شاخه هایش. ۱۱ شاخه های خود را تا به دریا پهن کرد و فرعهای خویش را تا به نهر. ۱۲ پس چرا دیوارهایش را شکسته ای که هر راهگذری آن را می چیند؟ ۱۳ گرازهای جنگل آن را ویران می کنند و وحوش صحرا آن را می چرند. ۱۴ ای خدای لشکرها رجوع کرده، از آسمان

- نظر کن و بین و از این تاک تفقد نما ۱۵ و از این نهالی که دست راست تو غرس کرده است و از آن پسری که برای خویشتن قوی ساخته ای! ۱۶ مثل هیزم در آتش سوخته شده و از عتاب روی تو تباه گردیده اند! ۱۷ دست تو بر مرد دست راست تو باشد و بر پسر آدم که او را برای خویشتن قوی ساخته ای. ۱۸ و ما از تو رو نخواهیم تافت. ما را حیات بده تا نام تو را بخوانیم. ۱۹ ای یهوه، خدای لشکرها ما را باز آور و روی خود را روشن ساز تا نجات یابیم.

پیروی از خداوند

برای سالار مغنیان برحمتت. مزموآساف.

- ۸۱ ترتم نمایم برای خدایی که قوت ماست. برای خدای یعقوب آواز شادمانی دهید! ۲ سرود را بلند کنید و دف را بیاورید و بربط دلنواز را با رباب! ۳ شیپور را بنوازید در اول ماه، در ماه تمام و در روز عید ما. ۴ زیرا که این فریضه ای است در اسرائیل و حکمی از خدای یعقوب. ۵ این را شهادتی در یوسف تعیین فرمود، چون بر زمین مصر بیرون رفت، جایی که لغتی را که نفهمیده بودم شنیدم: ۶ دوش او را از بار سنگین آزاد ساختم و دستهای او از سبدها شد. ۷ در تنگی استدعا نمودی و تو را خلاصی

۳ فقیران و یتیمان را دادرسی بکنید. مظلومان و مسکینان را انصاف دهید.
 ۴ مظلومان و فقیران را برهانید و ایشان را از دست شیریران خلاصی دهید.»
 ۵ «نمی‌دانند و نمی‌فهمند و در تاریکی راه می‌روند و جمیع اساس زمین متزلزل می‌باشد.
 ۶ من گفتم که شما خدایانید و جمیع شما فرزندان حضرت اعلیٰ.
 ۷ اما مثل آدمیان خواهید مرد و چون یکی از سروران خواهید افتاد!»
 ۸ ای خدا بر خیز و جهان را داوری فرما زیرا که تو تمامی امت‌ها را متصرف خواهی شد.»

دعا برای شکست دشمنان

سرود و مزمور آساف

ای خدا تو را خاموشی نباشد! ای خدا ساکت مباش و می‌ارام!
 ۲ زیرا اینک، دشمنان تو شورش می‌کنند و آنانی که از تو نفرت دارند، سر خود را برافراشته‌اند.
 ۳ بر قوم تو حيله‌ها می‌اندیشند و بر پناه آوردگان تو مشورت می‌کنند.
 ۴ و می‌گویند: «بیا باید ایشان را هلاک کنیم تا قومی نباشند و نام اسرائیل دیگر مذکور نشود.»
 ۵ زیرا به یک دل با هم مشورت می‌کنند و بر ضد تو عهد بسته‌اند.
 ۶ خیمه‌های آذوم و اسماعیلیان و موآب و هاجریان.
 ۷ جبال و عمّون و عمالیق و فلسطین با ساکنان صور.

دادم. در جای مخفی رعد، تو را اجابت کردم و تو را نزد آب مرّیه امتحان نمودم. سلاه.
 ۸ «ای قوم من بشنو و تو را تأکید می‌کنم. و ای اسرائیل اگر به من گوش دهی.
 ۹ در میان تو خدای غیر نباشد و نزد خدای بیگانه سجده منما.
 ۱۰ من یهوه خدای تو هستم که تو را از زمین مصر بر آوردم. دهان خود را نیکو باز کن و آن را پر خواهیم ساخت.
 ۱۱ اما قوم من سخن مرا نشنیدند و اسرائیل مرا ابا نمودند.
 ۱۲ پس ایشان را به سختی دلشان ترک کردم که به مشورت‌های خود سلوک نمایند.
 ۱۳ ای کاش که قوم من به من گوش می‌گرفتند و اسرائیل در طریق‌های من سالک می‌بودند.
 ۱۴ آنگاه دشمنان ایشان را بزودی به زیر می‌انداختم و دست خود را بردشمنان ایشان برمی‌گردانیدم.
 ۱۵ آنانی که از خداوند نفرت دارند بدو گردن می‌نهادند. اما زمان ایشان باقی می‌بود تا ابدالآباد.
 ۱۶ ایشان را به نیکوترین گندم می‌پرورد؛ و تو را به عسل از صخره سیر می‌کردم.»

خدا در جماعت خدا

مزمور آساف

خدا در جماعت خدا ایستاده است، در میان خدایان داوری می‌کند:
 ۲ «تا به کی به بی‌انصافی داوری خواهید کرد و شیریران را طرفداری خواهید نمود؟ سلاه.

۸ آشور نیز با ایشان متفق شدند و بازویی

برای بنی لوط گردیدند، سلاه.

۹ بدیشان عمل نما چنانکه به مدیان کردی،

چنانکه به سیسرا و یابین در وادی قیشون،

۱۰ که در عیندور هلاک شدند و سرگین برای

زمین گردیدند.

۱۱ سروان ایشان را مثل غراب و ذئب گردان

و جمیع امرای ایشان را مثل ذئب و صلْمُاع،

۱۲ که می گفتند: «مساکن خدا را برای

خویشتن تصرف نماییم.»

۱۳ ای خدای من، ایشان را چون غبارِ گردباد

بباز و مانند کاه پیش روی باد.

۱۴ مثل آتشی که جنگل را می سوزاند و مثل

شعله‌ای که کوه‌ها را مشتعل می سازد.

۱۵ همچنان ایشان را به تند باد خود بران و به

طوفان خویش ایشان را آشفته گردان.

۱۶ رویهای ایشان را به ذلت پر کن تا نام تو را

ای خداوند بطلبند.

۱۷ خجل و پریشان بشوند تا ابدالآباد و

شرمنده و هلاک گردند.

۱۸ و بدانند تو که سمت یهوه می باشی، به

تنها بر تمامی زمین متعال هستی.

انشتیاق برای خانه خدا

برای سالار معتنان برجیت. مزمور بنی قورح

ای یهوه صباپوت، چه دلپذیر است

مسکنهای تو!

۸۴

۲ جان من مشتاق، بلکه کاهیده شده است

برای صحنهای خداوند. دلم و جسمم برای

خدای حی فریاد می زند.

۳ گنجشک نیز برای خود خانه‌ای پیدا کرده

است و پرستوک برای خویشتن آشیانه‌ای تا

بچه‌های خود را در آن بگذارد، در مذبحهای

تو ای یهوه صباپوت که پادشاه من و خدای من

هستی.

۴ برکت می گیرند آنانی که در خانه تو ساکنند

که تو را دائماً تسبیح می خوانند، سلاه.

۵ برکت می گیرند مردمانی که قوت ایشان در

تو است و طریق‌های تو در دل‌های ایشان.

۶ چون از دره بکا عبور می کنند، آن را چشمه

می سازند و باران آن را به برکات می پوشانند.

۷ از قوت تا قوت می خرامند و هر یک از

ایشان در صهیون نزد خدا حاضر می شوند.

۸ ای یهوه خدای لشکرها! دعای مرا بشنو!

ای خدای یعقوب گوش خود را فراگیر! سلاه.

۹ ای خدایی که سپر ما هستی، ببین و به روی

مسیح خود نظر انداز.

۱۰ زیرا یک روز در صحنهای تو بهتر است

از هزار. ایستادن بر آستانه خانه خدای خود را

بیشتر می پسندم از ساکن شدن در خیمه‌های

اشار.

۱۱ زیرا که یهوه خدا آفتاب و سپر است.

خداوند فیض و جلال خواهد داد و هیچ چیز

نیکو را منع نخواهد کرد از آنانی که به راستی

سالک باشند.

۱۲ ای یهوه صباپوت، برکت می گیرد کسی که

بر تو توکل دارد.

دعا برای سعادت قوم

برای سالار مغنیان، مزبور بنی قورح

۸۵ ای خداوند از زمین خود راضی شده‌ای. اسیری یعقوب را باز آورده‌ای.

۲ عصیان قوم خود را عفو کرده‌ای. تمامی گناهان ایشان را پوشانیده‌ای، سلاه.

۳ تمامی غضب خود را برداشته و از حدت خشم خویش رجوع کرده‌ای.

۴ ای خدای نجات ما، ما را برگردان و غیظ خود را از ما بردار.

۵ آیا تا به ابد با ما غضبناک خواهی بود؟ و خشم خویش را نسلاً بعد نسل طول خواهی داد؟

۶ آیا برگشته ما را حیات نخواهی داد تا قوم تو در تو شادی نمایند؟

۷ ای خداوند رحمت خود را بر ما ظاهر کن و نجات خویش را به ما عطا فرما.

۸ آنچه خدا یهوه می‌گوید خواهیم شنید زیرا به قوم خود و به مقدّسان خویش در صلح خواهد گفت تا بسوی جهالت برنگردند.

۹ یقیناً نجات او به ترسندگان او نزدیک است تا جلال در زمین ما ساکن شود.

۱۰ رحمت و راستی با هم ملاقات کرده‌اند. عدالت و صلح یکدیگر را رسیده‌اند.

۱۱ راستی از زمین خواهد رویید و عدالت از آسمان خواهد نگریست.

۱۲ خداوند نیز چیزهای نیکو را خواهد

بخشید و زمین ما محصول خود را خواهد داد.

۱۳ عدالت پیش روی او خواهد خرامید و آثار

خود را طریقی خواهد ساخت.

دعا برای نجات

دعای داود

۸۶ ای خداوند گوش خود را فرا گرفته، مرا مستجاب فرما زیرا مسکین و نیازمند هستم!

۲ جان مرا نگاه دار زیرا من متقی هستم. ای خدای من، بنده خود را که بر تو توکل دارد، نجات بده.

۳ ای خداوند بر من کرم فرما زیرا که تمامی روز تو را می‌خوانم!

۴ جان بنده خود را شادمان گردان زیرا ای خداوند جان خود را نزد تو برمی‌دارم.

۵ زیرا تو ای خداوند، نیکو و غفار هستی و بسیار رحیم برای آنانی که تو را می‌خوانند.

۶ ای خداوند دعای مرا اجابت فرما و به آواز تضرع من توجه نما!

۷ در روز تنگی خود تو را خواهیم خواند زیرا که مرا مستجاب خواهی فرمود.

۸ ای خداوند در میان خدایان مثل تو نیست و کاری مثل کارهای تو نی.

۹ ای خداوند همه امت‌هایی که آفریده‌ای آمده، به حضور تو سجده خواهند کرد و نام تو را تمجید خواهند نمود.

۱۰ زیرا که تو بزرگ هستی و کارهای عجیب می‌کنی. تو تنها خدا هستی.

۱۱ ای خداوند طریق خود را به من بیاموز تا

در راستی تو سالک شوم. دل مرا واحد ساز تا

از نام تو ترسان باشم.

آن را استوار خواهد نمود.
 ۶ خداوند چون امت‌ها را می‌نویسد، ثبت خواهد کرد که این در آنجا متولد شده است،
 سیلاه.
 ۷ مغتیبان و رقص کنندگان نیز. جمیع چشمه‌های من در تو است.

فریاد کمک

سرود و زمزمور بنی قورح برای سالار مغتیبان بر مَحَلَّتْ
 لَعْنُوْتُ. قصیدهٔ هیمان آزرachi
 ای یَهُوه خدای نجات من، شب و روز نزد تو فریاد کرده‌ام.
 ۲ دعای من به حضور تو برسد، به نالهٔ من گوش خود را فراگیر.



۳ زیرا که جان من از بلایا پر شده است و زندگانی‌ام به قبر نزدیک گردیده.
 ۴ از فروروندگان به هاویه شمرده شده‌ام و مثل مرد بی‌قوت گشته‌ام.
 ۵ در میان مردگان تنها شده، مثل کشتگان که در قبر خوابیده‌اند، که ایشان را دیگر به یاد نخواهی آورد و از دست تو جدا شده‌اند.
 ۶ مرا در هاویهٔ اسفل گذاشته‌ای، در ظلمت در ژرفیها.
 ۷ خشم تو بر من سنگین شده است و به همهٔ امواج خود مرا مبتلا ساخته‌ای، سیلاه.
 ۸ آشنایانم را از من دور کرده، و مرا مکروه ایشان گردانیده‌ای. محبوس شده، بیرون نمی‌توانم آمد.

۹ چشمانم از مذلت کاهیده شد. ای خداوند، نزد تو فریاد کرده‌ام تمامی روز. دستهای خود

۱۲ ای خداوند خدای من، تو را به تمامی دل حمد خواهم گفت و نام تو را تمجید خواهم کرد تا ابدالآباد.
 ۱۳ زیرا که رحمت تو به من عظیم است و جان مرا از هاویهٔ اسفل رهانیده‌ای.
 ۱۴ ای خدا متکبران بر من برخاسته‌اند و گروهی از ظالمان قصد جان من دارند و تو را در مد نظر خود نمی‌آورند.

۱۵ و تو ای خداوند خدای رحیم و کریم هستی. دیر غضب و پُر از رحمت و راستی.
 ۱۶ بسوی من التفات کن و بر من کرم فرما. قوت خود را به بنده‌ات بده و پسر کنیز خود را نجات بخش.

۱۷ علامت خوبی را به من بنما تا آنانی که از من نفرت دارند آن را دیده، خجل شوند زیرا که تو ای خداوند مرا کمک کرده و تسلی داده‌ای.

در وصف اورشلیم

زمزمور و سرود بنی قورح
 اساس او در کوه‌های مقدّس است.
 ۲ خداوند دروازه‌های صهیون را دوست می‌دارد، بیشتر از جمیع مسکنهای یعقوب.



۳ سخنهای مجید دربارهٔ تو گفته می‌شود، ای شهر خدا! سیلاه.
 ۴ رَهَب و بابل را از شناسندگان خود ذکر خواهم کرد. اینک، فلسطین و صور و حبش، این در آنجا متولد شده است.
 ۵ و دربارهٔ صهیون گفته خواهد شد که این و آن در آن متولد شده‌اند. و خود حضرت اعلیٰ

- ۳ با برگزیده خود عهد بسته‌ام. برای بنده
خویش داود قسم خورده‌ام.
- ۴ که نسل تو را پایدار خواهیم ساخت تا
ابدالآباد و تخت تو را نسلاً بعد نسل بنا خواهیم
نمود، سلاه.
- ۵ و آسمانها کارهای عجیب تو را ای خداوند
تمجید خواهند کرد و امانت تو را در جماعت
مقدّسان.
- ۶ زیرا کیست در آسمانها که با خداوند برابری
تواند کرد؟ و از فرزندان زورآوران که را با
خداوند تشبیه توان نمود؟
- ۷ خدا بی نهایت مهیب است در جماعت
مقدّسان و ترسناک است بر آنانی که گرداگرد
او هستند.
- ۸ ای یهوه خدای لشکرها کیست ای یاه قدیر
مانند تو؟ و امانت تو، تو را احاطه می‌کند.
- ۹ بر تکبر دریا تو مسلط هستی. چون
امواجش بلند می‌شود، آنها را ساکن می‌گردانی.
- ۱۰ رهب را مثل کشته شده خرد شکسته‌ای.
به بازوی زورآور خویش دشمنانت را پراکنده
نموده‌ای.
- ۱۱ آسمان از آن تو است و زمین نیز از آن تو.
ربع مسکون و پری آن را تو بنیاد نهاده‌ای.
- ۱۲ شمال و جنوب را تو آفریده‌ای. تابور و
حرمون به نام تو شادی می‌کنند.
- ۱۳ بازوی تو با قوت است. دست تو زورآور
است و دست راست تو متعال.
- ۱۴ عدالت و انصاف اساس تخت تو است.
رحمت و راستی پیش روی تو می‌خرامند.
- ۱۵ برکت می‌گیرد قومی که آواز شادمانی را
ساخت.
- راه به تو دراز کرده‌ام.
- ۱۰ آیا برای مردگان کاری عجیب خواهی
کرد؟ مگر مردگان برخاسته، تو را حمد خواهند
گفت؟ سلاه.
- ۱۱ آیا رحمت تو در قبر مذکور خواهد شد؟ و
امانت تو در هلاکت؟
- ۱۲ آیا کار عجیب تو در ظلمت اعلام می‌شود
و عدالت تو در زمین فراموشی؟
- ۱۳ و اما من نزد تو ای خداوند فریاد برآورده‌ام
و بامدادان دعای من در پیش تو می‌آید.
- ۱۴ ای خداوند چرا جان مرا ترک کرده، و
روی خود را از من پنهان نموده‌ای.
- ۱۵ من مستمند و از طفولیت مشرف بر مرگ
شده‌ام. ترسهای تو را متحمل شده، متحیر
گردیده‌ام.
- ۱۶ حدت خشم تو بر من گذشته است و
ترسهای تو مرا هلاک ساخته.
- ۱۷ مثل آب دور مرا گرفته است تمامی روز و
مرا از هر سو احاطه نموده.
- ۱۸ یاران و دوستان را از من دور کرده‌ای و
آشنایانم را در تاریکی.

دعا برای قوم

قصیده/بتان ازراحی

رحمتهای خداوند را تا به ابد
خواهم سراپید. امانت تو را به دهان
خود نسلاً بعد نسل اعلام خواهم کرد.

۲ زیرا گفتم رحمت بنا خواهد شد تا ابدالآباد
و امانت خویش را در افلاک پایدار خواهی
ساخت.

می‌دانند. در نور روی تو ای خداوند خواهند

خرامید.

۱۶ در نام تو شادمان خواهند شد تمامی روز
و در عدالت تو سرافراشته خواهند گردید.

۱۷ زیرا که فخر قوت ایشان تو هستی و به
رضامندی تو شاخ ما مرتفع خواهد شد.

۱۸ زیرا که سپر ما از آن خداوند است و
پادشاه ما از آن قدوس اسرائیل.

۱۹ آنگاه در عالم رؤیا به مقدس خود خطاب
کرده، گفتی که نصرت را بر مردی زور آور نهادم
و برگزیده‌ای از قوم را ممتاز کردم.

۲۰ بنده خود داود را یافتم و او را به روغن
مقدس خود مسح کردم.

۲۱ که دست من با او استوار خواهد شد.
بازوی من نیز او را قوی خواهد گردانید.

۲۲ دشمنی بر او ستم نخواهد کرد و هیچ پسر
ظلم بدو اذیت نخواهد رسانید.

۲۳ دشمنان او را پیش روی وی خواهم
گرفت و آنانی را که از او نفرت دارند مبتلا
خواهم گردانید.

۲۴ و امانت و رحمت من با وی خواهد بود و
در نام من شاخ او مرتفع خواهد شد.

۲۵ دست او را بر دریا مسلط خواهم ساخت
و دست راست او را بر نهرها.

۲۶ او مرا خواهد خواند که تو پدر من هستی،
خدای من و صخره نجات من.

۲۷ من نیز او را نخست‌زاده خود خواهم
ساخت، بلندتر از پادشاهان جهان.

۲۸ رحمت خویش را برای وی نگاه خواهم
داشت تا ابدالآباد و عهد من با او استوار خواهد

بود.

۲۹ و نسل وی را باقی خواهم داشت تا

ابدالآباد و تخت او را مثل روزهای آسمان.

۳۰ اگر فرزندانش شریعت مرا ترک کنند، و در
احکام من سلوک ننمایند،

۳۱ اگر فرایض مرا بشکنند، و اوامر مرا نگاه
ندارند،

۳۲ آنگاه معصیت ایشان را به عصا تأدیب
خواهم نمود و گناه ایشان را به تازیانه‌ها.

۳۳ اما رحمت خود را از او برنخواهم داشت
و امانت خویش را باطل نخواهم ساخت.

۳۴ عهد خود را نخواهم شکست و آنچه را از
دهانم صادر شد تغییر نخواهم داد.

۳۵ یک چیز را به قدوسیت خود قسم خوردم
و به داود هرگز دروغ نخواهم گفتم.

۳۶ که نسل او باقی خواهد بود تا ابدالآباد و
تخت او به حضور من مثل آفتاب،

۳۷ مثل ماه ثابت خواهد بود تا ابدالآباد و مثل
شاهد امین در آسمان، سلاه.

۳۸ اما تو ترک کرده‌ای و دور انداخته‌ای و با
مسیح خود غضبناک شده‌ای.

۳۹ عهد بنده خود را باطل ساخته‌ای و تاج او
را بر زمین انداخته، بی‌عصمت کرده‌ای.

۴۰ جمیع حصارهایش را شکسته و قلعه‌های
او را خراب نموده‌ای.

۴۱ همه راه‌گذران او را تاراج می‌کنند و او نزد
همسایگان خود عار گردیده است.

۴۲ دست راست دشمنان او را برافراشته، و
همه دشمنانش را مسرور ساخته‌ای.

۴۳ دم شمشیر او را نیز برگردانیده‌ای و او را

ربع مسکون را بیافرینی. از ازل تا به ابد تو خدا هستی.

۳ انسان را به غبار برمی گردانی، و می گویی ای بنی آدم رجوع نمایند.

۴ زیرا که هزار سال در نظر تو مثل دیروز است که گذشته باشد و مثل پاسی از شب.

۵ مثل سیلاب ایشان را رفته‌ای و مثل خواب شده‌اند. بامدادان مثل گیاهی که می‌روید.

۶ بامدادان می‌شکند و می‌روید. شامگاهان بریده و پژمرده می‌شود.

۷ زیرا که در غضب تو کاهیده می‌شویم و در خشم تو پریشان می‌گردیم.

۸ چونکه گناهان ما را در نظر خود گذارده‌ای و خفایای ما را در نور روی خویش.

۹ زیرا که تمام روزهای ما در خشم تو سپری شد و سالهای خود را مثل خیالی به سر برده‌ایم.

۱۰ ایام عمر ما هفتاد سال است و اگر از بُنیه، هشتاد سال باشد. اما فخر آنها محنت و بطلت

است زیرا به زودی تمام شده، پرواز می‌کنیم.

۱۱ کیست که شدت خشم تو را می‌داند و

غضب تو را چنانکه از تو می‌باید ترسید؟

۱۲ ما را تعلیم ده تا ایام خود را بشماریم تا دل خردمندی را حاصل نماییم.

۱۳ رجوع کن ای خداوند! تا به کی؟ و بر

بندگان خود شفقت فرما.

۱۴ صبحگاهان ما را از رحمت خود سیر کن تا تمامی عمر خود ترنم و شادی نماییم.

۱۵ ما را شادمان گردان به عوض ایامی که ما

را مبتلا ساختی و سالهایی که بدی را دیده‌ایم.

۱۶ اعمال تو بر بندگانت ظاهر بشود و

در جنگ پایدار نساخته‌ای.

۴۴ جلال او را باطل ساخته و تخت او را به

زمین انداخته‌ای.

۴۵ ایام شبایش را کوتاه کرده، و او را به

خجالت پوشانیده‌ای، سلاه.

۴۶ تا به کی ای خداوند خود را تا به ابد پنهان

خواهی کرد و غضب تو مثل آتش افروخته

خواهد شد؟

۴۷ به یاد آور که ایام حیاتم چه کم است. چرا

تمامی بنی آدم را برای بطلت آفریده‌ای؟

۴۸ کدام آدمی زنده است که مرگ را نخواهد

دید؟ و جان خویش را از دست قبر خلاص

خواهد ساخت؟ سلاه.

۴۹ ای خداوند رحمت‌های قدیم تو کجاست که

برای داود به امانت خود قسم خوردی؟

۵۰ ای خداوند ملامت بنده خود را به یاد آور

که آن را از قومهای بسیار در سینه خود متحمل

می‌باشم.

۵۱ که دشمنان تو ای خداوند ملامت کرده‌اند،

یعنی آثار مسیح تو را ملامت نموده‌اند.

۵۲ خداوند متبارک باد تا ابدالآباد. آمین و

آمین.

کتاب چهارم: مزامیر ۹۰-۱۰۶

فانی بودن انسان

دعای موسی مرد خدا

ای خداوند مسکن ما تو بوده‌ای، در

جمع نسلها،

۲ قبل از آنکه کوه‌ها به وجود آید و زمین و

نمایند.

۱۲ تو را بر دستهای خود برخواهند داشت،

مبادا پای خود را به سنگ بزنی.

۱۳ بر شیر و افعی پای خواهی نهاد؛ شیربچه

و اژدها را پایمال خواهی کرد.

۱۴ «چونکه به من رغبت دارد او را خواهم

رهانید و چونکه به اسم من عارف است او را

سرافراز خواهم ساخت.

۱۵ چون مرا خواند او را اجابت خواهم کرد.

من در تنگی با او خواهم بود و او را نجات

داده، مُعَزَّز خواهم ساخت.

۱۶ به طول ایام او را سیر می گردانم و نجات

خویش را بدو نشان خواهم داد.»

سرود حمد و تسبیح

مزمور و سرود برای روز سَبْت

خداوند را حمد گفتن نیکو است

و به نام تو تسبیح خواندن، ای

حضرت اعلیٰ.

۲ بامدادان رحمت تو را اعلام نمودن و در هر

شب امانت تو را.

۳ بر ذات ده اوتار و بر رباب و به نغمه

هجا یون و بربط.

۴ زیرا که ای خداوند مرا به کارهای خودت

شادمان ساخته‌ای. به سبب اعمال دستهای تو

ترنم خواهم نمود.

۵ ای خداوند اعمال تو چه عظیم است و

فکرهای تو بی نهایت عمیق.

۶ مرد وحشی این را نمی داند و جاهل در این

تأمل نمی کند.

کبریایی تو بر فرزندان ایشان.

۱۷ جمال خداوند خدای ما بر ما باد و عمل

دستهای ما را بر ما استوار ساز! عمل دستهای

ما را استوار گردان!

درستر حضرت اعلیٰ

آنکه در مخفیگاه حضرت اعلیٰ

نشسته است، زیر سایه قادر مطلق

ساکن خواهد بود.

۲ درباره خداوند می گویم که او ملجأ و قلعه

من است و خدای من که بر او توکل دارم.

۳ زیرا که او تو را از دام صیاد خواهد رهانید و

از وبای خبیث.

۴ به پره‌های خود تو را خواهد پوشانید و زیر

بالهایش پناه خواهی گرفت. راستی او تو را

مِجَن و سپر خواهد بود.

۵ از ترسی در شب نخواهی ترسید و نه از

تیری که در روز می پرد.

۶ و نه از وبایی که در تاریکی می خرامد و نه از

طاعونی که وقت ظهر فساد می کند.

۷ هزار نفر به جانب تو خواهند افتاد و ده هزار

به دست راست تو. اما نزد تو نخواهد رسید.

۸ فقط به چشمان خود خواهی نگریست و

پاداش شیرین را خواهی دید.

۹ زیرا گفتمی تو ای خداوند ملجای من هستی

و حضرت اعلیٰ را مأوای خویش گردانیده‌ای.

۱۰ هیچ بدی بر تو واقع نخواهد شد و بلایی

نزد خیمه تو نخواهد رسید.

۱۱ زیرا که فرشتگان خود را درباره تو امر

خواهد فرمود تا در تمامی راه‌های تو را حفظ

۹۱

۹۲

قدیم هستی.

۳ ای خداوند سیلابها برافراشته‌اند سیلابها
آواز خود را برافراشته‌اند. سیلابها خروش خود
را برافراشته‌اند.

۴ فوق آواز آبهای بسیار، فوق امواج زورآور
دریا. خداوند در اعلیٰ اعلیین زورآورتر است.

۵ شهادت تو بی‌نهایت امین است. ای
خداوند، قدوسیّت خانه تو را می‌آراید تا
ابدالآباد.

مکافات شریران

ای یهوه خدای ذوالانتقام، ای
خدای ذوالانتقام، تجلّی فرما!

۲ ای داور جهان متعال شو و بر متکبران
مکافات برسان!

۳ ای خداوند تا به کی شریران، تا به کی
شریران فخر خواهند نمود؟ حرفها می‌زنند و
سخنان ستم‌آمیز می‌گویند. جمیع بدکاران لاف
می‌زنند.

۴ ای خداوند، قوم تو را می‌شکنند و میراث
تو را ذلیل می‌سازند.

۵ بیوه زنان و غریبان را می‌کشند و یتیمان را
به قتل می‌رسانند

۶ و می‌گویند یاه نمی‌بیند و خدای یعقوب
ملاحظه نمی‌نماید.

۷ ای احمقان قوم بفهمید! و ای ابلهان کی
عاقل خواهید شد؟

۸ او که گوش را غرس نمود، آیا نمی‌شنود؟ او
که چشم را ساخت، آیا نمی‌بیند؟

۹ او که امت‌ها را تأدیب می‌کند، آیا توبیخ

۷ وقتی که شریران مثل علف می‌رویند و
جمیع بدکاران می‌شکنند، برای این است که تا
به ابد هلاک گردند.

۸ اما تو ای خداوند بر اعلیٰ علیین هستی، تا
ابدالآباد.

۹ زیرا اینک، دشمنان تو ای خداوند، هان
دشمنان تو هلاک خواهند شد و جمیع بدکاران
پراکنده خواهند شد.

۱۰ و اما شاخ مرا مثل شاخ گاو وحشی بلند
کرده‌ای و به روغن تازه مسح شده‌ام.

۱۱ و چشم من بر دشمنانم خواهد نگریست
و گوشهای من از شیریانی که با من مقاومت
می‌کنند خواهد شنید.

۱۲ عادل مثل درخت خرما خواهد شکفت و
مثل سرو آزاد در لبنان نمو خواهد کرد.

۱۳ آنانی که در خانه خداوند غرس شده‌اند،
در صحنهای خدای ما خواهند شکفت.

۱۴ در وقت پیری نیز میوه خواهند آورد و تر و
تازه و سبز خواهند بود.

۱۵ تا اعلام کنند که خداوند راست است.
او صخره من است و در وی هیچ بی‌انصافی
نیست.

اقتدار خداوند

خداوند سلطنت را گرفته و خود
را به جلال آراسته است. خداوند
خود را آراسته و کمر خود را به قوت بسته است.
ربع مسکون نیز پایدار گردیده است و جنبش
نخواهد خورد.

۲ تخت تو از ازل پایدار شده است و تو از

۲۲ و گناه ایشان را بر ایشان راجع خواهد کرد و ایشان را در شرارت ایشان فانی خواهد ساخت. یهوه خدای ما ایشان را فانی خواهد نمود.

سرود حمد و شادی

بیایید خداوند را بسراییم و صخره نجات خود را آواز شادمانی دهیم!

۹۵

۲ به حضور او با حمد نزدیک بشویم! و با مزامیر او را آواز شادمانی دهیم!

۳ زیرا که یهوه، خدای بزرگ است،

۴ و پادشاه عظیم بر جمیع خدایان. نشیهای زمین در دست وی است و فرازهای کوه‌ها از آن او.

۵ دریا از آن اوست، او آن را بساخت؛ و دستهای وی خشکی را مصور نمود.

۶ بیایید عبادت و سجده نماییم و به حضور آفریننده خود خداوند زانو زنیم!

۷ زیرا که او خدای ما است! و ما قوم مرتع و گله دست او می‌باشیم! امروز کاش آواز او را می‌شنیدید!

۸ دل خود را سخت مسازید، مثل مریبا، مانند یوم مسّا در صحرا.

۹ چون اجداد شما مرا آزموندند و تجربه کردند و اعمال مرا دیدند.

۱۰ چهل سال از آن قوم محزون بودم و گفتم قوم گمراه دل هستند که طُرُق مرا نشناختند.

۱۱ پس در غضب خود قسم خوردم، که به آرامی من داخل نخواهند شد.

نخواهد نمود، او که معرفت را به انسان می‌آموزد؟

۱۰ خداوند فکرهای انسان را می‌داند که محض بطالت است.

۱۱ ای یاه، برکت می‌گیرد شخصی که او را تأدیب می‌نمایی و از شریعت خود او را تعلیم می‌دهی

۱۲ تا او را از روزهای بلا راحت بخشی، مادامی که حفره برای شریران کنده شود.

۱۳ زیرا خداوند قوم خود را رد نخواهد کرد و میراث خویش را ترک نخواهد نمود.

۱۴ زیرا که دوری به انصاف رجوع خواهد کرد و همه راست دلان پیروی آن را خواهند نمود.

۱۵ کیست که برای من با شریران مقاومت خواهد کرد و کیست که با بدکاران مقابله خواهد نمود.

۱۶ اگر خداوند مددکار من نمی‌بود، جان من به زودی در خاموشی ساکن می‌شد.

۱۷ چون گفتم که پای من می‌لغزد، پس رحمت تو ای خداوند مرا تأیید نمود.

۱۸ در کثرت اندیشه‌های دل من، تسلی‌های تو جانم را آسایش بخشید.

۱۹ آیا کرسی شرارت با تو رفاقت تواند نمود، که فساد را به قانون اختراع می‌کند؟

۲۰ بر جان مرد صدیق با هم جمع می‌شوند و بر خون بی‌گناه فتوا می‌دهند.

۲۱ اما خداوند برای من قلعه بلند است و خدایم صخره ملجای من است.

بزرگی و جلال خدا

۹۶ یَهُوَه را سرود تازه بسرایید! ای تمامی زمین خداوند را بسرایید!

۲ خداوند را بسرایید و نام او را متبارک

خوانید! روز به روز نجات او را اعلام نمایید.

۳ در میان امت‌ها جلال او را ذکر کنید و

کارهای عجیب او را در جمیع قومها.

۴ زیرا خداوند عظیم است و بی‌نهایت حمید.

و او مهیب است بر جمیع خدایان.

۵ زیرا جمیع خدایان امت‌ها بت‌هایند، اما

یَهُوَه آسمانها را آفرید.

۶ مجد و جلال به حضور وی است و قوت و

جمال در قدس وی.

۷ ای قبایل قوم‌ها خداوند را توصیف نمایید!

خداوند را به جلال و قوت توصیف نمایید!

۸ خداوند را به جلال اسم او توصیف نمایید!

هدیه بیاورید و به صحنهای او بیاید!

۹ خداوند را در زینت قدوسیت بپرستید! ای

تمامی زمین از حضور وی بلرزید!

۱۰ در میان امت‌ها گویند خداوند سلطنت

گرفته است. ربع مسکون نیز پایدار شد و

جنبش نخواهد خورد. قومها را به انصاف

داوری خواهد نمود.

۱۱ آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد.

دریا و پری آن غرش نماید.

۱۲ صحرا و هر چه در آن است، به وجد آید.

آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود

۱۳ به حضور خداوند زیرا که می‌آید، زیرا که

برای داوری جهان می‌آید. ربع مسکون را به

انصاف داوری خواهد کرد و قومها را به امانت

خود.

بزرگی و مجد خداوند

۹۷ خداوند سلطنت گرفته است، پس زمین شادی کند و جزیره‌های بسیار

مسرور گردند.

۲ ابرها و ظلمتِ غلیظ گرداگرد اوست. عدل

و انصاف قاعده تخت اوست.

۳ آتش پیش روی وی می‌رود و دشمنان او را

به اطرافش می‌سوزاند.

۴ برق‌هایش ربع مسکون را روشن می‌سازد.

زمین این را بدید و بلرزید.

۵ کوه‌ها از حضور خداوند مثل موم گداخته

می‌شود، از حضور خداوند تمامی جهان.

۶ آسمانها عدالت او را اعلام می‌کنند و جمیع

قومها جلال او را می‌بینند.

۷ همهٔ پرستندگان بت‌های تراشیده خجل

می‌شوند که به بت‌ها فخر می‌نمایند. ای جمیع

خدایان او را بپرستید.

۸ صهیون شنید و شادمان شد و دختران

یهودا مسرور گردیدند، ای خداوند به سبب

داوریهای تو.

۹ زیرا که تو ای خداوند بر تمامی روی زمین

متعال هستی. بر جمیع خدایان، بسیار اعلیٰ

هستی.

۱۰ ای شما که خداوند را دوست می‌دارید،

از بدی نفرت کنید! او حافظ جانهای مقدّسان

خود است. ایشان را از دست شریران می‌رهاند.

۱۱ نور برای عادلان کاشته شده است و

شادمانی برای راست‌دلان.

۱۲ ای عادلان، در خداوند شادمان باشید! و

ذکر قدّوسیت او را حمد بگویید.

سرود تازه

مزمور

برای خداوند سرود تازه بسرایید
 زیرا کارهای عجیب کرده است.
 دست راست و بازوی قدّوس او، او را پیروز
 ساخته است.

۹۸

۱ می فرماید، زمین متزلزل گردد!
 ۲ خداوند در صیهون عظیم است و او بر
 جمیع قومها متعال است!
 ۳ اسم عظیم و مهیب تو را حمد بگویند، که
 او قدّوس است.
 ۴ قوّت پادشاه، انصاف را دوست می دارد.
 تو راستی را پایدار کرده، و انصاف و عدالت را
 در یعقوب به عمل آورده‌ای.
 ۵ یهوه خدای ما را تکریم نمایید و نزد قدمگاه
 او عبادت کنید، که او قدّوس است.
 ۶ موسی و هارون از کاهنانش و سموئیل از
 خوانندگان نام او. یهوه را خواندند و او ایشان
 را اجابت فرمود.
 ۷ در ستون ابر بدیشان سخن گفت. شهادت
 او و فریضه‌ای را که بدیشان داد نگاه داشتند.
 ۸ ای یهوه خدای ما تو ایشان را اجابت
 فرمودی. ایشان را خدای غفور بودی. اما از
 اعمال ایشان انتقام کشیدی.
 ۹ یهوه خدای ما را متعال بخوانید و نزد کوه
 مقدّس او عبادت کنید. زیرا یهوه خدای ما
 قدّوس است.

آواز شادمانی

ای تمامی روی زمین خداوند را
 آواز شادمانی دهید. ♦♦
 ۲ خداوند را با شادی عبادت نمایید و به
 حضور او با ترنّم بیایید.
 ۳ بدانید که یهوه خداست؛ او ما را آفرید. ما
 قوم او هستیم و گوسفندان مرتع او.
 ۴ به دروازه‌های او با حمد بیایید و به

۲ خداوند نجات خود را اعلام نموده، و
 عدالتش را به نظر امت‌ها مکشوف کرده است.
 ۳ رحمت و امانت خود را با خاندان اسرائیل
 به یاد آورد. همه اقصای زمین نجات خدای ما
 را دیده‌اند.
 ۴ ای تمامی زمین، خداوند را آواز شادمانی
 دهید. بانگ زنید و ترنّم نمایید و بسرایید.
 ۵ خداوند را با بربط بسرایید! با بربط و با آواز
 نغمات!
 ۶ با شیپورها و آواز سرنا! به حضور یهوه
 پادشاه آواز شادمانی دهید!
 ۷ دریا و پری آن بخروشد! ربع مسکون و
 ساکنان آن!
 ۸ نهرها دستک بزنند! و کوه‌ها با هم ترنّم
 نمایند.

۹ به حضور خداوند زیرا به داوری جهان
 می‌آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد
 کرد و قومها را به راستی.

سلطنت و اقتدار خداوند

خداوند سلطنت گرفته است، پس
 قومها بلرزند! بر کرویّین جلوس

۹۹

دعا در پریشانی

دعای مسکین وقتی که پریشان حال شده، ناله خود را به

حضور بیهوش می‌ریزد

ای خداوند دعای مرا بشنو، و

فریاد من نزد تو برسد.

۱۰۲

۲ در روز تنگی‌ام روی خود را از من می‌پوشان.

گوش خود را به من فراگیر، و روزی که بخوانم

مرا به زودی اجابت فرما.

۳ زیرا روزهایم مثل دود تلف شد و

استخوانهایم مثل هیزم سوخته گردید.

۴ دل من مثل گیاه زده شده و خشک گردیده

است زیرا خوردن غذای خود را فراموش

می‌کنم.

۵ به سبب آواز ناله خود، استخوانهایم به

گوشت من چسبیده است.

۶ مانند مرغ سقّای صحرا شده، و مثل بوم

خرابه‌ها گردیده‌ام.

۷ پاسبانی می‌کنم و مثل گنجشک بر پشت

بام، منفرد گشته‌ام.

۸ تمامی روز دشمنانم مرا سرزنش می‌کنند

و آنانی که بر من دیوانه شده‌اند مرا لعنت

می‌نمایند.

۹ زیرا خاکستر را مثل نان خورده‌ام و

مشروب خود را با اشک آمیخته‌ام،

۱۰ به سبب غضب و خشم تو زیرا که مرا

برافراشته و به زیر افکنده‌ای.

۱۱ روزهایم مثل سایه زوال پذیر گردیده و

من مثل گیاه پژمرده شده‌ام.

۱۲ اما تو ای خداوند جلوس فرموده‌ای تا

ابدالآباد! و ذکر تو تا جمیع نسل هاست!

صحنهای او با تسبیح! او را حمد گوید و نام

او را متبارک خوانند!

۵ زیرا که خداوند نیکوست و رحمت او ابدی

و امانت وی تا ابدالآباد.

عهد پادشاه

مزمور داود

رحمت و انصاف را خواهم

سرایید. نزد تو ای خداوند، تسبیح

خواهم خواند.

۲ در طریق کامل به خردمندی رفتار خواهم

نمود. نزد من کی خواهی آمد؟ در خانه خود با

دل سلیم سالک خواهم شد.

۳ چیزی بد را پیش نظر خود نخواهم

گذاشت. کار کج روان را مکروه می‌دارم، به من

نخواهد چسبید.

۴ دل کج از من دور خواهد شد. شخص

شریر را نخواهم شناخت.

۵ کسی را که در خُفیه به همسایه خود غیبت

گوید، هلاک خواهم کرد. کسی را که چشم بلند

و دل متکبر دارد تحمل نخواهم کرد.

۶ چشمانم بر وفاداران زمین است تا با من

ساکن شوند. کسی که به طریق کامل سالک

باشد، خادم من خواهد بود.

۷ حیلہ گر در خانه من ساکن نخواهد شد.

دروغگو پیش نظر من نخواهد ماند.

۸ همه شیران زمین را صبحگاهان هلاک

خواهم کرد تا جمیع بدکاران را از شهر خداوند

منقطع سازم.

۱۰۱

جميع آنها مثل جامه مندرس خواهند شد. و مثل ردا آنها را تبديل خواهی کرد و مبدل خواهند شد.

۲۷ اما تو همان هستی و سالهای تو تمام نخواهد گردید.

۲۸ فرزندان بندگان باقی خواهند ماند و ذریت ایشان در حضور تو پایدار خواهند بود.»

ستایش خدا

مزبور داود

ای جان من خداوند را متبارک بخوان! و هرچه در درون من

است نام قدّوس او را متبارک خواند.

۲ ای جان من خداوند را متبارک بخوان و

جميع احسانهای او را فراموش مکن!

۳ که تمام گناهانت را می‌آمزد و همه

مرضهای تو را شفا می‌بخشد؛

۴ که حیات تو را از هابویه فدیة می‌دهد و تاج

رحمت و رأفت را بر سر تو می‌نهد؛

۵ که جان تو را به چیزهای نیکو سیر می‌کند تا

جوانی تو مثل عقاب تازه شود.

۶ خداوند عدالت را به جا می‌آورد و انصاف

را برای جميع مظلومان.

۷ طریق‌های خویش را به موسی تعلیم داد و

عملهای خود را به بنی اسرائیل.

۸ خداوند رحمان و کریم است؛ دیر غضب و

بسیار رحیم.

۹ تا به ابد محاکمه نخواهد نمود و خشم را

همیشه نگاه نخواهد داشت.

۱۰ با ما موافق گناهان ما عمل ننموده، و به ما

۱۳ تو برخاسته، بر صهیون ترحم خواهی نمود زیرا وقتی است که بر او رأفت کنی و زمان معین رسیده است.

۱۴ چونکه بندگان تو در سنگ‌های وی رغبت دارند و بر خاک او شفقت می‌نمایند.

۱۵ پس امت‌ها از نام خداوند خواهند ترسید و جميع پادشاهان جهان از کبریایی تو.

۱۶ زیرا خداوند صهیون را بنا نموده، و در جلال خود ظهور فرموده است.

۱۷ به دعای مسکینان توجه نموده، و دعای ایشان را خوار نشمرده است.

۱۸ این برای نسل آینده نوشته می‌شود تا قومی که آفریده خواهند شد خداوند را تسبیح بخوانند.

۱۹ زیرا که از بلندی قدس خود نگریسته،

خداوند از آسمان بر زمین نظر افکنده است.

۲۰ تا ناله اسیران را بشنود و آنانی را که به

مرگ سپرده شده‌اند آزاد نماید.

۲۱ تا نام خداوند را در صهیون ذکر نمایند و

تسبیح او را در اورشلیم،

۲۲ هنگامی که قوم‌ها با هم جمع شوند و

ممالک نیز تا خداوند را عبادت نمایند.

۲۳ توانایی مرا در راه ناتوان ساخت و

روزهای مرا کوتاه گردانید.

۲۴ گفتم: «ای خدای من مرا در نصف

روزهایم برمدار. سالهای تو تا جميع نسل‌ها

است.

۲۵ از قدیم بنیاد زمین را نهادی و آسمانها

عمل دستهای تو است.

۲۶ آنها فانی می‌شوند، اما تو باقی هستی و

خوانید! در همهٔ مکانهای سلطنت او. ای جان
من خداوند را متبارک بخوان!

ستایش خداوند

ای جان من، خداوند را متبارک
بخوان! ای یهوهٔ خدای من تو
بی‌نهایت عظیم هستی! به عزت و جلال پوشیده
هستی.

۲ خویشتن را به نور مثل ردا پوشانیده‌ای.

آسمانها را مثل پرده پهن ساخته‌ای.

۳ آن که اتاق‌های خود را بر آنها بنا کرده است
و ابرها را مرکب خود نموده و بر بالهای باد
می‌خرامد؛

۴ فرشتگان خود را با دها می‌گرداند و خادمان
خود را آتش مشتعل؛

۵ که زمین را بر اساسش استوار کرده، تا
جنش نخورد تا ابدالآباد.

۶ آن را به لجه‌ها مثل ردا پوشانیده‌ای، که آنها
بر کوه‌ها ایستاده‌اند.

۷ از عتاب تو می‌گریزند. از آواز رعد تو
پراکنده می‌شوند.

۸ به فراز کوه‌ها بر می‌آیند، و به همواریه‌ها فرود
می‌آیند، به مکانی که برای آنها مهتبا ساخته‌ای.

۹ حدی برای آنها قرار داده‌ای که از آن نگذرند
و برنگردند تا زمین را بپوشانند.

۱۰ که چشمه‌ها را در وادیه‌ها جاری می‌سازد تا
در میان کوه‌ها روان بشوند.

۱۱ تمام حیوانات صحرا را سیراب می‌سازند
تا گورخران تشنگی خود را فرو نشانند.

۱۲ بر آنها مرغان هوا ساکن می‌شوند و از

به حسب خطایای ما جزا نداده است.
۱۱ زیرا آنقدر که آسمان از زمین بلندتر است،
به همان قدر رحمت او بر ترسندگانش عظیم
است.

۱۲ به اندازه‌ای که مشرق از مغرب دور است،
به همان اندازه گناهان ما را از ما دور کرده
است.

۱۳ چنانکه پدر بر فرزندان خود رؤف است،
همچنان خداوند بر ترسندگان خود رؤف است
می‌نماید.

۱۴ زیرا سرشت ما را می‌داند و یاد می‌دارد که
ما خاک هستیم.

۱۵ و اما انسان، ایام او مثل گیاه است، مثل
گل صحرا همچنان می‌شکند.

۱۶ زیرا که باد بر آن می‌وزد و نابود می‌گردد و
مکانش دیگر آن را نمی‌شناسد.

۱۷ اما رحمت خداوند بر ترسندگانش از
ازل تا ابدالآباد است و عدالت او بر فرزندان
فرزندان.

۱۸ بر آنانی که عهد او را حفظ می‌کنند و
فرائض او را یاد می‌دارند تا آنها را به جا آورند.

۱۹ خداوند تخت خود را بر آسمانها استوار
نموده، و سلطنت او بر همه مسلط است.

۲۰ خداوند را متبارک خوانید، ای فرشتگان
او که در قوت زور آورید و کلام او را به جا
می‌آورید و آواز کلام او را گوش می‌گیرید!

۲۱ ای جمیع لشکرهای او خداوند را متبارک
خوانید! و ای خادمان او که ارادهٔ او را به جا
می‌آورید!

۲۲ ای همهٔ کارهای خداوند او را متبارک

حیوانات خرد و بزرگ.
 ۲۶ و در آن کشتیها راه می‌روند و آن لویاتان که
 به جهت بازی کردن در آن آفریده‌ای.
 ۲۷ جمیع اینها از تو انتظار می‌کشند تا
 خوراک آنها را در وقتش برسانی.
 ۲۸ آنچه را که به آنها می‌دهی، فرا می‌گیرند.
 دست خود را باز می‌کنی، پس از چیزهای نیکو
 سیر می‌شوند.

۲۹ روی خود را می‌پوشانی، پس مضطرب
 می‌گردند. روح آنها را قبض می‌کنی، پس
 می‌میرند و به خاک خود برمی‌گردند.
 ۳۰ چون روح خود را می‌فرستی، آفریده
 می‌شوند و روی زمین را تازه می‌گردانی.
 ۳۱ جلال خداوند تا ابدالآباد است. خداوند
 از اعمال خود راضی خواهد بود.
 ۳۲ که به زمین نگاه می‌کند و آن می‌لرزد.
 کوه‌ها را لمس می‌کند، پس آتشفشان می‌شوند.
 ۳۳ خداوند را خواهیم سراپید تا زنده می‌باشم.
 برای خدای خود تسبیح خواهیم خواند تا وجود
 دارم.

۳۴ تفکّر من او را لذیذ بشود و من در خداوند
 شادمان خواهم بود.
 ۳۵ گناهکاران از زمین نابود گردند و شریان
 دیگر یافت نشوند. ای جان من، خداوند را
 متبارک بخوان! هَلْلویاه!

کارهای خدا برای قوم او

يَهْوَه را حمد گویند و نام او را
 بخوانید. اعمال او را در میان
 قومه‌ها اعلام نمایید.

۱۰۵

میان شاخه‌ها آواز خود را می‌دهند.
 ۱۳ او از غرفات خود کوه‌ها را سیراب می‌کند
 و از ثمرات اعمال تو زمین سیر می‌شود.
 ۱۴ گیاهان را برای چهار پایان می‌رویاند و
 سبزه‌ها را برای خدمت انسان، و نان را از زمین
 بیرون می‌آورد،
 ۱۵ و شراب را که دل انسان را شادمان
 می‌کند، و چهره او را به روغن شاداب
 می‌سازد؛ و دل انسان را به نان قوی می‌گرداند.
 ۱۶ درختان خداوند شادابند، یعنی سروهای
 آزاد لبنان که غرس کرده است،
 ۱۷ که در آنها مرغان آشیانه‌های خود را
 می‌گیرند و اما صنوبر خانه لک‌لک می‌باشد.
 ۱۸ کوه‌های بلند برای بزهای کوهی و
 صخره‌ها برای گورکن ملجاء است.
 ۱۹ ماه را برای موسمه‌ها ساخت و آفتاب محل
 غروب خود را می‌داند.
 ۲۰ تاریکی می‌سازی و شب می‌شود که در آن
 همه حیوانات جنگلی راه می‌روند.
 ۲۱ شیر بچگان برای شکار خود غرّش
 می‌کنند و خوراک خویش را از خدا می‌جویند.
 ۲۲ چون آفتاب طلوع می‌کند جمع می‌شوند و
 در بیشه‌های خود می‌خوابند.
 ۲۳ انسان برای عمل خود بیرون می‌آید و برای
 شغل خویش تا شامگاه.
 ۲۴ ای خداوند اعمال تو چه بسیار است!

جمیع آنها را به حکمت کرده‌ای. زمین از دولت
 تو پر است.

۲۵ و آن دریای بزرگ و وسیع الاطراف نیز
 که در آن حشرات از حدّ شماره زیاده‌اند و

قوام نان را شکست،
 ۱۷ و مردی پیش روی ایشان فرستاد، یعنی
 یوسف را که او را به غلامی فروختند.
 ۱۸ پایهای وی را به زنجیرها زخمی کردند و
 جان او در آهن بسته شد،
 ۱۹ تا وقتی که سخن او واقع شد و کلام
 خداوند او را امتحان نمود.
 ۲۰ آنگاه پادشاه فرستاده، بندهای او را گشاد
 و سلطان قومه‌ها او را آزاد ساخت.
 ۲۱ او را بر خانه خود حاکم قرار داد و مختار
 بر تمام مایملک خویش،
 ۲۲ تا به اراده خود سروران او را بند نماید و
 مشایخ او را حکمت آموزد.
 ۲۳ پس اسرائیل به مصر درآمدند و یعقوب در
 زمین حام غربت پذیرفت.
 ۲۴ و او قوم خود را به غایت بارور گردانید و
 ایشان را از دشمنان ایشان قوی‌تر ساخت.
 ۲۵ اما دل ایشان را برگردانید تا بر قوم او کینه
 ورزند و بر بندگان وی حيله نمایند.
 ۲۶ بنده خود موسی را فرستاد و هارون را که
 برگزیده بود.
 ۲۷ کلمات و آیات او را در میان ایشان اقامه
 کردند و عجایب او را در زمین حام.
 ۲۸ ظلمت را فرستاد که تاریک گردید. پس به
 کلام او مخالفت نورزیدند.
 ۲۹ آبهای ایشان را به خون مبدل ساخت و
 ماهیان ایشان را می‌رانید.
 ۳۰ زمین ایشان غوکها را به ازدحام پیدا نمود،
 حتی در حرمله‌های پادشاهان ایشان.

۲ او را بسرایید برای او تسبیح بخوانید. در
 تمام کارهای عجیب او تفکر نمایید.
 ۳ در نام قدّوس او فخر کنید. دل طالبان
 خداوند شادمان باشد.
 ۴ خداوند و قوّت او را بطلبید؛ روی او را
 پیوسته طالب باشید.
 ۵ کارهای عجیب را که او کرده است به یاد
 آورید. آیات او و داوریهای دهان او را.
 ۶ ای نسل بنده او ابراهیم، ای فرزندان
 یعقوب، برگزیده او،
 ۷ یهوه خدای ماست! داوریهای او در تمامی
 جهان است.
 ۸ عهد خود را یاد می‌دارد تا ابدالآباد و
 کلامی را که بر هزاران پشت فرموده است.
 ۹ آن عهدی را که با ابراهیم بسته و قسمی را
 که برای اسحاق خورده است.
 ۱۰ و آن را برای یعقوب فریضه‌ای استوار
 ساخت و برای اسرائیل عهد جاودانی.
 ۱۱ و گفت که، زمین کنعان را به تو خواهم داد
 تا سهم میراث شما شود.
 ۱۲ هنگامی که کم تعداد بودند، کم جمعیت و
 غریب در آنجا،
 ۱۳ و از اقامتی تا اقامتی سرگردان می‌بودند و از
 یک مملکت تا قوم دیگر.
 ۱۴ او نگذاشت که کسی بر ایشان ظلم کند،
 بلکه پادشاهان را به خاطر ایشان توبیخ نمود
 ۱۵ که بر مسیحان من دست مگذارید و انبیای
 مرا ضرر مرسانید.
 ۱۶ پس قحطی را بر آن زمین خواند و تمامی

رحمت خداوند برای قوم خود

هملویاه! خداوند را حمد بگویید
زیرا که او نیکو است و رحمت او

۱۰۶

تا ابد آباد!

۲ کیست که اعمال عظیم خداوند را بگوید و

همهٔ تسیحات او را بشنواند؟

۳ برکت می‌گیرند آنانی که انصاف را نگاه
دارند و آن که عدالت را در همه وقت به عمل

آورد.

۴ ای خداوند مرا یاد کن به رضامندی‌یی که

با قوم خود می‌داری؛ و به نجات خود از من
تفقد نما.

۵ تا سعادت برگزیدگان تو را ببینم و به

شادمانی قوم تو مسرور شوم و با میراث تو فخر
نمایم.

۶ با پدران خود گناه نموده‌ایم و عصیان

ورزیده، شرارت کرده‌ایم.

۷ پدران ما کارهای عجیب تو را در مصر

نفهمیدند و کثرت رحمت تو را به یاد

نیاوردند، بلکه نزد دریا، یعنی دریای سرخ فتنه
انگیختند.

۸ اما به خاطر اسم خود ایشانشان را نجات داد تا

توانایی خود را اعلان نماید.

۹ و بحر قَلْزَم را عتاب کرد که خشک گردید.

پس ایشانش را در لَجّه‌ها مثل بیابان رهبری

فرمود.

۱۰ و ایشانش را از دست دشمن نجات داد و از

دست دشمن رهایی بخشید.

۱۱ و آب، دشمنان ایشانش را پوشانید که یکی

از ایشانش باقی نماند.

۳۱ او گفت و انواع مگسها پدید آمد و پشه‌ها
در همهٔ حدود ایشانش.

۳۲ تگرگ را به عوض باران بارانید و آتش

مشتعل را در زمین ایشانش.

۳۳ موها و انجیرهای ایشانش را زد و درختان

مَحَل ایشانش را بشکست.

۳۴ او گفت و ملخ پدید آمد و کرمها از حد

شماره افزون.

۳۵ و هر سهم را در زمین ایشانش بخوردند و

میوه‌های زمین ایشانش را خوردند.

۳۶ و جمیع نخست‌زادگان را در زمین ایشانش

زد، اوایل تمامی قوت ایشانش را.

۳۷ و ایشانش را با طلا و نقره بیرون آورد که در

اسباط ایشانش یکی ضعیف نبود.

۳۸ مصریان از بیرون رفتن ایشانش شاد بودند

زیرا که ترس ایشانش بر آنها مستولی گردیده بود.

۳۹ ابری برای پوشش گسترانید و آتشی که

شامگاه روشنایی دهد.

۴۰ سؤال کردند پس بلدرچین برای ایشانش

فرستاد و ایشانش را از نان آسمان سیر گردانید.

۴۱ صخره را بشکافت و آب جاری شد؛ در

جایهای خشک مثل نهر روان گردید.

۴۲ زیرا کلام مقدّس خود را به یاد آورد و بندهٔ

خویش ابراهیم را.

۴۳ و قوم خود را با شادمانی بیرون آورد و

برگزیدگان خویش را با ترنم.

۴۴ و زمینهای امت‌ها را بدیشان داد و زحمت

قومها را وارث شدند.

۴۵ تا آنکه فرایض او را نگاه دارند و شریعت

او را حفظ نمایند. هملویاه!

۲۶ بنابراین دست خود را برایشان برافراشت،
که ایشان را در صحرا از پا درآورَد.

۲۷ و نسل ایشان را در میان اَمّت‌ها ببیندازد و
ایشان را در زمینها پراکنده کند.

۲۸ پس به بعل فغور پیوستند و قربانی‌های
مردگان را خوردند.

۲۹ و به کارهای خود خشم او را به هیجان
آوردند و وبا بر ایشان سخت آمد.

۳۰ آنگاه فینحاس بر پا ایستاده، داوری نمود و
وبا برداشته شد.

۳۱ و این برای او به عدالت محسوب گردید،
نسلاً بعد نسل تا ابدالآباد.

۳۲ و او را نزد آب مریبه غضبناک نمودند.
حتی موسی را به خاطر ایشان آزاری عارض
گردید.

۳۳ زیرا که روح او را تلخ ساختند، تا از لبهای
خود ناسزا گفت.

۳۴ و آن قومها را هلاک نکردند، که دربارهٔ
ایشان خداوند امر فرموده بود.

۳۵ بلکه خویشتن را با اَمّت‌ها آمیختند و
کارهای ایشان را آموختند.

۳۶ و بتهای ایشان را پرستش نمودند تا آنکه
برای ایشان دام گردید.

۳۷ و پسران و دختران خویش را برای دیوها
قربانی گذرانیدند،

۳۸ و خون بی‌گناه را ریختند، یعنی خون

پسران و دختران خود را که آن را برای بتهای
کنعان ذبح کردند و زمین از خون کثیف گردید.

۳۹ و از کارهای خود نجس شدند و در افعال
خویش زناکار گردیدند.

۱۲ آنگاه به کلام او ایمان آوردند و حمد او را
سراییدند.

۱۳ اما اعمال او را به زودی فراموش کردند و
مشورت او را انتظار نکشیدند.

۱۴ بلکه شهوت پرستی نمودند در بادیه؛ و
خدا را امتحان کردند در هامون.

۱۵ و مسألت ایشان را بدیشان داد. اما لاغری
در جانهای ایشان فرستاد.

۱۶ پس به موسی در اردو حسد بردند و به
هارون، مقدّس یهوه.

۱۷ و زمین شکافته شده، داتان را فرو برد و
جماعت ایبرام را پوشانید.

۱۸ و آتش، در جماعت ایشان افروخته شده،
شعلهٔ آتش شریران را سوزانید.

۱۹ گوساله‌ای در حوریب ساختند و بتی
ریخته شده را پرستش نمودند.

۲۰ و جلال خود را تبدیل نمودند به مثال
گاوی که علف می‌خورد.

۲۱ و خدای نجات دهنده خود را فراموش
کردند که کارهای عظیم در مصر کرده بود،

۲۲ و اعمال عجیبه را در زمین حام و کارهای
ترسناک را در دریای سرخ.

۲۳ آنگاه گفت که ایشان را هلاک بکند، اگر
برگزیده او موسی در شکاف به حضور وی
نمی‌ایستاد، تا غضب او را از هلاکتِ ایشان
برگرداند.

۲۴ و زمین مرغوب را خوار شمردند و به کلام
وی ایمان نیاوردند.

۲۵ و در خیمه‌های خود همه‌همه کردند و قول
خداوند را استماع نمودند.

۳ و ایشان را از شهرها جمع کرده، از مشرق و مغرب و از شمال و جنوب.

۴ در صحرا آواره شدند و در بادیه‌ای بی‌طریق و شهری برای سکونت نیافتند.

۵ گرسنه و تشنه نیز شدند و جان ایشان در ایشان مستمند گردید.

۶ آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشید،

۷ و ایشان را به راه مستقیم رهبری نمود، تا به شهری مسکون درآمدند.

۸ پس خداوند را به سبب رحمتش تشکر نمایند و به سبب کارهای عجیب وی با بنی‌آدم.

۹ زیرا که جان آرزومند را سیر گردانید و جان گرسنه را از چیزهای نیکو پر ساخت،

۱۰ آنانی که در تاریکی و سایه مرگ نشسته بودند، که در مذلت و آهن بسته شده بودند.

۱۱ زیرا به کلام خدا مخالفت نمودند و به نصیحت حضرت اعلیٰ اهانت کردند.

۱۲ و او دل ایشان را به مشقت ذلیل ساخت؛ بلغزیدند و مددکننده‌ای نبود.

۱۳ آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشید.

۱۴ ایشان را از تاریکی و سایه مرگ بیرون آورد و بندهای ایشان را بگسست.

۱۵ پس خداوند را به سبب رحمتش تشکر نمایند و به سبب کارهای عجیب او با بنی‌آدم.

۱۶ زیرا که دروازه‌های برنجین را شکسته، و بندهای آهنین را پاره کرده است.

۴۰ بنابراین خشم خداوند بر قوم خود افروخته شد و میراث خویش را مکروه داشت.

۴۱ و ایشان را به دست اُمّت‌ها تسلیم نمود تا آنانی که از ایشان نفرت داشتند، بر ایشان حکمرانی کردند.

۴۲ و دشمنان ایشان بر ایشان ظلم نمودند و زیر دست ایشان ذلیل گردیدند.

۴۳ بارهای بسیار ایشان را خلاصی داد. اما به مشورتهای خویش بر او فتنه کردند و به سبب گناه خویش خوار گردیدند.

۴۴ با وجود این، بر تنگی ایشان نظر کرد، وقتی که فریاد ایشان را شنید.

۴۵ و به خاطر ایشان، عهد خود را به یاد آورد و در کثرت رحمت خویش بازگشت نمود.

۴۶ و ایشان را حرمت داد، در نظر جمیع اسیرکنندگان ایشان.

۴۷ ای یهوه خدای ما، ما را نجات ده! و ما را از میان اُمّت‌ها جمع کن! تا نام قدّوس تو را حمد گوئیم و در تسبیح تو فخر نماییم.

۴۸ یهوه خدای اسرائیل متبارک باد از ازل تا ابدالآباد. و تمامی قوم بگویند آمین. هَلّوویه!

کتاب پنجم: مزامیر ۱۰۷-۱۵۰

ستایش نیکویی خداوند

خداوند را حمد بگوئید زیرا که او نیکو است و رحمت او باقی

است تا ابدالآباد.

۱۰۷

۲ فدیه شدگان خداوند این را بگویند که ایشان را از دست دشمن فدیه داده است.

ایشان را به بندرِ مرادِ ایشان رسانید.
 ۳۱ پس خداوند را به سبب رحمتش تشکر
 نمایند و به سبب کارهای عجیب او با بنی آدم.
 ۳۲ و او را در مجمع قوم متعال بخوانند و در
 مجلس مشایخ او را تسبیح بگویند.
 ۳۳ او نهرها را به بادیه مبدل کرد و چشمه‌های
 آب را به زمین تشنه.
 ۳۴ و زمین بارور را نیز به شوره‌زار، به سبب
 شرارت ساکنان آن.
 ۳۵ بادیه را به دریاچه آب مبدل کرد و زمین
 خشک را به چشمه‌های آب.
 ۳۶ و گرسنگان را در آنجا ساکن ساخت تا
 شهری برای سکونت بنا نمودند.
 ۳۷ و مزرعه‌ها کاشتند و تاکستانها غرس
 نمودند و حاصل غله به عمل آوردند.
 ۳۸ و ایشان را برکت داد تا به غایت کثیر
 شدند و چهار پایان ایشان را نگذارد کم شوند.
 ۳۹ و باز کم گشتند و ذلیل شدند، از ظلم و
 شقاوت و حزن.
 ۴۰ ذلت را بر رؤسا می‌ریزد و ایشان را در
 بادیه‌ای که راه ندارد آواره می‌سازد.
 ۴۱ اما مسکین را از مشقتش برمی‌افزاید و
 قبیله‌ها را مثل گله‌ها برایش پیدا می‌کند.
 ۴۲ صالحان این را دیده، شادمان می‌شوند و
 تمامی شرارت دهان خود را خواهد بست.
 ۴۳ کیست خردمند تا بدین چیزها تفکر
 نماید؟ که ایشان رحمت‌های خداوند را خواهند
 فهمید.

۱۷ احمقان به سبب طریق شیرانه خود و به
 سبب گناهان خویش، خود را ذلیل ساختند.
 ۱۸ جان ایشان هر قسم خوراک را مکروه
 داشت و به دروازه‌های مرگ نزدیک شدند.
 ۱۹ آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد
 برآوردند و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی
 بخشید.
 ۲۰ کلام خود را فرستاده، ایشان را شفا
 بخشید و ایشان را از هلاکتهای ایشان رهانید.
 ۲۱ پس خداوند را به سبب رحمتش تشکر
 نمایند و به سبب کارهای عجیب او با بنی آدم.
 ۲۲ و قربانی‌های تشکر را بگذرانند و اعمال
 وی را به ترنم ذکر کنند.
 ۲۳ آنانی که در کشتیها به دریا رفتند، و در
 آبهای کثیر شغل کردند.
 ۲۴ اینان کارهای خداوند را دیدند و اعمال
 عجیب او را در لجه‌ها.
 ۲۵ او گفت پس باد تند را وزانید و امواج آن
 را برافراشت.
 ۲۶ به آسمانها بالا رفتند و به لجه‌ها فرود
 شدند و جان ایشان از سختی گداخته گردید.
 ۲۷ سرگردان گشته، مثل مستان افتان و خیزان
 شدند و عقل ایشان تماماً حیران گردید.
 ۲۸ آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد
 برآوردند و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی
 بخشید.
 ۲۹ طوفان را به آرامی ساکت ساخت که
 موجهایش ساکن گردید.
 ۳۰ پس مسرور شدند زیرا که آسایش یافتند و

طلب کمک علیه دشمنان

سرود و مزمور داود

ای خدا دل من مستحکم است.
 ۱۰۸ من خواهم سرایید و تَرْتَم خواهم

نمود و جلال من نیز.

۲ ای عود و بربط بیدار شوید! من نیز در

سحرگاه بیدار خواهم شد.

۳ ای خداوند، تو را در میان قومها حمد
 خواهم گفت و در میان طایفه‌ها تو را خواهم

سرایید.

۴ زیرا که رحمت تو عظیم است، فوق

آسمانها! و راستی تو تا افلاک می‌رسد!

۵ ای خدا، بر فوق آسمانها متعال باش و

جلال تو بر تمامی زمین!

۶ تا محبوبان تو خلاصی یابند. به دست

راست خود نجات ده و مرا اجابت فرما.

۷ خدا در قدوسیت خود سخن گفته است،
 پس وجد خواهم نمود. شکیم را تقسیم می‌کنم

و وادی سکوت را خواهم پیمود.

۸ جلعاد از آن من است و منسی از آن من. و

افرایم خود سر من. و یهوذا عصای سلطنت

من.

۹ مواب ظرف شست و شوی من است،

و بر ادوم نعلین خود را خواهم انداخت و بر

فلسطین فخر خواهم نمود.

۱۰ کیست که مرا به شهر حصین درآورد؟

کیست که مرا به ادوم رهبری نماید؟

۱۱ آیا نه تو ای خدا که ما را ترک کرده‌ای؟ و

تو ای خدا که با لشکرهای ما بیرون نمی‌آیی؟

۱۲ ما را بر دشمن امداد فرما، زیرا که مدد

انسان باطل است.

۱۳ در خدا با شجاعت کار خواهیم کرد و او

دشمنان ما را پایمال خواهد نمود.

شکایت مرد رنج‌دیده

برای سالار مغنیان. مزمور داود

۱۰۹ ای خدای تسبیح من، خاموش
 مباش!

۲ زیرا که دهان شرارت و دهان فریب را بر
 من گشوده‌اند، و به زبان دروغ بر من سخن

گفته‌اند.

۳ به سخنان کینه مرا احاطه کرده‌اند و بی سبب

با من جنگ نموده‌اند.

۴ به عوض محبت من، با من مخالفت

می‌کنند، و اما من دعا.

۵ و به عوض نیکیی به من بدی کرده‌اند، و

به عوض محبت، دشمنی نموده.

۶ مردی شریر را بر او بگمار، و دشمن به

دست راست او بایستد.

۷ هنگامی که در محاکمه بیاید، خطا کار

بیرون آید و دعای او گناه بشود.

۸ ایام عمرش کم شود و منصب او را دیگری

ضبط نماید.

۹ فرزندان او یتیم بشوند و همسر وی بیوه

گردد.

۱۰ و فرزندان او آواره شده، گدایی بکنند و از

خرابه‌های خود قوت را بجویند.

۱۱ طلبکار تمامی مایملک او را ضبط نماید و

اجنبیان محنت او را تاراج کنند.

۱۲ کسی نباشد که بر او رحمت کند و بر

- از تو مندی کاهیده می شود.
- ۲۵ و من نزد ایشان عار گردیده‌ام. چون مرا می بینند سر خود را می جنبانند.
- ۲۶ ای یهوه خدای من مرا کمک فرما، و به حسب رحمت خود مرا نجات ده،
- ۲۷ تا بدانند که این است دست تو، و تو ای خداوند این را کرده‌ای.
- ۲۸ ایشان لعنت بکنند، اما تو برکت بده. ایشان برخیزند و خجل گردند و اما بنده تو شادمان شود.
- ۲۹ جفا کنندگانم به رسوایی ملّیس شوند و خجالت خویش را مثل ردا بپوشند.
- ۳۰ خداوند را به زبان خود بسیار تشکر خواهم کرد و او را در جماعت کثیر حمد خواهم گفت.
- ۳۱ زیرا که به دست راست مسکین خواهد ایستاد تا او را از آنانی که بر جان او فتوا می دهند برهاند.

کاهن به رتبه ملک‌صدق

مزمور داود

- یهوه به خداوند من گفت: «به دست راست من بنشین تا دشمنانت را پای انداز تو سازم.»
- ۲ خداوند عصای قوت تو را از صهیون خواهد فرستاد. در میان دشمنان خود حکمرانی کن.
- ۳ قوم تو در روز قوت تو، هدایای تبرّعی می باشند. در زینتهای قدوسیت، شبنم جوانی تو از رجم صحراگاه برای توست.
- یتیمان وی احدی رأفت ننماید.
- ۱۳ ذریت وی منقطع گردند و در طبقه بعد نام ایشان محو شود.
- ۱۴ عصیان پدرانش نزد خداوند به یاد آورده شود و گناه مادرش محو نگردد.
- ۱۵ و آنها در مدّ نظر خداوند دائماً بماند تا یادگاری ایشان را از زمین ببرد.
- ۱۶ زیرا که رحمت نمودن را به یاد نیاورد، بلکه بر فقیر و مسکین جفا کرد و بر شکسته دل تا او را به قتل رساند.
- ۱۷ چون که لعنت را دوست می داشت، بدو رسیده و چون که برکت را نمی خواست، از او دور شده است.
- ۱۸ و لعنت را مثل ردای خود در بر گرفت و مثل آب به شکمش درآمد و مثل روغن در استخوانهای وی.
- ۱۹ پس مثل جامه‌ای که او را می پوشاند، و چون کمربندی که به آن همیشه بسته می شود، خواهد بود.
- ۲۰ این است اجرت مخالفانم از جانب خداوند و برای آنانی که بر جان من بدی می گویند.
- ۲۱ اما تو ای یهوه خداوند، به خاطر نام خود با من عمل نما؛ چون که رحمت تو نیکوست، مرا خلاصی ده.
- ۲۲ زیرا که من فقیر و مسکین هستم و دل من در اندروم مجروح است.
- ۲۳ مثل سایه‌ای که در زوال باشد، رفته‌ام و مثل ملخ رانده شده‌ام.
- ۲۴ زانوهایم از روزه داشتن می لرزد و گوشتم

۹ فدیہ‌ای برای قوم خود فرستاد و عهد خویش را تا ابد امر فرمود. نام او قدّوس و مهیب است.

۱۰ ترس خداوند ابتدای حکمت است. همهٔ عاملین آنها را خردمندی نیکو است. حمد او پایدار است تا ابدالآباد.

سعادت شخص خداترس

۱۱۲ هَلَلویاه! برکت می‌گیرد کسی که از خداوند می‌ترسد و در وصایای او بسیار رغبت دارد.

۲ ذرّیتش در زمین زورآور خواهند بود. طبقه راستان مبارک خواهند شد.

۳ توانگری و دولت در خانهٔ او خواهد بود و عدالتش تا به ابد پایدار است.

۴ نور برای راستان در تاریکی طلوع می‌کند. او کریم و رحیم و عادل است.

۵ فرخنده است شخصی که رثوف و قرض دهنده باشد. او کارهای خود را به انصاف استوار می‌دارد.

۶ زیرا که تا به ابد جنبش نخواهد خورد. مرد عادل تا به ابد مذکور خواهد بود.

۷ از خبر بد نخواهد ترسید. دل او پایدار است و بر خداوند توکل دارد.

۸ دل او استوار است و نخواهد ترسید تا آرزوی خویش را بر دشمنان خود ببیند.

۹ بذل نموده، به فقرا بخشیده است؛ عدالتش تا به ابد پایدار است. شاخ او با عزّت افراشته خواهد شد.

۱۰ شریر این را دیده، غضبناک خواهد شد.

۴ خداوند قسم خورده است و پشیمان نخواهد شد که «تو کاهن هستی تا ابدالآباد، به رتبه ملک‌یصدق.»

۵ خداوند که به دست راست توست؛ در روز غضب خود پادشاهان را شکست خواهد داد.

۶ در میان امت‌ها داوری خواهد کرد. از لاشها پر خواهد ساخت و سر آنها را در زمین وسیع خواهد کوبید.

۷ از نهرِ سرِ راه خواهد نوشید. بنابراین سر خود را بر خواهد افراشت.

رحمت خداوند

۱۱۱ هَلَلویاه! خداوند را به تمامی دل حمد خواهم گفت، در مجلس راستان و در جماعت.

۲ کارهای خداوند عظیم است، و همگانی که به آنها رغبت دارند در آنها تفتیش می‌کنند.

۳ کار او جلال و کبریایی است و عدالت وی پایدار تا ابدالآباد.

۴ یادگاری برای کارهای عجیب خود ساخته است. خداوند کریم و رحیم است.

۵ ترسندگان خود را رزقی نیکو داده است.

عهد خویش را به یاد خواهد داشت تا ابدالآباد.

۶ قوّت اعمال خود را برای قوم خود بیان کرده است تا میراث امت‌ها را بدیشان عطا فرماید.

۷ کارهای دستهای راستی و انصاف است و جمیع فریاض وی امین.

۸ آنها پایدار است تا ابدالآباد. در راستی و استقامت کرده شده.

۳ دریا این را بدید و گریخت و اردن به عقب برگشت.

۴ کوه‌ها مثل قوچها به جستن درآمدند و تلها مثل بره‌های گله.

۵ ای دریا تو را چه شد که گریختی؟ و ای اردن که به عقب برگشتی؟

۶ ای کوه‌ها که مثل قوچها به جستن درآمدید و ای تلها که مثل بره‌های گله.

۷ ای زمین از حضور خداوند متزلزل شو و از حضور خدای یعقوب.

۸ که صخره را دریاچه آب گردانید و سنگ خارا را چشمه آب.

در وصف خدای حقیقی

ما را نه، ای خداوند! ما را نه، بلکه نام خود را جلال ده! به سبب رحمت و به سبب راستی خویش.

۲ اَمّت‌ها چرا بگویند که «خدای ایشان الآن کجاست؟»

۳ اَمّا خدای ما در آسمانهاست. آنچه را که اراده نمود، به عمل آورده است.

۴ بتهای ایشان نقره و طلاست، از صنعت دستهای انسان.

۵ آنها را دهان است و سخن نمی‌گویند. آنها را چشم‌هاست و نمی‌بینند.

۶ آنها را گوش‌هاست و نمی‌شنوند. آنها را بینی است و نمی‌بویند.

۷ دستها دارند و لمس نمی‌کنند. و پایها و راه نمی‌روند. و به گلوی خود سخن نمی‌گویند.

۸ سازندگان آنها مثل آنها هستند، و هر که بر

دندانهای خود را فشرده، گذاخته خواهد گشت. آرزوی شریران زایل خواهد گردید.

محبت خداوند

هَلَلُویاه! ای بندگان خداوند، تسبیح بخوانید. نام خداوند را تسبیح بخوانید.

۲ نام خداوند متبارک باد، از الآن و تا ابدالآباد.

۳ از مَطَّلَع آفتاب تا مغرب آن، نام خداوند تسبیح خوانده شود.

۴ خداوند بر جمیع اَمّت‌ها متعال است و جلال وی فوق آسمانها.

۵ کیست مانند یهوه خدای ما که بر اعلیٰ علّیین نشسته است؟

۶ و متواضع می‌شود تا نظر نماید بر آسمانها و بر زمین؛

۷ که مسکین را از خاک برمی‌دارد و فقیر را از مزبله برمی‌افرازد.

۸ تا او را با بزرگان بنشانند، یعنی با بزرگان قوم خویش.

۹ زن نازاد را خانه نشین می‌سازد و مادر فرحناک فرزندان. هَلَلُویاه!

سرود فصیح

وقتی که اسرائیل از مصر بیرون آمدند، و خانسدان یعقوب از قوم اجنبی زبان،

۲ یهودا مَقْدَس او بود و اسرائیل محلّ سلطنت وی.

۳ ریسمان‌های مرگ مرا احاطه کرد و تنگیهای
 هاویه مرا دریافت، تنگی و غم پیدا کردم.
 ۴ آنگاه نام خداوند را خواندم. آه ای خداوند
 جان مرا رهایی ده!
 ۵ خداوند رئوف و عادل است و خدای ما
 رحیم است.
 ۶ خداوند ساده دلان را محافظت می‌کند.
 ذلیل بودم و مرا نجات داد.
 ۷ ای جان من به آرامی خود برگرد، زیرا
 خداوند به تو احسان نموده است.
 ۸ زیرا که جان مرا از مرگ خلاصی دادی و
 چشمانم را از اشک و پایهایم را از لغزیدن.
 ۹ به حضور خداوند سالک خواهم بود، در
 زمین زندگان.
 ۱۰ ایمان آوردم پس سخن گفتم. من بسیار
 مستمند شدم.
 ۱۱ در پریشانی خود گفتم که «جمیع آدمیان
 دروغگویند.»
 ۱۲ خداوند را چه اداکنم، برای همه
 احسانهایی که به من نموده است؟
 ۱۳ پیاله نجات را خواهم گرفت و نام خداوند
 را خواهم خواند.
 ۱۴ نذرهای خود را به خداوند ادا خواهم کرد،
 به حضور تمامی قوم او.
 ۱۵ مرگ مقدّسان خداوند در نظر وی گرانها
 است.
 ۱۶ آه ای خداوند، من بنده تو هستم! من بنده
 تو و پسر کنیز تو هستم. بندهای مرا گشوده‌ای!
 ۱۷ قربانی‌های تشکر نزد تو خواهم گذرانید و
 نام خداوند را خواهم خواند.

آنها توکل دارد.
 ۹ ای اسرائیل بر خداوند توکل نما. او معاون
 و سپر ایشان است.
 ۱۰ ای خاندانِ هارون بر خداوند توکل نمایید.
 او معاون و سپر ایشان است.
 ۱۱ ای ترسندگانِ خداوند، بر خداوند توکل
 نمایید. او معاون و سپر ایشان است.
 ۱۲ خداوند ما را به یاد آورده، برکت می‌دهد.
 خاندان اسرائیل را برکت خواهد داد و خاندان
 هارون را برکت خواهد داد.
 ۱۳ ترسندگانِ خداوند را برکت خواهد داد،
 چه کوچک و چه بزرگ.
 ۱۴ خداوند شما را ترقی خواهد داد، شما و
 فرزندان شما را.
 ۱۵ شما مبارک خداوند هستید که آسمان و
 زمین را آفرید.
 ۱۶ آسمانها، آسمانهای خداوند است و اما
 زمین را به بنی‌آدم عطا فرمود.
 ۱۷ مردگان نیستند که یاه را تسبیح
 می‌خوانند؛ و نه آنانی که به خاموشی فرو
 می‌روند.
 ۱۸ اما ما یاه را متبارک خواهیم خواند، از الآن
 و تا ابد! اَلْآبَاد. هَلْلُوْیَاه!

سپاسگزاری برای رهایی

خداوند را محبت می‌نمایم زیرا
 که آواز من و تضرع مرا شنیده
 است.

۱۱۶

۲ زیرا که گوش خود را به من فرا داشته است،
 پس مدّت حیات خود، او را خواهم خواند.

نمودن بر آدمیان.
 ۹ به خداوند پناه بردن بهتر است از توکل نمودن بر امیران.
 ۱۰ جمیع امت‌ها مرا احاطه کردند، اما به نام خداوند ایشان را هلاک خواهم کرد.
 ۱۱ مرا احاطه کردند و دور مرا گرفتند، اما به نام خداوند ایشان را هلاک خواهم کرد.
 ۱۲ مثل زنبورها مرا احاطه کردند و مثل آتش خارها خاموش شدند. زیرا که به نام خداوند ایشان را هلاک خواهم کرد.
 ۱۳ بر من سخت هجوم آوردی تا بیفتم، اما خداوند مرا کمک نمود.
 ۱۴ خداوند قوت و سرود من است و نجات من شده است.
 ۱۵ آواز ترنم و نجات در خیمه‌های عادلان است. دست راست خداوند با شجاعت عمل می‌کند.
 ۱۶ دست راست خداوند متعال است. دست راست خداوند با شجاعت عمل می‌کند.
 ۱۷ نمی‌میرم، بلکه زیست خواهم کرد و کارهای یاه را ذکر خواهم نمود.
 ۱۸ یاه مرا به شدت تنبیه نموده، اما مرا به مرگ نسپرده است.
 ۱۹ دروازه‌های عدالت را برای من بگشایید! به آنها داخل شده، یاه را حمد خواهم گفت.
 ۲۰ دروازه خداوند این است. عادلان بدان داخل خواهند شد.
 ۲۱ تو را حمد می‌گویم زیرا که مرا اجابت فرموده و نجات من شده‌ای.
 ۲۲ سنگی را که معماران رد کردند، همان سر

۱۸ نذرهای خود را به خداوند ادا خواهم کرد، به حضور تمامی قوم وی،
 ۱۹ در صحنهای خانه خداوند، در اندرون تو ای اورشلیم. هَلَلویاه!

تسبیح خداوند

ای جمیع امت‌ها خداوند را تسبیح بخوانید! ای تمامی قبایل! او را حمد گوید!
 ۲ زیرا که رحمت او بر ما عظیم است و راستی خداوند تا ابدالآباد. هَلَلویاه!

۱۱۷

سرود پیروزی

خداوند را حمد گوید زیرا که نیکوست و رحمت او تا ابدالآباد است.
 ۲ اسرائیل بگویند که «رحمت او تا ابدالآباد است.»
 ۳ خاندان هارون بگویند که «رحمت او تا ابدالآباد است.»
 ۴ ترسندگان خداوند بگویند که «رحمت او تا ابدالآباد است.»
 ۵ در تنگی یاه را خواندم. یاه مرا اجابت فرموده، در جای وسیع آورد.
 ۶ خداوند با من است، پس نخواهم ترسید. انسان به من چه تواند کرد؟
 ۷ خداوند برایم از مددکاران من است. پس من بر نفرت کنندگان خود آرزوی خویش را خواهم دید.
 ۸ به خداوند پناه بردن بهتر است از توکل

۱۱۸

۶ آنگاه خجخل نخواهم شد چون تمام او امر تو را در مدّ نظر خود دارم.
 ۷ تو را به راستی دل حمد خواهم گفت چون داوریهای عدالت تو را آموخته شوم.
 ۸ فرایض تو را نگاه می‌دارم. مرا بالکلیه ترک منما.

ب

۹ به چه چیز مرد جوان راه خود را پاک می‌سازد؟ به نگاه داشتنش موافق کلام تو.
 ۱۰ به تمامی دل تو را طلبیدم. مگذار که از او امر تو گمراه شوم.
 ۱۱ کلام تو را در دل خود مخفی داشتم که مبدا به تو گناه ورزم.
 ۱۲ ای خداوند تو متبارک هستی فرایض خود را به من بیاموز.
 ۱۳ به لب‌های خود بیان کردم تمامی داوری‌های دهان تو را.
 ۱۴ در طریق شهادت تو شادمانم چنانکه در هر قسم توانگری.
 ۱۵ در وصایای تو تفکر می‌کنم و به طریق‌های تو نگران خواهم بود.
 ۱۶ از فرایض تو لذت می‌برم، پس کلام تو را فراموش نخواهم کرد.

ج

۱۷ به بنده خود احسان بنما تا زنده شوم و کلام تو را حفظ نمایم.
 ۱۸ چشمان مرا بگشا تا از شریعت تو چیزهای عجیب بینم.

زاویه شده است.
 ۲۳ این از جانب خداوند شده و در نظر ما عجیب است.
 ۲۴ این است روزی که خداوند ظاهر کرده است. در آن وجد و شادی خواهیم نمود.
 ۲۵ آه ای خداوند نجات ببخش! آه ای خداوند سعادت عطا فرما!
 ۲۶ متبارک باد او که به نام خداوند می‌آید. شما را از خانه خداوند برکت می‌دهیم.
 ۲۷ یهوه خدایی است که ما را روشن ساخته است. ذبیحه را به ریسمانها بر شاخهای قربانگاه ببندید.
 ۲۸ تو خدای من هستی تو، پس تو را حمد می‌گویم. خدای من، تو را متعال خواهم خواند.
 ۲۹ خداوند را حمد گوید زیرا که نیکوست و رحمت او تا ابدالابد است.

در وصف طریق و شریعت خدا

الف

خوشا به حال کاملان طریق که به شریعت خداوند سالکنند.
 ۲ خوشا به حال آنانی که شهادت او را حفظ می‌کنند و به تمامی دل او را می‌طلبند.
 ۳ کج روی نیز نمی‌کنند و به طریق‌های وی سلوک می‌نمایند.
 ۴ تو وصایای خود را امر فرموده‌ای تا آنها را تماماً نگاه داریم.
 ۵ کاش که راه‌های من مستحکم شود تا فرایض تو را حفظ کنم.

۱۹ من در زمین غریب هستم. اوامر خود را از

من مخفی مدار.

۲۰ جان من شکسته می‌شود از اشتیاق

داوریهای تو در هر وقت.

۲۱ متکبران ملعون را توبیخ نمودی، که از

اوامر تو گمراه می‌شوند.

۲۲ ننگ و رسوایی را از من بگردان، زیرا که

شهادت تو را حفظ کرده‌ام.

۲۳ سروران نیز نشسته، به ضد من سخن

گفتند. اما بنده تو در فریض تو تفکر می‌کند.

۲۴ شهادت تو نیز ابتهاج من و مشورت

دهندگان من بوده‌اند.

د

۲۵ جان من به خاک چسبیده است. مرا موافق

کلام خود زنده ساز.

۲۶ راه‌های خود را ذکر کردم و مرا اجابت

نمودی. پس فریض خویش را به من بیاموز.

۲۷ طریق وصایای خود را به من بفهمان و در

کارهای عجیب تو تفکر خواهم نمود.

۲۸ جان من از حزن گداخته می‌شود. مرا

موافق کلام خود برپا مدار.

۲۹ راه دروغ را از من دور کن و شریعت خود

را به من عنایت فرما.

۳۰ طریق راستی را اختیار کردم و داوریهای

تو را پیش خود گذاشتم.

۳۱ به شهادت تو چسبیدم. ای خداوند مرا

خجل مساز.

۳۲ در طریق اوامر تو دوان خواهم رفت، وقتی

که دل مرا وسعت دادی.

ه

۳۳ ای خداوند طریق فریض خود را به من

بیاموز. پس آنها را تا به آخر نگاه خواهم داشت.

۳۴ مرا فهم بده و شریعت تو را نگاه خواهم

داشت و آن را به تمامی دل خود حفظ خواهم

نمود.

۳۵ مرا در طریق اوامر خود سالک گردان زیرا

که در آن رغبت دارم.

۳۶ دل مرا به شهادت خود مایل گردان و نه به

سوی طمع.

۳۷ چشمانم را از دیدن بطلت برگردان و در

طریق خود مرا زنده ساز.

۳۸ کلام خود را بر بنده خویش استوار کن، که

به ترس تو سپرده شده است.

۳۹ ننگ مرا که از آن می‌ترسم از من دور کن

زیرا که داوریهای تو نیکو است.

۴۰ هان به وصایای تو اشتیاق دارم. به حسب

عدالت خود مرا زنده ساز.

و

۴۱ ای خداوند رحمهای تو به من برسد و

نجات تو به حسب کلام تو.

۴۲ تا بتوانم ملامت کننده خود را جواب دهم

زیرا بر کلام تو توکل دارم.

۴۳ و کلام راستی را از دهانم بالکل مگیر زیرا

که به داوریهای تو امیدوارم

۴۴ و شریعت تو را دائماً نگاه خواهم داشت

تا ابداً آباد،

۴۵ و به آزادی راه خواهم رفت زیرا که

وصایای تو را طلبیده‌ام.

۴۶ و در شهادت تو به حضور پادشاهان سخن خواهم گفت و خجل نخواهم شد،
 ۴۷ و از وصایای تو تلذذ خواهم یافت که آنها را دوست می‌دارم؛
 ۴۸ و دستهای خود را به اوامر تو که دوست می‌دارم بر خواهم افراشت و در فرایض تو تفکر خواهم نمود.

ز

۴۹ کلام خود را با بنده خویش به یاد آور که مرا بر آن امیدوار گردانیدی.
 ۵۰ این در مصیبت تسلی من است زیرا قول تو مرا زنده ساخت.

۵۱ متکبران مرا بسیار تمسخر کردند، اما از شریعت تو رو نگردانیدم.

۵۲ ای خداوند داوریهی تو را از قدیم به یاد آوردم و خویشتن را تسلی دادم.

۵۳ حدت خشم مرا در گرفته است، به سبب شیرانی که شریعت تو را ترک کرده‌اند.

۵۴ فرایض تو سرودهای من گردید، در خانه غربت من.

۵۵ ای خداوند نام تو را در شب به یاد آوردم و شریعت تو را نگاه داشتم.

۵۶ این بهره من گردید، زیرا که وصایای تو را نگاه داشتم.

ح

۵۷ خداوند نصیب من است. گفتم که کلام تو را نگاه خواهم داشت.

۵۸ رضامندی تو را به تمامی دل خود طلبیدم.

به حسب کلام خود بر من رحم فرما.
 ۵۹ در راه‌های خود تفکر کردم و پایهای خود را به شهادت تو مایل ساختم.
 ۶۰ شتابیدم و درنگ نکردم تا اوامر تو را نگاه دارم.

۶۱ ریسمانهای شیریان مرا احاطه کرد، اما شریعت تو را فراموش نکردم.

۶۲ در نصف شب برخاستم تا تو را حمد گویم برای داوریهی عدالت تو.

۶۳ من همه ترسندگان را رفیق هستم، و آنانی را که وصایای تو را نگاه می‌دارند.

۶۴ ای خداوند زمین از رحمت تو پر است. فرایض خود را به من بیاموز.

ط

۶۵ با بنده خود احسان نمودی، ای خداوند موافق کلام خویش.

۶۶ خردمندی نیکو و معرفت را به من بیاموز زیرا که به اوامر تو ایمان آوردم.

۶۷ قبل از آنکه مصیبت را ببینم من گمراه شدم اما الآن کلام تو را نگاه داشتم.

۶۸ تو نیکو هستی و نیکویی می‌کنی. فرایض خود را به من بیاموز.

۶۹ متکبران بر من دروغ بستند. و اما من به تمامی دل وصایای تو را نگاه داشتم.

۷۰ دل ایشان مثل پیه فریه است. و اما من در شریعت تو تلذذ می‌یابم.

۷۱ مرا نیکو است که مصیبت را دیدم، تا فرایض تو را بیاموزم.

۷۲ شریعت دهان تو برای من بهتر است از

هزاران طلا و نقره.

۸۵ متکبران برای من حفره‌ها زدند زیرا که موافق شریعت تو نیستند.

۸۶ تمامی اوامر تو امین است. بر من ناحق جفا کردند. پس مرا امداد فرما.

۸۷ نزدیک بود که مرا از زمین نابود سازند. اما من وصایای تو را ترک نکردم.

۸۸ به حسب رحمت خود مرا زنده ساز تا شهادت دهان تو را نگاه دارم.

ل

۸۹ ای خداوند کلام تو تا ابدآباد در آسمانها پایدار است.

۹۰ امانت تو نسلاً بعد نسل است. زمین را آفریده‌ای و پایدار می‌ماند.

۹۱ برای داوریهای تو تا امروز ایستاده‌اند زیرا که همه بندهٔ تو هستند.

۹۲ اگر شریعت تو تلذذ من نمی‌بود، به راستی در مذلت خود هلاک می‌شدم.

۹۳ وصایای تو را تا به ابد فراموش نخواهم کرد زیرا به آنها مرا زنده ساخته‌ای.

۹۴ من از آن تو هستم مرا نجات ده زیرا که وصایای تو را طلبیدم.

۹۵ شیرین برای من انتظار کشیدند تا مرا هلاک کنند. اما در شهادت تو تأمل می‌کنم.

۹۶ برای هر کمالی انتهایی دیدم، اما حکم تو بی‌نهایت وسیع است.

م

۹۷ شریعت تو را چقدر دوست می‌دارم؛ تمامی روز تفکر من است.

ی

۷۳ دستهای تو مرا ساخته و آفریده است. مرا فهیم گردان تا اوامر تو را بیاموزم.

۷۴ ترسندگان تو چون مرا ببینند شادمان گردند زیرا به کلام تو امیدوار هستم.

۷۵ ای خداوند دانسته‌ام که داوریهای تو عدل است، و بر حق مرا مصیبت داده‌ای.

۷۶ پس رحمت تو برای تسلی من بشود، موافق کلام تو با بندهٔ خویش.

۷۷ رحمت‌های تو به من برسد تا زنده شوم زیرا که شریعت تو تلذذ من است.

۷۸ متکبران خجل شوند زیرا به دروغ مرا اذیت رسانیدند. و اما من در وصایای تو تفکر می‌کنم.

۷۹ ترسندگان تو به من رجوع کنند و آنانی که شهادت تو را می‌دانند.

۸۰ دل من در فرایض تو کامل شود، تا خجل نشوم.

ک

۸۱ جان من برای نجات تو کاهیده می‌شود. اما به کلام تو امیدوار هستم.

۸۲ چشمان من برای کلام تو تار گردیده است و می‌گویم کی مرا تسلی خواهی داد.

۸۳ زیرا که مثل مشک در دود گردیده‌ام. اما فرایض تو را فراموش نکرده‌ام.

۸۴ چند است روزهای بندهٔ تو؟ و کی بر جفا کنندگانم داوری خواهی نمود؟

۹۸ اوامر تو مرا از دشمنانم حکیم تر ساخته است زیرا که همیشه نزد من می باشد.

۹۹ از جمیع معلمان خود فهیم تر شدم زیرا که شهادت تو تفکر من است.

س

۱۰۰ از مشایخ خردمندتر شدم زیرا که وصایای تو را نگاه داشتم.

۱۰۱ پایهای خود را از هر راه بد نگاه داشتم تا آن که کلام تو را حفظ کنم.

۱۰۲ از داوریهای تو رو برنگردانیدم، زیرا که تو مرا تعلیم دادی.

۱۰۳ کلام تو به مذاق من چه شیرین است و به دهانم از عسل شیرین تر.

۱۰۴ از وصایای تو فهم را تحصیل کردم. بنابراین هر راه دروغ را مکروه می دارم.

۱۰۵ کلام تو برای پایهای من چراغ، و برای راههای من نور است.

۱۰۶ مرا به حسب کلام خود تأیید کن تا زنده شوم و از امید خود خجل نگردم.

۱۰۶ قسم خوردم و آن را وفا خواهم نمود که داوریهای عدالت تو را نگاه خواهم داشت.

۱۰۷ مرا تقویت کن تا رستگار گردم و بر فرایض تو دائماً نظر نمایم.

۱۰۷ بسیار ذلیل شده ام. ای خداوند، موافق کلام خود مرا زنده ساز!

۱۰۸ همه کسانی را که از فرایض تو گمراه شده اند، حقیر شمرده ای زیرا که مکر ایشان دروغ است.

۱۰۸ ای خداوند هدایای تَبْرَعی دهان مرا منظور فرما و داوریهای خود را به من بیاموز.

۱۰۹ جمیع شریران زمین را مثل دُرد هلاک می کنی. بنابراین شهادت تو را دوست می دارم.

۱۰۹ جان من همیشه در کف من است، اما شریعت تو را فراموش نمی کنم.

۱۱۰ موی بدن من از ترس تو برخاسته است و از داوریهای تو ترسیدم.

۱۱۰ شریران برای من دام گذاشته اند، اما از وصایای تو گمراه نشدم.

ع

۱۱۱ داد و عدالت را به جا آوردم. مرا به ظلم کنندگانم تسلیم منما.

۱۱۱ شریعت تو را فراموش نمی کنم.

۱۱۲ برای سعادت بنده خود ضامن شو تا متکبران بر من ظلم نکنند.

۱۱۲ شریران برای من دام گذاشته اند، اما از وصایای تو گمراه نشدم.

۱۱۳ چشمانم برای نجات تو تار شده است و برای کلام عدالت تو.

۱۱۳ شهادت تو را تا به ابد میراث خود ساختم زیرا که آنها شادمانی دل من است.

۱۱۴ با بنده خویش موافق رحمانیت عمل نما

و فرایض خود را به من بیاموز.
 ۱۲۵ من بندهٔ تو هستم. مرا فهیم گردان تا
 شهادت تو را دانسته باشم.
 ۱۲۶ وقت است که خداوند عمل کند زیرا که
 شریعت تو را باطل نموده‌اند.
 ۱۲۷ بنابراین، اوامر تو را دوست می‌دارم،
 زیادت‌تر از طلا و زر خالص.
 ۱۲۸ بنابراین، همهٔ وصایای تو را در هر
 چیز راست می‌دانم، و هر راه دروغ را مکروه
 می‌دارم.

ف

۱۲۹ شهادت تو عجیب است. از این سبب
 جان من آنها را نگاه می‌دارد.
 ۱۳۰ کشف کلام تو نور می‌بخشد و ساده دلان
 را فهیم می‌گرداند.
 ۱۳۱ دهان خود را نیکو باز کرده، نفس زدم
 زیرا که مشتاق وصایای تو بودم.
 ۱۳۲ بر من نظر کن و کرم فرما، بر حسب
 عادت تو به آنانی که نام تو را دوست می‌دارند.
 ۱۳۳ قدم‌های مرا در کلام خودت پایدار ساز،
 تا هیچ بدی بر من تسلط نیابد.
 ۱۳۴ مرا از ظلم انسان خلاصی ده، تا وصایای
 تو را نگاه دارم.
 ۱۳۵ روی خود را بر بندهٔ خود روشن ساز، و
 فرایض خود را به من بیاموز.
 ۱۳۶ نهرهای آب از چشمانم جاری است زیرا
 که شریعت تو را نگاه نمی‌دارند.

ص

۱۳۷ ای خداوند تو عادل هستی و داوریهای

تو راست است.

۱۳۸ شهادت خود را به راستی امر فرمودی و
 به امانت الی نهایت.
 ۱۳۹ غیرت من مرا هلاک کرده است زیرا که
 دشمنان من کلام تو را فراموش کرده‌اند.
 ۱۴۰ کلام تو بی‌نهایت مصفی است و بندهٔ تو
 آن را دوست می‌دارد.
 ۱۴۱ من کوچک و حقیر هستم، اما وصایای
 تو را فراموش نکردم.
 ۱۴۲ عدالت تو عدل است تا ابدالآباد و
 شریعت تو راست است.
 ۱۴۳ تنگی و کاستی مرا در گرفته است، اما
 اوامر تو تلذذ من است.
 ۱۴۴ شهادت تو عادل است تا ابدالآباد. مرا
 فهیم گردان تا زنده شوم.

ق

۱۴۵ به تمامی دل خوانده‌ام. ای خداوند مرا
 جواب ده تا فرایض تو را نگاه دارم!
 ۱۴۶ تو را خوانده‌ام، پس مرا نجات ده. و
 شهادت تو را نگاه خواهم داشت.
 ۱۴۷ بر طلوع فجر سبقت جست، استغاثه
 کردم، و کلام تو را انتظار کشیدم.
 ۱۴۸ چشمانم بر پاسهای شب سبقت جست،
 تا در کلام تو تفکر بنمایم.
 ۱۴۹ به حسب رحمت خود آواز مرا بشنو. ای
 خداوند موافق داوریهای خود مرا زنده ساز.
 ۱۵۰ آنانی که در پی خباثی می‌روند، نزدیک
 می‌آیند، و از شریعت تو دور می‌باشند.
 ۱۵۱ ای خداوند تو نزدیک هستی و جمیع

اوامر تو راست است.

۱۵۲ شهادت تو را از زمان پیش دانسته‌ام که
آنها را بنیان کرده‌ای تا ابدالآباد.

ر

۱۵۳ بر مذلت من نظر کن و مرا خلاصی ده
زیرا که شریعت تو را فراموش نکرده‌ام.

۱۵۴ در دعوی من دادرسی فرموده، مرا
نجات ده و به حسب کلام خویش مرا زنده
ساز.

۱۵۵ نجات از شریران دور است زیرا که
فرایض تو را نمی‌طلبند.

۱۵۶ ای خداوند، رحمت‌های تو بسیار است. به
حسب داوری‌های خود مرا زنده ساز.

۱۵۷ جفاکنندگان و دشمنان من بسیارند. اما
از شهادت تو رو برگردانیدم.

۱۵۸ خیانت کاران را دیدم و مکروه داشتم زیرا
کلام تو را نگاه نمی‌دارند.

۱۵۹ ببین که وصایای تو را دوست می‌دارم.
ای خداوند، به حسب رحمت خود مرا زنده
ساز!

۱۶۰ جمله کلام تو راستی است و تمامی
داوری عدالت تو تا ابدالآباد است.

ش

۱۶۱ سروران بی جهت بر من جفا کردند. اما
دل من از کلام تو ترسان است.

۱۶۲ من در کلام تو شادمان هستم، مثل کسی
که غنیمت وافر پیدا نموده باشد.

۱۶۳ از دروغ‌گراحت و نفرت دارم. اما

شریعت تو را دوست می‌دارم.

۱۶۴ هر روز تو را هفت مرتبه تسبیح

می‌خوانم، برای داوری‌های عدالت تو.

۱۶۵ آنانی را که شریعت تو را دوست

می‌دارند، صلح عظیم است و هیچ چیز باعث
لغزش ایشان نخواهد شد.

۱۶۶ ای خداوند، برای نجات تو امیدوار

هستم و اوامر تو را به جا می‌آورم.

۱۶۷ جان من شهادت تو را نگاه داشته است

و آنها را بی‌نهایت دوست می‌دارم.

۱۶۸ وصایا و شهادت تو را نگاه داشته‌ام زیرا

که تمام طریق‌های من در مد نظر تو است.

ت

۱۶۹ ای خداوند، فریاد من به حضور تو

برسد. به حسب کلام خود مرا فهمیدم گردان.

۱۷۰ مناجات من به حضور تو برسد. به

حسب کلام خود مرا خلاصی ده.

۱۷۱ لبهای من حمد تو را جاری کند زیرا

فرایض خود را به من آموخته‌ای.

۱۷۲ زبان من کلام تو را بسراید زیرا که تمام

اوامر تو عدل است.

۱۷۳ دست تو برای کمک من بشود زیرا که

وصایای تو را برگزیده‌ام.

۱۷۴ ای خداوند برای نجات تو مشتاق بوده‌ام

و شریعت تو تلذذ من است.

۱۷۵ جان من زنده شود تا تو را تسبیح بخواند

و داوری‌های تو معاون من باشد.

۱۷۶ مثل گوسفند گم شده، آواره گشتم. بنده

خود را طلب نما، زیرا که اوامر تو را فراموش

نکردم.

دست راستت سایه تو است.

۶ آفتاب در روز به تو اذیت نخواهد رسانید و

نه ماهتاب در شب.

۷ خداوند تو را از هر بدی نگاه می‌دارد. او

جان تو را حفظ خواهد کرد.

۸ خداوند خروج و دخولت را نگاه خواهد

داشت، از الآن و تا ابدآباد.

در وصف اورشلیم

سرود درجات از داود

شادمان می‌شدم چون به من
۱۲۲ می‌گفتند: «به خانه خداوند

برویم.»

۲ پایهای ما خواهد ایستاد، به اندرون

دروازه‌های تو، ای اورشلیم!

۳ ای اورشلیم که بنا شده‌ای مثل شهری که

تماماً با هم پیوسته باشد،

۴ که بدانجا اسباط بالا می‌روند، یعنی اسباط

یاه، تا شهادت باشد برای اسرائیل و تا نام یهوه

را تسبیح بخوانند.

۵ زیرا که در آنجا کرسیهای داوری بر پا شده

است، یعنی کرسیهای خاندان داود.

۶ برای صلح اورشلیم مسألت کنید. آنانی که

تو را دوست می‌دارند، خجسته حال خواهند

شد.

۷ صلح در باره‌های تو باشد، و رفاهیت در

قصرهای تو.

۸ به خاطر برداران و یاران خویش، می‌گویم

که صلح بر تو باد.

۹ به خاطر خانه یهوه خدای ما، سعادت تو را

دعا در تنگی

سرود درجات

نزد خداوند در تنگی خود فریاد

کردم و مرا اجابت فرمود.

۲ ای خداوند جان مرا خلاصی ده از لب

دروغ و از زبان حيله‌گر.

۳ چه چیز به تو داده شود و چه چیز بر تو

افزوده گردد، ای زبان حيله‌گر؟

۴ تیرهای تیز جباران با اخگرهای طاق!

۵ وای بر من که در ماشک ماوا گزیده‌ام و در

خیمه‌های قیدار ساکن شده‌ام.

۶ چه طویل شد سکونت جان من با کسی که

صلح را دشمن می‌دارد!

۷ من از اهل صلح هستم، اما چون سخن

می‌گویم، ایشان آماده جنگ می‌باشند.

کمک الهی

سرود درجات

چشمان خود را به سوی کوه‌ها

برمی‌افرازم، کمک من از کجا

می‌آید.

۲ کمک من از جانب خداوند است، که

آسمان و زمین را آفرید.

۳ او نخواهد گذاشت که پای تو لغزش خورد.

او که حافظ توست نخواهد خوابید.

۴ اینک، او که حافظ اسرائیل است،

نمی‌خوابد و به خواب نمی‌رود.

۵ خداوند حافظ تو می‌باشد. خداوند به

۱۲۰

۱۲۲

۱۲۱

شد. دام گسسته شد و ما خلاصی یافتیم.
 ۸ کمک ما به نام یهوه است، که آسمان و
 زمین را آفرید.

خواهم طلبید.

طلب کرم

سرود درجات

متوکلان خدا جنبش نخواهند خورد

سرود درجات

آنانی که بر خداوند توکل دارند،
 ۱۲۵ مثل کوه صهیون اند که جنبش

نمی خورد و پایدار است تا ابدالآباد.
 ۲ کوهها گرداگرد اورشلیم است؛ و خداوند
 گرداگرد قوم خود، از الآن و تا ابدالآباد است.
 ۳ زیرا که عصای شریران بر نصیب عادلان
 قرار نخواهد گرفت، مبادا عادلان دست خود را
 به گناه دراز کنند.

۴ ای خداوند به صالحان احسان فرما و به
 آنانی که راست دل می باشند.
 ۵ و اما آنانی که به راههای کج خود مایل
 می باشند، خداوند ایشان را با بدکاران رهبری
 خواهد نمود. صلح بر اسرائیل باد.

بازآوردن اسیران صهیون

سرود درجات

چون خداوند اسیران صهیون را
 ۱۲۶ باز آورد، مثل خواب بینندگان
 شدیم.

۲ آنگاه دهان ما از خنده پر شد و زبان ما از
 ترنم. آنگاه در میان امت ها گفتند که «خداوند با
 ایشان کارهای عظیم کرده است.»
 ۳ خداوند برای ما کارهای عظیم کرده است
 که از آنها شادمان هستیم.

به سوی تو چشمان خود را
 ۱۲۳ برمی افرازم، ای که بر آسمانها
 جلوس فرموده ای!

۲ اینک، مثل چشمان غلامان به سوی آقایان
 خود، و مثل چشمان کنیزی به سوی خاتون
 خویش، همچنان چشمان ما به سوی یهوه
 خدای ماست تا بر ما کرم بفرماید.
 ۳ ای خداوند بر ما کرم فرما، بر ما کرم فرما
 زیرا چه بسیار از اهانت پر شده ایم.
 ۴ چه بسیار جان ما پر شده است، از تمسخر
 آسودگان و اهانت متکبران.

کمک از جانب خدا

سرود درجات از داود

اگر خداوند با ما نمی بود،
 ۱۲۴ اسرائیل الآن بگوید؛
 ۲ اگر خداوند با ما نمی بود، وقتی که آدمیان با
 ما مقاومت نمودند،

۳ آنگاه به راستی ما را زنده فرو می بردند،
 چون خشم ایشان بر ما فروخته بود.
 ۴ آنگاه آنها ما را غرق می کرد و نهرها بر جان
 ما می گذشت.

۵ آنگاه آبهای پر زور، از جان ما می گذشت.
 ۶ متبارک باد خداوند که ما را شکار برای
 دندانهای ایشان نساخت.
 ۷ جان ما مثل مرغ از دام صیادان خلاص

۴ ای خداوند اسیران ما را باز آور، مثل نهرها در جنوب.

۵ آنانی که با اشکها می کارند، با ترنم درو خواهند نمود.

۶ آنکه با گریه بیرون می رود و تخم برای زراعت می برد، به راستی با ترنم خواهد برگشت و با فاهای خویش را خواهد آورد.

اعتماد بر خدا

سرود درجات از سلیمان

اگر خداوند خانه را بنا نکند، بنایانش زحمت بی فایده می کشند. اگر خداوند شهر را پاسبانی نکند، پاسبانان بی فایده پاسبانی می کنند.

۲ بی فایده است که شما صبح زود بر می خیزید و شب دیر می خوابید و نان مشقت را می خورید. همچنان محبوبان خویش را خواب می بخشد.

۳ اینک، پسران میراث از جانب خداوند می باشند و ثمره رحمت، اجرتی از اوست.

۴ مثل تیرها در دست مرد زور آور، همچنان هستند پسران جوانی.

۵ برکت می گیرد کسی که ترکش خود را از ایشان پر کرده است. خجل نخواهند شد، بلکه با دشمنان، در دروازه سخن خواهند راند.

برکت می گیرند ترسندگان خدا

سرود درجات

برکت می گیرد هر که از خداوند می ترسد و بر طریق های او

سالک می باشد.

۲ عمل دستهای خود را خواهی خورد. برکت می گیری تو و سعادت با تو خواهد بود.

۳ زن تو مثل مو بار آور به اطراف خانه تو خواهد بود و پسرانت مثل نهالهای زیتون، گرداگرد سفره تو.

۴ اینک، همچنین مبارک خواهد بود کسی که از خداوند می ترسد.

۵ خداوند تو را از صهیون برکت خواهد داد، و در تمام ایام عمرت سعادت اورشلیم را خواهی دید.

۶ پسران پسران خود را خواهی دید. صلح بر اسرائیل باد.

رهایی از شیران

سرود درجات

چه بسیار از طفولیتیم مرا اذیت رسانیدند. اسرائیل الآن بگویند:

۲ چه بسیار از طفولیتیم مرا اذیت رسانیدند. اما بر من غالب نیامدند.

۳ شیار کنندگان بر پشت من شیار کردند، و شیارهای خود را دراز نمودند.

۴ اما خداوند عادل است و بندهای شیران را گسیخت.

۵ خجل و برگردانیده شوند همه کسانی که از صهیون نفرت دارند.

۶ مثل گیاه بر پشت بامها باشند، که پیش از آن که آن را بچینند می خشکد.

۷ که درونده دست خود را از آن پر نمی کند و نه دسته بند آغوش خود را.

۱۲۷

۱۲۹

۱۲۸

مثل بچه‌ای از شیر باز داشته شده، نزد مادر خود. جانم در من بود، مثل بچه از شیر بازداشته شده.

۳ اسرائیل بر خداوند امیدوار باشند، از الآن و تا ابدالآباد.

در وصف هیکل

سرود درجات

ای خداوند برای داود به یاد آور، همهٔ مذلت‌های او را.

۱۳۲

۲ چگونه برای خداوند قسم خورد و برای قادر مطلق یعقوب نذر نمود

۳ که به خیمهٔ خانهٔ خود هرگز داخل نخواهم شد، و بر بستر تخت‌خواب خود برنخوام آمد،

۴ خواب به چشمان خود نخواهم داد و نه پینکی به مژگان خویش،

۵ تا مکانی برای خداوند پیدا کنم و مسکنی برای قادر مطلق یعقوب.

۶ اینک، ذکر آن را در افراشته شنیدیم و آن را در صحرای یَعَارِیم یافتیم.

۷ به مسکن‌های او داخل شویم و نزد قدمگاه وی پرستش نماییم.

۸ ای خداوند به آرامگاه خود برخیز و بیا، تو و تابوت قوت تو.

۹ کاهنان تو به عدالت ملبس شوند و مقدّسات ترنم نمایند.

۱۰ به خاطر بندهٔ خود داود، روی مسیح خود را برمگردان.

۱۱ خداوند برای داود به راستی قسم خورد و از آن برنخواهد گشت که «از ثمرهٔ صُلب تو بر

۸ و راهگزاران نمی‌گویند برکت خداوند بر شما باد. شما را به نام خداوند مبارک می‌خوانیم.

انتظار برای خدا

سرود درجات

ای خداوند از عمق‌ها نزد تو فریاد برآوردم.

۱۳۰

۲ ای خداوند! آواز مرا بشنو و گوشه‌های تو به آواز نضّع من ملتفت شود.

۳ ای یاه، اگر گناهان را به نظر آوری، کیست ای خداوند که به حضور تو بایستد؟

۴ اما مغفرت نزد توست تا از تو بترسند.

۵ منتظر خداوند هستم. جان من منتظر است و به کلام او امیدوارم.

۶ جان من منتظر خداوند است، زیاده از منتظران صبح؛ بلی زیاده از منتظران صبح.

۷ اسرائیل برای خداوند امیدوار باشند زیرا که رحمت نزد خداوند است و نزد اوست نجات فراوان.

۸ و او اسرائیل را فدیة خواهد داد، از جمیع گناهان وی.

فروتنی در مقابل خدا

سرود درجات از داود

ای خداوند، دل من متکبر نیست و نه چشمانم برافراشته و

۱۳۱

خویشتن را به کارهای بزرگ مشغول نساختم، و نه به کارهایی که از عقل من بعید است.

۲ بلکه جان خود را آرام و ساکت ساختم،

تخت تو خواهم گذاشت.

۱۲ اگر پسران تو عهد مرا نگاه دارند و

شهاداتم را که بدیشان می‌آموزم، پسران ایشان
نیز بر کرسی تو تا به ابد خواهند نشست.»

۱۳ زیرا که خداوند صهیون را برگزیده است و
آن را برای مسکن خویش مرغوب فرموده.

۱۴ «این است آرامگاه من تا ابدالآباد. اینجا
ساکن خواهم بود زیرا در این رغبت دارم.

۱۵ آذوقه آن را به راستی برکت خواهم داد و
فقیرانش را به نان سیر خواهم ساخت،

۱۶ و کاهانش را به نجات ملتس خواهم
ساخت و مقدسانش به راستی ترنم خواهند
نمود.

۱۷ در آنجا شاخ داود را خواهم رویانید و
چراغی برای مسیح خود آماده خواهم ساخت.

۱۸ دشمنان او را به خجالت ملتس خواهم
ساخت و تاج او بر وی شکوفه خواهد آورد.»

در وصف یکدلی

سرود درجات از داود

اینک، چه خوش و چه دلپسند

۱۳۳ است که برادران به یکدلی با هم
ساکن شوند.

۲ مثل روغن نیکو بر سر است که به ریش
فرود می‌آید، یعنی به ریش هارون که به دامن
ردایش فرود می‌آید.

۳ و مثل شبنم حرمون است که بر کوه‌های
صهیون فرود می‌آید. زیرا که در آنجا خداوند
برکت خود را فرموده است، یعنی حیات را تا
ابدالآباد.

تمجید خدا

سرود درجات

۱۳۴ هان خداوند را متبارک خوانید،
ای جمیع بندگان خداوند که

شبانگاه در خانه خداوند می‌ایستید!

۲ دستهای خود را به قدس برافرازید، و

خداوند را متبارک خوانید.

۳ خداوند که آسمان و زمین را آفرید، تو را از

صهیون برکت خواهد داد.

تسبیح خداوند

۱۳۵ هَللویاه، نام خداوند را تسبیح
بخوانید! ای بندگان خداوند

تسبیح بخوانید!

۲ ای شما که در خانه خداوند می‌ایستید، در
صحنهای خانه خدای ما.

۳ هَللویاه، زیرا خداوند نیکو است! نام او را
بسرایید زیرا که دلپسند است.

۴ زیرا که خداوند یعقوب را برای خود

برگزید، و اسرائیل را به جهت ملک خاص
خویش.

۵ زیرا می‌دانم که خداوند بزرگ است و
خداوند ما برتر است از جمیع خدایان.

۶ هر آنچه خداوند خواست آن را کرد، در
آسمان و در زمین و در دریا و در همه لجه‌ها.

۷ ابرها را از اقصای زمین برمی‌آورد و برقها
را برای باران می‌سازد و بادها را از مخزنهای

خویش بیرون می‌آورد.

۸ که نخست زادگان مصر را کشت، هم از

انسان هم از چهار پایان.

سرود سپاسگزاری

خداوند را حمد گویند زیرا
که نیکو است و رحمت او تا
ابدالآباد است.

۱۳۶

۲ خدای خدایان را حمد گویند، زیرا که
رحمت او تا ابدالآباد است.

۳ ربّ الارباب را حمد گویند، زیرا که رحمت
او تا ابدالآباد است.

۴ او را که تنها کارهای عجیب عظیم می‌کند،
زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.

۵ او را که آسمانها را به حکمت آفرید، زیرا که
رحمت او تا ابدالآباد است.

۶ او را که زمین را بر آنها گسترانید، زیرا که
رحمت او تا ابدالآباد است.

۷ او را که ستارگانی بزرگ آفرید زیرا که
رحمت او تا ابدالآباد است.

۸ آفتاب را برای سلطنت روز، زیرا که رحمت
او تا ابدالآباد است.

۹ ماه و ستارگان را برای سلطنت شب، زیرا
که رحمت او تا ابدالآباد است.

۱۰ که مصر را در نخست زادگانش زد، زیرا که
رحمت او تا ابدالآباد است.

۱۱ و اسرائیل را از میان ایشان بیرون آورد،
زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.

۱۲ با دست قوی و بازوی دراز، زیرا که
رحمت او تا ابدالآباد است.

۱۳ او را که دریای سرخ را به دو بهره تقسیم
کرد، زیرا که رحمت او تا ابدالآباد است.

۱۴ و اسرائیل را از میان آن گذرانید، زیرا که
رحمت او تا ابدالآباد است.

۹ آیات و معجزات را در وسط تو ای مصر
فرستاد، بر فرعون و بر جمیع بندگان وی.
۱۰ که امت‌های بسیار را زد و پادشاهان عظیم
را کشت.

۱۱ سیحون پادشاه اموریان و عوج پادشاه
باشان و جمیع ممالک کنعان را.

۱۲ و زمین ایشان را به میراث داد، یعنی به
میراث قوم خود اسرائیل.

۱۳ ای خداوند، نام توست تا ابدالآباد؛ و ای
خداوند، یادگاری توست تا جمیع طبقات.

۱۴ زیرا خداوند قوم خود را داوری خواهد
نمود و بر بندگان خویش شفقت خواهد فرمود.

۱۵ بتهای امت‌ها طلا و نقره می‌باشند، عمل
دستهای انسان.

۱۶ دهنها دارند و سخن نمی‌گویند؛ چشمان
دارند و نمی‌بینند؛

۱۷ گوشها دارند و نمی‌شنوند، بلکه در دهان
ایشان هیچ نفس نیست.

۱۸ سازندگان آنها مثل آنها می‌باشند و هر که بر
آنها توکل دارد.

۱۹ ای خاندان اسرائیل، خداوند را متبارک
خوانید. ای خاندان هارون، خداوند را متبارک
خوانید.

۲۰ ای خاندان لای، خداوند را متبارک
خوانید. ای ترسندگان خداوند، خداوند را
متبارک خوانید.

۲۱ خداوند از صهیون متبارک باد، که در
اورشلیم ساکن است. هَلّولیه.

در میان آنها بود.

۳ زیرا آنانی که ما را به اسیری برده بودند، در آنجا از ما سرود خواستند؛ و آنانی که ما را تاراج کرده بودند، شادمانی [خواستند] که «یکی از سرودهای صهیون را برای ما بسرایید.»
۴ چگونه سرود خداوند را، در زمین بیگانه بخوانیم؟

۵ اگر تو را ای اورشلیم فراموش کنم، آنگاه دست راست من فراموش کند.

۶ اگر تو را به یاد نیاورم، آنگاه زبانم به کامم بچسبد، اگر اورشلیم را بر همه شادمانی خود ترجیح ندهم.

۷ ای خداوند، روز اورشلیم را برای بنی ادمم به یاد آور، که گفتند: «منهدم سازید، تا بنیادش منهدم سازید!»

۸ ای دختر بابل که خراب خواهی شد، برکت می‌گیرد آنکه به تو جزا دهد چنانکه تو به ما جزا دادی!

۹ برکت می‌گیرد آنکه اطفال تو را بگیرد و ایشان را به صخره‌ها بزند.

سرود حمد

مزمور داود

تو را به تمامی دل خود حمد خواهم گفت. به حضور خدایان تو را حمد خواهم گفت.

۱۳۸

۲ به سوی هیکل قدس تو عبادت خواهم کرد و نام تو را حمد خواهم گفت، به سبب رحمت و راستی تو. زیرا کلام خویش را بر تمام اسم خود تمجید نمودهای.

۱۵ و فرعون و لشکر او را در بحر قلزم انداخت، زیرا که رحمت او تا ابد آباد است.
۱۶ او را که قوم خویش را در صحرا رهبری نمود، زیرا که رحمت او تا ابد آباد است.
۱۷ او را که پادشاهان بزرگ را زد، زیرا که رحمت او تا ابد آباد است.
۱۸ و پادشاهان نامور را کشت، زیرا که رحمت او تا ابد آباد است.
۱۹ سیحون پادشاه اموریان را، زیرا که رحمت او تا ابد آباد است.
۲۰ و عوج پادشاه باشان را، زیرا که رحمت او تا ابد آباد است.

۲۱ و زمین ایشان را به ارثیت داد، زیرا که رحمت او تا ابد آباد است.
۲۲ یعنی به ارثیت بنده خویش اسرائیل، زیرا که رحمت او تا ابد آباد است.
۲۳ و ما را در مدلت ما به یاد آورد، زیرا که رحمت او تا ابد آباد است.
۲۴ و ما را از دشمنان ما رهایی داد، زیرا که رحمت او تا ابد آباد است.
۲۵ که همه بشر را روزی می‌دهد، زیرا که رحمت او تا ابد آباد است.
۲۶ خدای آسمانها را حمد گوید، زیرا که رحمت او تا ابد آباد است.

سرود تبعیدیون

۱۳۷ نزد نهرهای بابل آنجا نشنستیم و گریه نیز کردیم، چون صهیون را به یاد آوردیم.
۲ بر بطنهای خود را آویختیم بر درختان بید که

۳ در روزی که تو را خواندم مرا اجابت فرمودی. و مرا با قوت در جانم شجاع ساختی.

۴ ای خداوند، تمام پادشاهان جهان تو را حمد خواهند گفت، چون کلام دهان تو را بشنوند.

۵ و طریق‌های خداوند را خواهند سراپید، زیرا که جلال خداوند عظیم است.

۶ زیرا که خداوند متعال است، اما بر فروتنان نظر می‌کند. و اما متکبران را از دور می‌شناسد.

۷ اگر چه در میان تنگی راه می‌روم، مرا زنده خواهی کرد. دست خود را بر خشم دشمنانم دراز می‌کنی و دست راستم مرا نجات خواهد داد.

۸ خداوند کار مرا به کمال خواهد رسانید. ای خداوند، رحمت تو تا ابدالآباد است. کارهای دست خویش را ترک منما.

۹ و بلند است که بدان نمی‌توانم رسید. ۷ از روح تو کجا بروم؟ و از حضور تو کجا بگیرم؟

۸ اگر به آسمان صعود کنم، تو آنجا هستی! و اگر در هاویه بستر بگسترانم اینک، تو آنجا هستی!

۹ اگر بالهای سحر را بگیرم و در اقصای دریا ساکن شوم،

۱۰ در آنجا نیز دست تو مرا رهبری خواهد نمود و دست راست تو مرا خواهد گرفت.

۱۱ و گفتم: «یقیناً تاریکی مرا خواهد پوشانید.» که در حال شب گرداگرد من روشنایی گردید.

۱۲ تاریکی نیز نزد تو تاریک نیست و شب مثل روز روشن است و تاریکی و روشنایی یکی است.

۱۳ زیرا که تو بر دل من مالک هستی؛ مرا در رحم مادرم نقش بستی.

۱۴ تو را حمد خواهم گفت زیرا که به طور مهیب و عجیب ساخته شده‌ام. کارهای تو عجیب است و جان من این را نیکو می‌داند.

۱۵ استخوانهایم از تو پنهان نبود وقتی که در نهان ساخته می‌شدم و در اسفل زمین نقشبندی می‌گشتم.

۱۶ چشمان تو جنین مرا دیده‌است و در دفتر تو همه اعضای من نوشته شده، در روزهایی که ساخته می‌شد، وقتی که یکی از آنها وجود نداشت.

۱۷ ای خدا، فکرهای تو نزد من چه قدر گرامی است و جمله آنها چه عظیم است!

حکمت و علم خدا

برای سالار معنیان، مزمور داود

۱۳۹

ای خداوند مرا آزموده و شناخته‌ای.

۲ تو نشستن و برخاستن مرا می‌دانی و فکرهای مرا از دور فهمیده‌ای.

۳ راه و خوابگاه مرا تفتیش کرده‌ای و همه طریق‌های مرا دانسته‌ای.

۴ زیرا که سخنی بر زبان من نیست، جز اینکه تو ای خداوند آن را تماماً دانسته‌ای.

۵ از عقب و از پیش مرا احاطه کرده‌ای و دست خویش را بر من نهاده‌ای.

۶ این گونه معرفت برایم زیاده عجیب است.

و دام به سر راه گسترده، و کمندها برای من
نهاده‌اند، سلاه.

۶ به خداوند گفتم: «تو خدای من هستی. ای
خداوند، آواز تضرع مرا بشنو!»

۷ ای یهوه خداوند که قوت نجات من هستی،
تو سر مرا در روز جنگ پوشانیده‌ای.

۸ ای خداوند، آرزوهای شریر را برایش
برمیآور و تدابیر ایشان را به انجام مرسا مبادا
سرافراشته شوند، سلاه.

۹ و اما سرهای آنانی که مرا احاطه می‌کنند،
شرارت لبهای ایشان، آنها را خواهد پوشانید.

۱۰ اخگرهای سوزنده را بر ایشان خواهند
ریخت، ایشان را در آتش خواهند انداخت و در
ژرفیها که دیگر نخواهند برخاست.

۱۱ مرد بدگو در زمین پایدار نخواهد شد.

مرد ظالم را شرارت صید خواهد کرد تا او را
هلاک کند.

۱۲ می‌دانم که خداوند دادرسی فقیر را خواهد
کرد و داوری مسکینان را خواهد نمود.

۱۳ به راستی عادلان نام تو را حمد خواهند
گفت و راستان به حضور تو ساکن خواهند
شد.

درخواست کمک

مزمور داود

ای خداوند تو را می‌خوانم. نزد
من بشتاب! و چون تو را بخوانم

آواز مرا بشنو!

۲ دعای من به حضور تو مثل بخور آراسته

شود، و برافراشتن دستهایم، مثل هدیه شام.

۱۸ اگر آنها را بشمارم، از ریگ زیاده است.
وقتی که بیدار می‌شوم هنوز نزد تو حاضر
هستم.

۱۹ یقیناً ای خدا شریران را خواهی کشت.

پس ای مردمان خون ریز از من دور شوید.

۲۰ زیرا سخنان مکرآمیز درباره تو می‌گویند و
دشمنان نام تو را به باطل می‌برند.

۲۱ ای خداوند آیا نفرت نمی‌دارم از آنانی که
تو را نفرت می‌دارند، و آیا مخالفان تو را مکروه
نمی‌شمارم؟

۲۲ ایشان را به نفرت تام نفرت می‌دارم.

ایشان را دشمنان خویشتم می‌شمارم.

۲۳ ای خدا مرا تفتیش کن و دل مرا بشناس.

مرا بیازما و فکرهای مرا بدان،

۲۴ و ببین که آیا در من راه فساد است! و مرا
به طریق جاودانی هدایت فرما.

دعای حفاظت

برای سالار مغنیان. مزمور داود

ای خداوند، مرا از مرد شریر
رهای ده و از مرد ظالم مرا
محفوظ فرما!

۲ که در دل‌های خود در شرارت تفکر می‌کنند
و تمامی روز برای جنگ جمع می‌شوند.

۳ دندانهای خود را مثل مار تیز می‌کنند و زهر
افعی زیر لب ایشان است، سلاه.

۴ ای خداوند مرا از دست شریر نگاه دار، از
مرد ظالم مرا محافظت فرما که تدبیر می‌کنند تا

پایهای مرا بلغزانند.

۵ متکبران برای من تله و ریسمانها پنهان کرده

۱۴۱

پس تو طریقت مرا دانسته‌ای. در راهی که می‌روم دام برای من پنهان کرده‌اند.
 ۴ به طرف راست بنگر و ببین که کسی نیست که مرا بشناسد. ملجا برای من نابود شد. کسی نیست که در فکر جان من باشد.
 ۵ نزد تو ای خداوند فریاد کردم و گفتم که تو ملجا و سهم من در زمین زندگان هستی.
 ۶ به ناله من توجه کن زیرا که بسیار ذلیل! مرا از جفاکنندگانم برهان، زیرا که از من زورآورترند.
 ۷ جان مرا از زندان درآور تا نام تو را حمد گویم. عادلان گرداگرد من خواهند آمد زیرا که به من احسان نموده‌ای.

تضرع به حضور خدا

مزمور داود

ای خداوند دعای مرا بشنو و به تضرع من گوش بده! در امانت و عدالت خویش مرا اجابت فرما!
 ۲ و بر بنده خود به محاکمه برمیا. زیرا زنده‌ای نیست که به حضور تو عادل شمرده شود.
 ۳ زیرا که دشمن بر جان من جفا کرده، حیات مرا به زمین کوبیده است و مرا در ظلمت ساکن گردانیده، مثل آنانی که مدتی مرده باشند.
 ۴ پس روح من در من مدهوش شده، و دلم در اندرونم متحیر گردیده است.
 ۵ ایام قدیم را به یاد می‌آورم. در همه اعمال تو تفکر نموده، در کارهای دست تو تأمل می‌کنم.
 ۶ دستهای خود را بسوی تو دراز می‌کنم. جان

۱۴۳

۳ ای خداوند، بر دهان من نگاهبانی فرما و در لبهایم را نگاه دار.
 ۴ دل مرا به عمل بد مایل مگردان تا مرتکب اعمال زشت با مردان بدکار نشوم. و از چیزهای لذیذ ایشان نخورم.
 ۵ مرد عادل مرا بزند و لطف خواهد بود، و مرا تأدیب نماید و روغن برای سر خواهد بود! و سر من آن را ابا نخواهد نمود زیرا که در بدیهای ایشان نیز دعای من دایم خواهد بود.
 ۶ چون داوران ایشان از سر صخره‌ها انداخته شوند، آنگاه سخنان مرا خواهند شنید زیرا که شیرین است.
 ۷ مثل کسی که زمین را فلاح و شیار بکند، استخوانهای ما بر سر قبرها پراکنده می‌شود.
 ۸ زیرا که ای یهوه خداوند، چشمان من بسوی توست. و بر تو توکل دارم. پس جان مرا تلف منما!
 ۹ مرا از دامی که برای من نهاده‌اند نگاه دار و از کمنده‌ای گناهکاران.
 ۱۰ شریان به دامهای خود بیفتند و من در صلح در بگذرم.

دعا در تنگی

قصیده داود و دعا وقتی که در غار بود

به آواز خود نزد خداوند فریاد برمی‌آورم. به آواز خود نزد خداوند تضرع می‌نمایم.
 ۲ ناله خود را در حضور او خواهم ریخت. تنگی‌های خود را نزد او بیان خواهم کرد.
 ۳ وقتی که روح من در من مدهوش می‌شود.

۱۴۲

- ۴ انسان مثل نَفْسی است و روزهایش مثل سایه‌ای است که می‌گذرد.
- ۵ ای خداوند آسمانهای خود را خم ساخته، فرود بیا. و کوه‌ها را لمس کن تا دود شوند.
- ۶ رعد را جهنده ساخته، آنها را پراکنده ساز. تیرهای خود را بفرست و آنها را مغلوب نما.
- ۷ دست خود را از اعلیٰ بفرست، و مرا رهانیده، از آبهای بسیار خلاصی ده، یعنی از دست پسران اجنبی
- ۸ که دهان ایشان به باطل سخن می‌گوید، و دست راست ایشان، دستِ دروغ است.
- ۹ ای خدا، تو را سرودی تازه می‌سرایم. با بربط ذات ده تار، تو را ترنم خواهم نمود.
- ۱۰ که پادشاهان را نجات می‌بخشی، و بندهٔ خود داود را از شمشیر مهلک می‌رهانی.
- ۱۱ مرا از دست اجنبیان برهان و خلاصی ده، که دهان ایشان به باطل سخن می‌گوید و دست راست ایشان دست دروغ است.
- ۱۲ تا پسران ما در جوانی خود نمو کرده، مثل نهالها باشند. و دختران ما مثل سنگهای زاویه تراشیده شده به مثال قصر.
- ۱۳ و انبارهای ما پر شده، به انواع نعمت ریزان شوند. و گله‌های ما هزارها و گرورها در صحراهای ما بزیاند.
- ۱۴ و گاوان ما باربردار شوند و هیچ رخنه و خروج و ناله‌ای در کوجه‌های ما نباشد.
- ۱۵ برکت می‌گیرد قومی که نصیب ایشان این است. برکت می‌گیرد آن قوم که یَهُوه خدای ایشان است.
- من مثل زمین خشک، تشنهٔ تو است، سلاه. ای خداوند، بزودی مرا اجابت فرما زیرا روح من کاهیده شده است. روی خود را از من مپوشان، مبادا مثل فروروندگان به هاویه بشوم.
- ۸ بامدادان رحمت خود را به من بشنوان زیرا که بر تو توکل دارم. طریقی را که بر آن بروم، مرا بیاموز زیرا نزد تو جان خود را برمی‌افرازم.
- ۹ ای خداوند مرا از دشمنانم برهان زیرا که نزد تو پناه برده‌ام.
- ۱۰ مرا تعلیم ده تا ارادهٔ تو را به جا آورم زیرا خدای من تو هستی. روح مهربان تو مرا در زمین هموار هدایت بنماید.
- ۱۱ به خاطر نام خود ای خداوند مرا زنده ساز؛ به خاطر عدالت خویش جان مرا از تنگی برهان؛
- ۱۲ و به خاطر رحمت خود، دشمنانم را منقطع ساز. و همهٔ مخالفان جان مرا هلاک کن زیرا که من بندهٔ تو هستم.

سرود پیروزی

مزمور داود

۱۴۴

- خداوند که صخرهٔ من است، متبارک باد؛ که دستهای مرا به جنگ و انگشتهای مرا به حرب تعلیم داد!
- ۲ رحمت من اوست و ملجای من و قلعهٔ بلند من و رهانندهٔ من و سپر من و آنکه بر او توکل دارم، که قوم مرا در زیر اطاعت من می‌دارد.
- ۳ ای خداوند، آدمی چیست که او را بشناسی؟ و پسر انسان که او را به حساب بیاوری؟

۱۴ خداوند جمیع افتادگان را تأیید می کند و خم شدگان را برمی خیزاند.

۱۵ چشمان همگان منتظر تو می باشد و تو طعام ایشان را در موسمش می دهی.

۱۶ دست خویش را باز می کنی و آرزوی همه زندگان را سیر می نمایی.

۱۷ خداوند عادل است در جمیع طریق های خود و رحیم در کل اعمال خویش.

۱۸ خداوند نزدیک است به آنانی که او را

می خوانند، به آنانی که او را به راستی می خوانند.

۱۹ آرزوی ترسندگان خود را به جا می آورد و

تضرع ایشان را شنیده، ایشان را نجات می دهد.

۲۰ خداوند همه محبان خود را نگاه می دارد و

همه شیریان را هلاک خواهد ساخت.

۲۱ دهان من تسبیح خداوند را خواهد گفت

و همه بشر نام قدوس او را متبارک بخوانند تا

ابدالآباد.

سعادت توکل به خدا

هَلْلُوْیَا: ای جان من خداوند را

تسبیح بخوان!

۱۴۶

۲ تا زنده هستم، خداوند را حمد خواهم

گفت. مادامی که وجود دارم، خدای خود را

خواهم سراپید.

۳ بر رؤسا توکل مکنید و نه بر این آدم که نزد

او کمکی نیست.

۴ روح او بیرون می رود و او به خاک خود

برمی گردد و در همان روز فکرهاش نابود

می شود.

۵ برکت می گیرد آنکه خدای یعقوب مددکار

پرستش خداوند

تسبیح داود

۱۴۵

ای خدای من، ای پادشاه، تو

را متعال می خوانم و نام تو را متبارک می گویم، تا ابدالآباد!

۲ تمامی روز تو را متبارک می خوانم، و نام تو

را حمد می گویم تا ابدالآباد.

۳ خداوند عظیم است و بی نهایت ممدوح، و

عظمت او را تفتیش نتوان کرد.

۴ طبقه تا طبقه اعمال تو را تسبیح می خوانند

و کارهای عظیم تو را بیان خواهند نمود.

۵ در مجد جلیل کبریایی تو و در کارهای

عجیب تو تفکر خواهم نمود.

۶ در قوت کارهای مهیب تو سخن خواهند

گفت. و من عظمت تو را بیان خواهم نمود.

۷ یادگاری کثرت احسان تو را حکایت

خواهند کرد. و عدالت تو را خواهند سراپید.

۸ خداوند کریم و رحیم است و دیر غضب و

کثیر الاحسان.

۹ خداوند برای همگان نیکو است، و

رحمت های وی بر همه اعمال وی است.

۱۰ ای خداوند جمیع کارهای تو، تو را

حمد می گویند. و مقدسان تو، تو را متبارک

می خوانند.

۱۱ درباره جلال ملکوت تو سخن می گویند و

توانایی تو را حکایت می کنند.

۱۲ تا کارهای عظیم تو را به بنی آدم تعلیم

دهند و کبریایی مجید ملکوت تو را.

۱۳ ملکوت تو، ملکوتی است تا جمیع دهرها

و سلطنت تو باقی تا تمام دورها.

۷ خداوند را با تشکر بسرایید. خدای ما را با بریط سرود بخوانید.

۸ که آسمانها را با ابرها می پوشاند و باران را برای زمین مهیا می نماید و گیاه را بر کوهها می رژیاند.

۹ که چهار پایان را آذوقه می دهد و بچه های غراب را که او را می خوانند.

۱۰ در قوت اسب رغبت ندارد، و از ساقهای انسان راضی نمی باشد.

۱۱ رضامندی خداوند از ترسندگان وی است و از آنانی که به رحمت وی امیدوارند.

۱۲ ای اورشلیم، خداوند را تسبیح بخوان. ای صهیون، خدای خود را حمد بگو.

۱۳ زیرا که پشت بندهای دروازه های ما مستحکم کرده و فرزندان ما را اندرون مبارک فرموده است.

۱۴ که حدود تو را صلح می دهد و تو را از مغز گندم سیر می گرداند.

۱۵ که کلام خود را بر زمین فرستاده است و قول او به زودی هر چه تمام تر می دود.

۱۶ که برف را مثل پشم می باراند، و ژاله را مثل خاکستر می پاشد.

۱۷ که تگرگ خود را در قطعه ها می اندازد؛ و کیست که پیش سرمای او تواند ایستاد؟

۱۸ کلام خود را می فرستد و آنها را می گدازد. باد خویش را می وزاند، پس آنها جاری می شود.

۱۹ کلام خود را به یعقوب بیان کرده، و فرایض و داوریهای خویش را به اسرائیل.

۲۰ با هیچ امتی چنین نکرده است و داوریهای او را ندانسته اند. هَللویاه!

اوست، که امید او بر یهوه خدای وی می باشد،
۶ که آسمان و زمین را آفرید و دریا و آنچه را که در آنهاست؛ که راستی را نگاه دارد تا ابدالآباد؛

۷ که مظلومان را دادرسی می کند؛ و گرسنگان را نان می بخشد. خداوند اسپران را آزاد می سازد.

۸ خداوند چشمان کوران را باز می کند.

خداوند خم شدگان را برمی افرازد. خداوند عادلان را دوست می دارد.

۹ خداوند غریبان را محافظت می کند و یتیمان و بیوه زنان را پایدار می نماید. اما طریق شریران را کج می سازد.

۱۰ خداوند سلطنت خواهد کرد تا ابدالآباد و خدای تو ای صهیون، نسلاً بعد نسل. هَللویاه!

تسبیح خدای توانا

هَللویاه، زیرا خدای ما را سراییدن نیکو است و دلپسند،

۱۴۷

و تسبیح خواندن شایسته است!

۲ خداوند اورشلیم را بنا می کند و پراکندگان اسرائیل را جمع می نماید.

۳ شکسته دلان را شفا می دهد و جراحت های ایشان را می بندد.

۴ عدد ستارگان را می شمارد و جمیع آنها را به نام می خواند.

۵ خداوند ما بزرگ است و قوت او عظیم و حکمت وی غیرمتناهی.

۶ خداوند مسکینان را برمی افرازد و شریران را به زمین می اندازد.

تا فخر باشد برای همهٔ مقدّسان او، یعنی برای بنی اسرائیل که قوم مقرب او می‌باشند. هَلّویاه!

سرود تازه برای خداوند

هَلّویاه! خداوند را سرود تازه بسرایید و تسبیح او را در جماعت مقدّسان!

۱۴۹

۲ اسرائیل در آفریننده خود شادی کنند و پسران صهیون در پادشاه خویش وجد نمایند.
 ۳ نام او را با رقص تسبیح بخوانند. با بربط و عود او را بسرایند.
 ۴ زیرا خداوند از قوم خویش رضامندی دارد. مسکینان را به نجات جمیل می‌سازد.
 ۵ مقدّسان از جلال فخر بنمایند. و بر بسترهای خود ترنّم بکنند.
 ۶ تسبیحات بلند خدا در دهان ایشان باشد. و شمشیر دو دمه در دست ایشان.
 ۷ تا از اَمّت‌ها انتقام بکشند و تأدیب‌ها بر طوایف بنمایند.
 ۸ و پادشاهان ایشان را به زنجیرها ببندند و سروران ایشان را به پابندهای آهنین.
 ۹ و داوری را که مکتوب است بر ایشان اجرا دارند. این کرامت است برای همهٔ مقدّسان او. هَلّویاه!

تسبیح خدا

هَلّویاه! خدا را در قدس او تسبیح بخوانید. در فلکِ قوّت او، او را تسبیح بخوانید!
 ۲ او را به سبب کارهای عظیم او تسبیح

۱۵۰

همه خدا را تسبیح بخوانند

هَلّویاه! خداوند را از آسمان تسبیح بخوانید! در اعلیٰ علیّین

۱۴۸

او را تسبیح بخوانید!

۲ ای همهٔ فرشتگانش او را تسبیح بخوانید. ای همهٔ لشکرهای او، او را تسبیح بخوانید.
 ۳ ای آفتاب و ماه او را تسبیح بخوانید. ای همهٔ ستارگان نور او را تسبیح بخوانید.
 ۴ ای فلک‌الافلاک او را تسبیح بخوانید، و ای آبهایی که فوق آسمانهایید.
 ۵ نام خداوند را تسبیح بخوانند زیرا که او امر فرمود پس آفریده شدند.
 ۶ و آنها را پایدار نمود تا ابدالآباد و قانونی قرار داد که از آن در نگذردند.
 ۷ خداوند را از زمین تسبیح بخوانید، ای نهنگان و جمیع لَجّه‌ها.
 ۸ ای آتش و تگرگ و برف و مه و باد تند که فرمان او را به جا می‌آورید.
 ۹ ای کوه‌ها و تمام تلّ‌ها و درختان میوه‌دار و همهٔ سروهای آزاد.
 ۱۰ ای وحوش و جمیع چهار پایان و حشرات و مرغان بالدار.
 ۱۱ ای پادشاهان زمین و جمیع اَمّت‌ها و سروران و همهٔ داوران جهان.
 ۱۲ ای جوانان و دوشیزگان نیز و پیران و اطفال.
 ۱۳ نام خداوند را تسبیح بخوانند، زیرا نام او تنها متعال است و جلال او فوق زمین و آسمان.
 ۱۴ و او شاخی برای قوم خود برافراشته است،

بخوانید. او را به حسب کثرت عظمتش تسبیح
بخوانید.

۳ او را به آواز شیپور تسبیح بخوانید. او را با
بربط و عود تسبیح بخوانید.

۴ او را با دف و رقص تسبیح بخوانید. او را با

ذوات اوتار و نی تسبیح بخوانید.
۵ او را با صنجهای بلند آواز تسبیح بخوانید.
او را با صنجهای خوش صدا تسبیح بخوانید.
۶ هر که روح دارد، خداوند را تسبیح بخواند.
هَلِّوْیَاه!